

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ جنگ

فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
سال ششم، شماره ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۷۶

ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
اداره عملیات
مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

فصلنامه تاریخ جنگ
مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
زیر نظر شورای سردبیری

طراحی، حرف چینی، آماده سازی، امور فنی و چاپ کامپیوتری: مرکز مطالعات و تحقیقات
جنگ - مدیریت بهره دهی

استفاده از مطالب فصلنامه تاریخ جنگ منوط به اجازه کتبی از مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
است

مقالات و مطالب خود را می توانید از طریق نشانی نشریه جهت چاپ ارسال نمایید.
مدیریت نشریه در رد و قبول یا اصلاح مقالات آزاد می باشد.

نشانی: ستاد مشترک سپاه پاسداران - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ - تلفن ۳۴۳۶۸۴

فهرست

صفحه	نام نویسنده	عنوان
۵		سخنی با خوانندگان
۶		جنگ و تاثیرات آن در جامعه و سازندگی مروری بر روند شکل گیری سازمان های نظامی - ۱
۱۲		ارتش ایران در مقطع قبل از انقلاب
۳۸	محمد علی خرم	جنگ ایران و عراق در اسناد سازمان ملل (۲) ترجمه
۵۸	محمود یزدانفام	نبرد با دریا و دشمنان دریایی
۷۱	خواهر ف. آهنگرزاده	عملیات نصر (هویزه) ۵۹/۱۰/۱۵

سخنی با خوانندگان

نشریه تاریخ جنگ از ابتدای فعالیت خود بیان و اقعیت های جنگ ایران و عراق، گسترش و تضمین فرهنگ بسیجی، ارتقای بینش و آگاهی های استراتژیکی و تاکتیکی درامرجنگ و تقویت روحیه بسیجی را وجه همت خود قراردادده است این تلاش با مشارکت کلیه اعضای مرکز مطالعات و دل سوختگان جنگ تا حدودی به اهداف تعیین شده، رسیده است، اما وجود برخی کاستی ها، عملا مانع از این شده است که دست اندرکاران نشریه رضایت خاطرکاملی از این فعالیت چند ساله احساس کنند.

درچنین و وضعیتی مجموعه عواملی که می تواند ادامه کار را ممکن و میسرسازد، استقبال و تشویق مشترکین علاقه مند به ادامه انتشار نشریه، نقد و وضعیت گذشته، برطرف نمودن مشکلات و موانع به دست دل سوختگان جنگ و ارائه طریق متناسب با نیازمندی های تازه است. در یک بررسی اجمالی اکنون به نظرمی رسد مهمترین مسائلی که باید جهت توسعه نشریه و افزایش کیفیت مطالب آن مد نظر قرارگیرد موارد زیراست:

۱- تعریف جدید ازکار

۲- ساختار تشکیلاتی پویا

۳- بودجه و امکانات موردنیاز

۴- کادرمجرب و کارآمد

۵- مکان مناسب

دست یابی به این اصلاحات بدون وجود بستر زمانی و محیط سازمانی مناسب امکان پذیرنبوده است. لذا مسئولین نشریه تاریخ جنگ مترصد فرصتی بودند تا بتوانند این اصلاحات رابه نحوی شایسته تحقق بخشند. این فرصت به نظرمی رسد با تغییراتی که درساختارمافوق مرکز مطالعات صورت گرفته فراهم شده باشد، لذا متعاقبا با ملاحظه موارد پنجگانه بالا پیشنهاد تغییر در ساختار نشریه نیزارائه گردید و مورد موافقت مسئولین قرار گرفت. بنا براین از شماره آینده دورجدیدی از فعالیت نشریه آغاز خواهد شد و امید است حاصل این تغییرات موجب جلب خاطرمسئولین و خوانندگان محترم گردد.

جنگ و تاثیرات آن بر جامعه و سازندگی

اشاره

مطلب زیر تلاش کارشناسانه سردار سلامی رئیس محترم اداره عملیات است که درحاشیه مصاحبه با سردار ذوالقدر جانشین محترم فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جهت انعکاس در یکی از رسانه های عمومی داخلی تهیه و تنظیم شده است.

با توجه به اهمیت موضوع و نکات جالب توجهی که در این گفتگو وجود دارد با رعایت تلخیص از نظرمی گذرد.

سوال: تهاجم و دفاع را چگونه تشریح می کنید.

جواب: تهاجم فرآیندی است که طی آن یک کشور با نقض قواعد بین المللی در مورد حق حاکمیت سایر کشورها به حریم آنها تجاوز می کند و یا از طریق اجرای آتش های زمین پایه، دریا پایه و یا هوا پایه سرزمین کشوردیگری را مورد حمله قرار می دهد. دفاع مشروع و حق طبیعی هر نظام سیاسی یا هر موجود زنده است.

سوال: تاثیراتی که جنگ بر امور مختلف یک کشور می گذارد را تشریح کنید.

جواب: تاثیرات جنگ بر کشورهای متفاوت بوده لیکن تاثیر آن بر اغلب کشورها معمولاً به صورت های مختلف ظاهر می گردد.

فی المثل جنگ موجب ایجاد انسجام و وحدت ملی هم در سطح رهبران سیاسی و هم

در سطح مردم کشوری شود. و یا جنگ موجب کاهش تولید ناخالص ملی کشور و به موازات آن افزایش سهم بودجه دفاعی از (cnp تولید ناخالص ملی) می گردد، نتیجه این کار کاهش سهم تخصیص یافته به بخش غیر دفاعی و در نتیجه کاهش سرمایه گذاری در بخش صنایع، تجارت، کشاورزی و غیره و همچنین کاهش شدید در تامین نیازهای معیشتی و رفاهی مردم می شود اما جنگ ممکن است به شکوفایی ابتکارات و خلاقیت ها منجر شود و موجب رشد سطح فنی و تمایل به خودکفایی گردد.

همین طور جنگ در صورت تحمیل شدن و داشتن ماهیت دفاعی برای مدت ها موجب تقویت عزم و اراده و روحیه ملی می شود و بسیاری از مسائل سیاسی لاینحل را از جغرافیای سیاسی کشور حذف می نماید.

ممکن است یک جنگ تخریبی در ابتدا با انهدام زیرساخت های صنعتی، اقتصادی و اجتماعی موجب ایجاد موج شوک در جامعه شود، اما پس از باز یابی تعادل اجتماعی و روحی در سطح ملی، ظرفیت و پتانسیل مقاومت طولانی مدت را احیا می کند.

جنگ به دلیل عواقب و مضرات ذاتی خود ممکن است در برخی کشورها که کنترل فرهنگی بر روابط اجتماعی موجود نیست، یا یک رشته محکم اعتقادی، روابط اجتماعی را استحکام نمی بخشد منجر به فساد اخلاقی و تخلفات اجتماعی نظیر جنایت، قتل و سرقت شود، لیکن در جمهوری اسلامی به دلیل حاکمیت ارزش های الهی این امور در جنگ سیر نزولی خواهد یافت همچنین جنگ به تناسب ماهیت رژیم های حاکم یا موجب وابستگی شدید تر و مطلق دولت های درگیر به قدرت های خارجی می شود و یا موجب گرایش به استقلال و خود کفایی کامل در دولت ها می گردد. برای جمهوری اسلامی ایران، جنگ همواره مسیر رشد و شکوفایی و استقلال سیاسی اقتصادی و فرهنگی را به دنبال خواهد داشت. و بالاخره جنگ ها اگر با موفقیت و یا سربلندی به پایان برسند، معمولاً به عنوان یک افتخار و پشتوانه ملی موجبات تضمین بازدارندگی کشور در مقابل تهاجمات بعدی را فراهم می سازند.

سوال: مسئولین یک کشور به هنگام جنگ چه تدابیری را باید بیندیشند.

جواب: اقدامات مسئولین کشور به هنگام جنگ عبارت است از:

همگرا کردن و بسیج منابع ملی به عنوان یک ضرورت و اولویت حیاتی به منظور تعمیم سطح قدرت نظامی از سطح نیروهای مسلح به یک مقیاس ملی و نیز ایجاد و حدت ملی هم در سطح کل جامعه و اعمال محدودیت های منطقی در توزیع منابع ملی بین بخش دفاعی و غیر دفاعی از جمله اقداماتی است که مسئولین مملکت باید به آن بیندیشند. علاوه بر این ارائه تحرک و پویایی در دیپلماسی جنگ در جهت یافتن دنباله های استراتژیک و عمق سیاسی در جهان و نظام بین الملل و همچنین توجیه کامل مردم و نیروهای مسلح نسبت به اهداف جنگ و ترغیب مردم به مشارکت جدی در حمایت از جنگ، جزئی از وظایف مسئولین کشور است شناخت دقیق ظرفیت های ملی برای ادامه جنگ و تعقیب هدف های سیاسی و نیز تعیین دقیق هدف های سیاسی جنگ و فراهم آوردن الزامات تعقیب و دستیابی به اهداف، از دیگر اقدامات ضروری مسئولین کشور به هنگام جنگ محسوب می شود.

سوال: اقداماتی که مسئولین کشور جمهوری اسلامی ایران در طول هشت سال دفاع مقدس انجام دادند چه بود؟

جواب: حضرت امام (رض) ابتدا روحیه ملی را در حالت تعادل و آرام نگه داشت و ملت نیروهای مسلح را برای ۲۰ سال جنگ از نظر روحی آماده کرد.

آن حضرت مدیریت سیاسی جهان را به عهده گرفت و با ابتکار عمل سیاسی، در جهان آن روزانفعال ایجاد کرد. ایشان با درایت کامل هم تهدیدات ایالات متحده را خنثی کرد و هم با حذف بنی صدر و حدت سیاسی در سطح ملی را تضمین نمود و مدیریت سیاسی و فرماندهی عالی جنگ را به جریان انقلابی پیرو خط امام انتقال داد.

رهبران سیاسی و قت نیز همانند رئیس محترم جمهوری و رئیس محترم مجلس، نخست و زیرکابینه به جنگ با عنوان یک اولویت ملی نگرسته تلاش کردند تا سیاست خارجی و سیاست داخلی کشور را در امتداد خطوط متقارب به سمت اهداف عالی جنگ همگرا کنند.

سوال: چنانچه حمله نظامی یک یا چند کشور خارجی محتمل باشد سپاه در این میان چه تلیری

اندیشیده است؟

جواب: هم اکنون سپاه دکترین دفاعی خود را در برخورد با طیف مختلف تهدیدات احتمالی و نیز استراتژی عملیاتی و طرح های دفاعی خود را برای صحنه های مختلف و وضعیت های مختلف عملیاتی تدوین نموده است. همچنین خوشبختانه سپاه با توسعه ساختار خود متناسب با تهدیدات به اطمینان لازم در کفایت قدرت رزمی خود رسیده است و با اجرای مانورهای متفاوت هم به تمرین طرح ها پرداخته و هم قابلیت و شایستگی رزمی خود را ارتقا داده است.

سپاه با دست یابی به تجهیزات پیشرفته و منحصر به فرد که حاصل ابتکار ملی است قادر به خلق محیط های عملیاتی منحصر به فرد و غیر قابل پیش بینی می باشد و مهمتر آنکه سپاه موفق به سازمان دهی بسیج مردمی در جهت ملی کردن کامل امر دفاع شده است.

سوال: لزوم تشکل های مردمی جهت مقابله با هجوم خارجی بعد از انقلاب در هر کشور و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در کشور خودمان تشریح کنید.

جواب: تشکل های مردمی در هر کشور به عنوان احتیاط و ذخیره استراتژیک قدرت رزمی موجود و یا توان بالقوه محسوب می شوند. توسعه قدرت رزمی به صورت جهشی و ناگهانی از طریق سازماندهی و احدهای مردمی امکان پذیر است. تشکل های مردمی به سطح قدرت در کشور عمق می بخشد یک دنباله پایان ناپذیری از قدرت را ایجاد می کند

در جمهوری اسلامی ایران مشخص بود که تکیه بر قدرت نیروهای کلاسیک نمی تواند ضریب اطمینان مناسبی برای پیروزی در جنگ باشد و بنا بر این عامل جدیدی از قدرت که دشمن در محاسبات خود آنها را منظور نکرده بود، وارد معامله قدرت رزمی شد. مردمی کردن جنگ هم به امر دفاع مشروعیت بیشتری بخشید و هم موجب ملی شدن پدیده جنگ و درک صحیح مفهوم بحران های ناشی از آن و تحمل این بحران ها در بین مردم گردید. وقتی یک پدیده جنبه مردمی و ملی می یابد تحمل سختی های ناشی از آن آسان و هموار می شود.

علاوه بر آن بسیج به منزله تجلی شکوهمند ترین تشکل مردمی قدرت و واقعی ملت را در جنگ به صحنه می آورد. بسیج بر امواج طوفانی آیندهای متوالی سوار شد و موجب ایجاد اطمینان قلبی

در رهبران سیاسی برای ادامه جنگ گردید بسیج موجب ظهور اجتناب ناپذیردکترین جدیدی در جنگ شد که با دکترین های رایج و سنتی متفاوت بود و همین موضوع جلوه جدیدی به روش های تاکتیک ها داد و موجب بسیاری از موفقیت ها درجنگ شد.

سوال: پس از هجوم عراق تدابیری که برای جلوگیری از پیشروی دشمن اندیشیده شد چه بود؟
جواب: در دوران بنی صدر تدبیر اساسی متکی بر دادن زمین و کسب زمان بود. این استراتژی معاوضه زمین با زمان موجب تاخیر در نمایش قدرت ملی در جنگ گردید و روحیه ها را سست کرد. علاوه بر آن در آن دوران با تکیه و تاکید بنی صدر بر استفاده از روش های سنتی و نیروهای کلاسیک در جنگ، عملاً تحرکی در جبهه ها صورت نگرفت و نظام تصمیم گیری استراتژیک و عملیاتی و حتی تاکتیکی جنگ در انحصار نیروهای کلاسیک باقی ماند و سپاه و بسیج از حضور جدی در عرصه تصمیم گیری عالییه و همچنین سطوح پایین تر جنگ محروم شدند. نتیجه اینکه در ابتدای جنگ مقاومت های مردمی خودجوش و سازمان یافته در ظرف سازمانی سپاه به همراه مقاومت نیروهای ارتش و به ویژه عملکرد نیروی هوایی ارتش و عدم توانایی بیشتر عراق در پیشروی در عمق خاک جمهوری اسلامی ایران، سدی در مقابل دشمن شد و متوقف کردن وی صورت گرفت. در این دوران به دلیل حاکمیت تفکر نظامی سنتی و ایستا که مبتنی بر نبرد متقارن با دشمن استوار بود عملاً هیچ پیروزی قابل ملاحظه ای در جبهه خودی به دست نیامد. اما با حذف بنی صدر از سیستم تصمیم گیری سیاسی و نظامی کشور و ورود نیروهای انقلابی به عرصه تصمیم گیری عالییه جنگ و ظهور دکترین انقلابی و پویا مبتنی بر روش های ابتکاری و بومی و نبرد غیرمقارن، طلایه پیروزی های بزرگ یکی پس از دیگری دمیده شد و در نتیجه در طی فاصله زمانی یکسال و نیم پس از عزل بنی صدر تمام سرزمین های اشغالی آزاد شد و متعاقب آن عملیات تیسبه و تعقیب متجاوز در خاک عراق آغاز گردید.

سوال: نقش سپاه در استراتژی دفاعی کشور را در آینده چگونه تشریح می کنید؟

جواب: استراتژی دفاعی جمهوری اسلامی ایران بر ۳ پایه (۱) بازدارندگی (۲) دفاع موثر (۳) تنبیه متجاوز استوار است.

بازدارندگی به مفهوم ایجاد ظرفیت های دفاعی بالقوه موثر برای دفاع مطمئن و قدرت القای این ظرفیت ها و توانایی ها در ذهن و روح دشمن است به گونه ای که وی با محاسباتی به این نتیجه برسد که دستاورد های تهاجمش در مقابل خسارات و هزینه های تحمیل شده بسیار ناچیز است. سپاه با توسعه سازمان رزم خود با تجهیز نمودن نیروها به سلاح های موثر، ادامه آموزش های لازم به فرماندهان و نیروها، ایجاد فضایی روحانی و شهادت طلبانه، ترسیم روشن محیط های جنگی و عملیاتی جنگ های احتمالی آینده و ادامه آمادگی های نظری و عملی در زمینه حضور در صحنه های عملیاتی آتی ظرفیت دفاعی مطمئن و موثری را ایجاد نموده است.

در زمینه دفاع موثر، سپاه با بهره گیری از تجربه های دفاع مقدس و با تحلیل آسیب پذیری ها و نقاط ضعف دشمن به استراتژی دفاعی و دکترین نظامی خاص خود دست یافته است. در استراتژی دفاعی سپاه تلفیقی از تدبیر و ابتکار عمل، تاکتیک و تکنیک و قدرت روحی و عوامل انسانی و ارکان قدرت رزمی شکل گرفته است و سپاه هم اینک با توسعه نیروهای پنجگانه خود با قدرت و قابلیت سازمان دهی ارتش بیست میلیونی ظرف نامحدودی از قدرت رزمی رادر یک دفاع طولانی مدت و در یک جنگ فرسایشی فراهم نموده است.

در مورد تنبیه متجاوز، دکترین دفاعی سپاه با یک استراتژی آفندی حکایت می شود به این معنی که اگر دشمن تهاجم، تجاوز و جنگ را به کشور تحمیل کند، سپاه با اجرای آفند های متوالی و عمیق دشمن را تا حد تلافی گسترده و مقابله به مثل انبوه و جدی تعقیب خواهد کرد. تنبیه متجاوز بخشی از فرایند تضمین بازدارندگی کشور را در مقابل تهدیدات احتمالی آینده شکل می دهد.

مروری بر روند شکل‌گیری سازمان‌های نظامی

۱- ارتش ایران در مقطع قبل از انقلاب

مقدمه

تامین ثبات و امنیت در داخل کشور در تجدید سازمان ارتش شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد، به عنوان عامل اصلی نقش بسزایی داشته است. بنابراین اموری همچون آموزش، ساختار، فرماندهی و کنترل در ارتش شاه، به گونه‌ای بوده است که بدون اتکا به یک قدرت خارجی امکان پاسخگویی و مقابله با یک تهدید خارجی و وجود نداشت. بنابر تمایلات توسعه طلبانه شاه در منطقه به منظور تامین منافع مشترک امریکا، سازمان نظامی کشور روز به روز گسترش یافت و این امر بدون آنکه توانایی‌های کیفی ارتش را افزایش دهد صرفاً موجبات طرح مقام پنجمین ارتش جهان را فراهم آورد.

مقاومت برادران حزب الهی ارتش در مقطع بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اعم از سربازان و فرماندهان محترم آن، عمدتاً متأثر از تحولات انقلابی در درون نیروهایی بود که از ماهیت تجاوز دشمن و ضرورت مقابله با آن، درک درستی پیدا کرده بودند. بنابراین عناصر متدین و انقلابی ارتش با انگیزه دفاع از سرزمین ایران و نظام جمهوری اسلامی، با وجود تمام کاستی‌ها و دشواری‌های موجود* و نابسامانی‌هایی که ارتش گرفتار آن بود، به مقابله و مقاومت اقدام نمودند

*جانشین محترم رئیس ستاد مشترک ارتش در مصاحبه با روزنامه کیهان ۱۳۷۵/۷/۵ در این مورد می‌گوید: «با آغاز تهاجم شیطان ارتش بعث عراق، پرسنل حزب الهی و متدین ارتش با همه مضایق ذکر شده اولین یگان

و همین مساله در تاریخ تحولات ارتش نقطه عطفی شد که باید از سایر مسائل و بخصوص در بررسی نقش ارتش در ۸ سال دفاع مقدس مورد تاکید و توجه قرار گیرد. از آنجایی که کیفیت و نحوه مقابله ارتش با تهاجم اولیه ارتش عراق در قواره های کلاسیک، اساسا ریشه در ماهیت ارتش در قبل از پیروزی انقلاب داشته است لذا در بادی امر مقاله زیر با بررسی نحوه شکل گیری، هویت و ماموریت ارتش شاه ماهیت ارتش شاه از دیدگاه امام تلاش آمریکا برای حفظ سیستم مستشاری در ارتش پس از پیروزی انقلاب اسلامی پی می گیریم، سپس روند تحولات ارتش پس از پیروزی انقلاب اسلامی را مورد نقد و بررسی قرار می دهیم. نحوه شکل گیری، هویت و ماموریت ارتش شاه، ماهیت ارتش شاه از دیدگاه امام تلاش آمریکا برای حفظ سیستم مستشاری در ارتش پس از پیروزی انقلاب اسلامی پی می گیریم، سپس روند تحولات ارتش پس از پیروزی انقلاب اسلامی را مورد نقد و بررسی قرار می دهیم.

نحوه شکل گیری، هویت و ماموریت ارتش شاه

پایان جنگ جهانی دوم همراه با شکل گیری سیستم جدید در نظام بین المللی با دوقطب به رهبری امریکا و شوروی (پیشین) سبب گردید ایران به لحاظ بر خوررداری از مرزهای طولانی در جنوب شوروی و مرز طولانی در شمال خلیج فارس و نیز بر خوررداری از منابع و مخازن غنی نفت، به منزله پایگاه استراتژیک برای آمریکا و غرب، محسوب می شود.

تلاش آمریکا برای مقابله با قدرت جدید کمونیستی، منجر به انعقاد پیمان ناتو در سال ۱۹۴۹م (۱۳۲۷ ش) در اروپا شد. موقعیت ایران در جنوب مرزهای شوروی و نقش این کشور در کمربند امنیتی مورد نظر آمریکا در برابر شوروی، ضرورتا برقراری ثبات در داخل ایران را ایجاب می کرد در این روند آمریکا و انگلیس پس از مواحه شدن با نهضت ملی نفت. به اجرای کودتای ننگین ۲۸ مرداد مبادرت کردند و بدین ترتیب تلاش برای تامین ثبات و امنیت داخلی برای تامین منافع آمریکا منجر به سرکوبی جنبشهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی مردم ایران. با تکیه بر قدرت نظامی

شد. اهمیت ایران در استراتژی امنیت ملی امریکا در دوره آیزنها و رودرکی که آمریکایی هانست به تهدیدات موجود در مرزهای شمالی ایران داشتند فضای مناسبات امنیتی ایران و امریکا را شکل داد. آمریکایی ها علاوه بر نگرانی در مورد سقوط شاه و روی کار آمدن حاکمیت دولت بی طرف و یا طرفداران شوروی، از تهاجم مستقیم شوروی و یا یکی از متحدینش به ایران نگران بودند. (۱) در عین حال تا سال ۱۹۵۷م (۱۳۳۶ش) امریکا بی ثباتی در داخل ایران را جدی ترین تهدید تلقی می کرد، برای همین نهادهای امنیتی شاه به و یژه ارتش، به منظور تثبیت اوضاع داخلی و تحکیم رژیم پهلوی تقویت شد (۲) و برای حفظ تمامیت ارضی و استقلال ایران در برابر شوروی، امریکا حفظ استقلال و تمامیت کشور ایران را برای منافع ملی خود و صلح جهانی امری حیاتی تشخیص داده و آماده بکار گیری نیروی نظامی خواهد بود (۳) در این روند، سازمان دهی و مدرنیزاسیون و آموزش ارتش به کمک آمریکایی ها آغاز شد. (۴) نقش جدید نیروهای مسلح در چارچوب سیاست آمریکایی ها در داخل ایران و در سطح منطقه به و یژه پس از کودتای ۲۸ مرداد و ضرورت مورد نظر آمریکایی ها موجب افزایش کادر نیروهای ارتش از ۸۰ هزار به ۲۰۰ هزار نفر شد. (۵)

ارتش امریکا در ماموریت جدید خود اساسا می باید اوضاع داخلی را به سود سیاست های امریکا و غرب تثبیت می کرد و به عبارت دیگر ارتش در مواقع حساس به مثابه پلیس در داخل کشور وارد عمل می شد در این زمینه اظهارات سفیر امریکا در ایران جان ویلی قابل تامل و توجه می باشد و می گوید:

«ایران به ارتشی نیاز دارد که قادر باشد در درجه اول نظم را در کشور حفظ کند. ارتشی که بتواند شورش را صرف نظر از آنکه از چه صنفی الهام می گیرد و چه کسی محرک آن است، سرکوب کند»

بنابراین متغیر اصلی در سازمان دهی مجدد ارتش پس از کودتای ۲۸ مرداد تثبیت اوضاع داخلی ایران با تحکیم موقعیت شاه و رژیم سلطنتی بود. در واقع ضرورت سرکوب داخلی به منظور حفظ موقعیت ایران در جنوب مرزهای شوروی (پیشین) منجر به توسعه و گسترش ارتش شد. در این چارچوب نظر به اینکه تجهیزات ارتش فرسوده بود و آمادگی و آموزش لازم را برای

اجرای ماموریت سرکوب در داخل کشور نداشت لذا آمریکایی ها تجدید سازمان ارتش را آغاز کردند.

ایجاد مراکز آموزشی نظامی و گسترش آن گرچه از دهه ۱۳۲۰ آغاز شده بود، (۷) ولی پس از کودتای ۲۸ مرداد از شتاب بیشتری برخوردار گردید. در سالهای ۱۳۳۳ و ۱۳۳۵ گامهای جدی در تغییر ساختار ارتش برداشته شد. ترجمه آیین نامه های ارتش آمریکا که عمدتاً به تجارب نظامی آمریکا و متفکین در جنگ جهانی دوم مرتبط بود، برای آموزش در ارتش ایران در نظر گرفته شد. اعزام دانشجو به آمریکا برای تجهیز ارتش از طریق خرید سلاح های مدرن در این روند و در جهت هدف اصلی یعنی ساختار ارتش انجام گرفت.

محتوای آموزش دور جدید و کلیه اقدامات آمریکا در این زمینه، عمدتاً در سطح انجام می شد و فاقد عمق لازم بود. فرضاً ترجمه آئین نامه های ارتش آمریکا که محصول تجارب نظامی آمریکا در جنگ جهانی بود و در چارچوب استراتژی آمریکایی ها و همچنین توانایی و مقدرات آنها نگاشته شده بود، برای ارتش ایران که تا آن زمان در هیچ آزمون خارجی در برابر دشمن موفقیتی نداشت و تنها از مصرف داخلی برخوردار بود، چه سود و حاصلی می توانست داشته باشد؟ اقدامات و تلاشهای آمریکا در ارتش در فاصله سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۷ م (۱۳۴۲ تا ۱۳۴۸) متعاقب خروج انگلیس از منطقه، روی کار آمدن کندی، آمریکا براستراژی و اکنش انعطاف پذیر و جنگ محدود تاکید ورزید (۸).

با آغاز ۱۵ خرداد به رهبری امام خمینی، شاه با استفاده از ارتش ساواک به مقابله و سرکوب مردم مسلمان ایران اقدام کرد. پس از گذشت یک دهه از سازمان دهی ارتش و ساواک، در نخستین آزمون داخلی دونهاد یاد شده با موفقیت در سرکوب نهضت اعتبار جدیدی راکسب کردند.

«وقتی قیام ژوئن ۱۹۶۲ شکست خورد معلوم گردید که هم ساواک و هم ارتش ایران، تشکیلات قابل اعتمادی برای بقای حکومت پهلوی به شمار رفته و هر دو به خوبی از امتحان سر بلند بیرون آمدند» (۹)

شکل گیری دکترین نیکسون پس از شکست آمریکا در ویتنام، در فاصله سال های ۷۹-۱۹۶۹ به

منظور کاهش تعهدات و هزینه های آمریکا در خارج از مرزها همراه با تمایلات توسعه طلبانه شاه برای ایفای نقش منطقه ای و فرا منطقه ای، منجر به آغاز دوره جدیدی در مناسبات نظامی - امنیتی ایران و آمریکا شد. افزایش فروش تجهیزات نظامی افزایش تعداد مستشاران امریکایی در ارتش و گسترش ارتش از مشخصه های این دوره بود.

شاه با مشاهده عدم کمک آمریکا به پاکستان در جنگ هند - پاکستان، تلاش کرد در برابر تهدید عراق، حمایت آمریکا را جلب نماید و این امر نه تنها در صورتی امکان پذیر بود که شاه در چار چوب جنگ سرد* و به عنوان بازوی نظامی آمریکا در منطقه عمل نماید.

خردی تجهیزات در این دوره با توجه به درآمدهای نفتی و همچنین سود جویی های شاه و اطرافیانش و نیز سیاست کمپانی های آمریکا برای افزایش درآمد و جذب دلارهای نفتی ایران بدون توجه به نیاز ایران و امکان بهره برداری از سلاح ها روبه فزونی نهاد. طبق گزارش حسابداری کل آمریکا در ژانویه ۱۹۷۵ مقامات ارتش آمریکا به قدری مورد فروش اسلحه به ایران شوق و ذوق و اصرار داشتند که اغلب مقامات ایران را از وسعت اشکالات و احتیاجات تعلیمات لجستیک و حفاظت سیستم ها در دستور خرید مطلع نمی ساختند (۱۰)

شاه نیز در این میان با سیاست هایی که به هنگام خرید تجهیزات اعمال می کرد با روش امریکایی ها هماهنگی داشت. در این زمینه جم ارتشبد رژیم شاه و رییس ستاد بزرگ ارتشتاران می گوید:

«اعلی حضرت شخصا انتخاب می کرد، دستور می داد به طوفانیان** که طوفانیان بخرد، نه و زارت جنگ کنترل داشت. اعلی حضرت بود و بانک مرکزی و طوفانیان و سفارت امریکا. اصلا ارتش هم اطلاعی نداشت ما نشسته بودیم یک روز می دیدیم هشتصد تا تانک می آید. نه حساب

* مناسبات امریکا و شوروی

** لازم به ذکر است که طوفانیان با توجه به نقش کلیدی که در خرید تجهیزات داشت، در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، اسناد و مدارکی را در اختیار داشت با خارج کردن از ایران، از دسترس نیروهای انقلابی دور کرد
*** لازم به ذکر است که طوفانیان با توجه به نقش کلیدی که در خرید تجهیزات داشت، در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، اسناد و مدارکی را در اختیار داشت با خارج کردن از ایران، از دسترس نیروهای انقلابی دور کرد

کرده بود که خب هشتصد تا تانک می آید، اول این آدم لازم دارد، جا می خواهد و سایل نگهداری لازم دارد. اینها که همه اش باهمدیگر بررسی نمی شد. یک روز می گفتند هشتصد تا نفربر خریدند، نمی دانم ۹۰۰ تا تانک خریدند. من که خودم ستاد بودم من که اصلا هیچوقت اطلاع نداشتم» (۱۱).

بنابراین منافع آمریکایی ها و شاه و نزدیکانش و توصیه های گروه مستشاری آمریکا در ایران و درآمد های ناشی از نفت نقش موثری در خرید تجهیزات داشت و هیچ گونه مطالعه عمیق و بررسی نیازمندی ها نه از سوی آمریکایی ها به هنگام فروش و نه از طرف شاه به هنگام خرید، انجام نمی گرفت.

در زمینه آموزش نیز در این مقطع اقدامات گسترده ای صورت گرفت که بخش اعظم آن اعزام دانشجو به خارج بود. این مسئله از چنان درجه اهمیتی برخوردار بود که اعزام افراد به آمریکا با نظر گروه مستشاری آمریکا در ایران و نظر سفیر آمریکا با مطالعه دقیق پرونده افراد انجام می گرفت. (۱۲) در خصوص ابعاد آموزش های جدید به ویژه اعزام دانشجو به آمریکا برابر گزارش فوق شمار افراد اعزامی نزدیک ۱۶ هزار نفر بوده است. به طور کلی تلاش آمریکا از آموزش، توسعه و تجهیز ارتش برای تحقق اهداف زیر بوده است:

- ۱- تامین امنیت نظام شاهنشاهی در مقابل تهدیدات داخلی،
- ۲- تقویت ارتش به منظور افزایش بنیه نظامی پیمان سنتو در برابر تهدیدات شوروی،
- ۳- تقویت ارتش به عنوان بزرگترین حامی منطقه ای اسرائیل در خاورمیانه،
- ۴- تطابق سیستم نظامی ایران با سیستم نظامی آمریکا برای ایفای نقش ژاندارمery،
- ۵- استحاله فرهنگی ارتش با توجه به نگرانی آمریکا از زمینه های مذهبی در ارتش و

تلاش های کمونیست ها برای نفوذ آن سازمان.

البته آموزش ها فاقد تاثیرات تعیین کننده بر افزایش کارایی نظامی و برخورد داری از تجربه عملیات آفندی بود* به همین دلیل طبعاً از کیفیت لازم نیز برخوردار نبود. به ویژه در بعد تعمیر و

* کردزمن نویسنده کتاب درس هایی از جنگ مدرن در جلد دوم که اختصاص به جنگ ایران و عراق دارد،

نگهداری، اطلاعات فنی مورد نیاز همراه با آموزش لازم بطور کامل ارائه نمی شد. همین امر و عدم کیفیت نیاز ایران در به کار گیری تجهیزات خریداری شده و تعمیر و نگهداری، اطلاعات فنی مورد نیاز ایران در به کار گیری تجهیزات خریداری شده و تعمیر و نگهداری آنها توسط آموزش دیدگان اعزامی موجب گردید بر افزایش مستشاران امریکایی در ایران تاکید شود به گونه ای که شمار آنها از ۱۶ هزار نفر افزایش یابد (۱۳)

بنابراین توسعه و گسترش ارتش در این مرحله نیز هیچگونه تناسب و سنخیتی با تهدیدات نداشت بلکه تمایلات توسعه طلبانه شاه همراه با استراتژی جدید منطقه ای امریکا پس از شکست در ویتنام، منجر به بروز رفتار سیاسی- نظامی شاه به منظور تامین منافع امریکا در منطقه شد. در واقع روند شکل گیری ارتش در دور جدید و تحولاتی که پشت سر گذاشته است، با وجود اهتمام ظاهری امریکایی ها به آموزش و تجهیزات ارتش و ایجاد نوسازی ساختار و سازمان آن، روش های به کار گرفته شده با توجه به ماهیت و اهداف و روش ها به هیچ وجه نقش اساسی و تعیین کننده در افزایش توان رزمی ارتش نداشته است. در واقع اگر در ارزیابی توان نظامی ارتش و میزان کارایی آن عواملی همچون آموزش، تجهیزات، فرماندهی و قدرت تحرک و جابه جایی و هدایت و کنترل و توانایی فکری در طرح ریزی نظامی موثر باشد با یک نگاه اجمالی کاملاً مشهود است که ارتش در زمان شاه از این عوامل برخوردار نبوده است* هر چند شاه تبلیغات وسیعی را

در این زمینه می نویسد: «نیروهای ارتش منظم و زرهی ایران پیش از انقلاب، می توانستند از نظر تدافعی با یکدیگر هماهنگی داشته باشند اما فاقد آموزش و تجربه عملیات آفندی بودند. عملیات های هوایی به شدت از عملیات های زمینی جدا بود پدافند هوایی به وسیله هواپیما و یا پدافند موشکی سطح به هوا، هماهنگی بسیارضعیفی داشته و در انتظار تکمیل سیستم فرماندهی، کنترل، ارتباطات، شناسایی و سیستم مدیریت صحنه بود که پیش از انقلاب قابل استفاده نبود»

(ترجمه حسن یکتا- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ص ۷۹)

* در این خصوص در صفحات بعد اشاره خواهد شد در عین حال در اینجا به نظریکی از کارشناسان در مورد توانایی ارتش در به کار گیری نیروهای زرهی اشاره می شود. افرایم کارش در این زمینه می گوید: «حتی قبل از سرنگونی شاه، ایران نمی توانست بیش از ۸۰ درصد از تانک های خود را مورد استفاده قرار دهد.» (نشریه ادلفی پی پر ۱۹۸۷، ترجمه: خبرگزاری جمهوری اسلامی)

برای معرفی ایران به عنوان پنجمین ارتش جهان به راه انداخته بود. در این زمینه، فریدون جم، رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران رژیم شاهنشاهی می گوید:

«ارتش ایران شش لشگرداشت، مگر می شود پنجمین (ارتش جهان) بشود این حرف بی معنی بود که می گفتند، آخر یک ارتش برای اینکه نیروی پنجم جهان بشود، باید یک زیر بنای محکمی داشته باشد. اتکا به یک ملت مبارز متحدی داشته باشد. یک سیستم صنعتی داشته باشد که بتواند تمام احتیاجات جنگ را تامین بکند، یک ارتشی که حتی برای نفت، یک روز اعتصاب که کردند بنزین نبود که مجبور شدند از امریکا بنزین بیاورند، چطور نیروی پنجم جهان می شد؟ با اینکه تمام قطعات یدکی آن باید از امریکا (می آمد یا) اگر نمی آمد باید ارتش بنخواست.» (۱۴)

در واقع بنا بر تجزیه و تحلیل جم به عنوان رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران، ارتش شاه هیچگونه زیرساخت لازم اعم از صنعتی و اقتصادی و نیز پایگاه اجتماعی و مردمی لازم را نداشته است، به همین دلیل از ویژگی های یک ارتش معمولی با جوهره و حمیت و غیرت نظامی و قابلیت و کارآمدی نظامی برخوردار نبوده است.*

بنابراین امریکا و شاه هریک به تناسب عملکردشان مانع از شکل گیری ارتش ملی و مردمی شده و علی رغم صرف هزینه های گزاف از سرمایه های کشور، و وضعیتی را به وجود آوردند که به هیچ وجه با نیازهای امنیتی کشور برای مقابله با تهدیدات تناسب نداشت. تاثیرات ناشی از این عملکرد، حتی تا سالیان بعد نیز برجای ماند.**

این بیان نشان دهنده عدم تناسب آموزش ها و همچنین خریدهای نامناسب بوده که انجام می گرفت. * یکی از کارشناسان نظامی در این زمینه با پیشنهاد صلح ایران و عراق اظهار می دارد: «رشد سریع و مدرنیزه شدن نیروهای مسلح، در کارایی عملیاتی آنها در عراق و ایران تاثیر بسزایی داشت. هریک از این کشورها با مشکلات باکیفیت این سربازان و طبقه درهر دو کشور، که جذب سریع جنگ افزارهای پیشرفته برایشان دشوار بود، تشدید گردید.»

(افرایم کارش، نشریه ادلفی پی پر، ۱۹۸۷، ترجمه: خبرگزاری جمهوری اسلامی)

** جم رییس ستاد بزرگ ارتشتاران در این زمینه می گوید:

«ارتش ایران به اصطلاح فرنگی ها که می گویند یک هدف نیرو یعنی فورس آبجکتیو (force objective) نداشت. یعنی معلوم نبود که ارتش که ارتش زمان جنگ ایران بالمان چی باید باشد. اگر یک جنگی در بگیرد، این ارتش ایران چی باید باشد؟ هیچ مملکتی ارتش زمان جنگش با ارتش زمان صلحش یکی نیست و ارتش

در این روند انحطاطی، گروه‌های مستشاری، با توجه به نقش تعیین‌کننده بسیارشان در سیاست‌گذاری درون ارتش، در واقع به مثابه مغز ارتش عمل می‌کردند گروه مستشاری مستقر در ستاد بزرگ ارتشتاران کلیه تصمیم‌های لازم در خصوص ارتش را اتخاذ و تنها پس از امضای آن به دست شاه به ارتش ابلاغ می‌کرد. بنا بر این نتیجه حاصل از حضور و عملکرد گروه مستشاری در ارتش سبب شده‌یچ گاه درون سیستم ارتش امکان تفکر و تأمل درباب مسائل کلان نظامی و استراتژیک با برخورداری از دغدغه امنیتی فراهم نشود، همین و ضعیفیت موجب شده بود گرایش اصلی در ارتش صرفاً به سمت نظم‌ظاهری (دکور) برود و فرهنگ تبختر و جاه‌طلبی و آلودگی متأثر از فرهنگ امریکایی برسران ارتش حاکم شود. در واقع ارتش یک بوروکراسی بزرگ همراه با نظم‌ظاهری و یک انبار تجهیزات خریداری شده با پول نفت بود.*

شاه نیز به دلیل تجربه تاریخی حاکمیت تحمیلی خود و پدرش در ایران با کودتای نظامی،

همواره روند تحولات نظامی در درون سیستم ارتش را با شک و ظن دنبال می‌کرد.**

زمان جنگ هم باید روشن باشد چقدر نیرومی خواهی درست کنی؟ درمقابل کی بجنگی؟ مهم‌ترین تهدیدات مهم را باید گرفت و درمقابل آن ایجاد نیروکرد، این اصلاً در ارتش ایران نبود، یعنی معلوم نبود که این ارتش درست شده برای مقابله با کی هست. برای مقابله با شوروی است؟ برای جنگ با عراق است؟... اما ارتش ایران این هدف را نداشت» (تاریخ شفاهی انقلاب، تنظیم ع باقی، ص ص ۲۵۰-۲۵۱)

* ۸- یکی از کارشناسان درمورد وضعیت ارتش از نظر آموزش و تجهیزات و اتکاء آنان به مستشاران امریکایی در کتاب خود می‌نویسد: «شاه اغلب تلاش داشت تا ارتش را از طریق چیزی شبیه به حکومت وحشت نوسازی نماید. فرماندهان به سرعت و مستبدانه به خاطراتوانی درتأمین انتظارات شاه خلع درجه می‌شدند فرماندهان ایرانی چنان از شاه می‌ترسیدند که وقتی از آنها می‌خواست تا تمامی لشکرهای زرهی را از لحاظ کارآیی به سطح بهترین لشکرهای ارتش برسانند، آنها با جابه‌جایی افسران تکنسینهای بهترین لشگرها به بدترین لشگرها، شاه را فریب می‌دادند در همان زمان و احدهای زبده ارتش ایران با آشفتگی مداوم مواجه بودند که از سیل درخواستهای تسلیحاتی شاه که اغلب با مخالفت مستقیم فرمانهان علی‌رتبه که احساس می‌کردند ارتش توان جذب این میزان درخواست‌های تسلیحاتی شاه را ندارد، ناشی می‌شد و نشان می‌داد که حتی مجهزترین واحدها نیز از لحاظ آموزش، شدیداً ضعیفند و نمی‌توانند بدون پشتیبانی مستشاران غربی عمل کنند» (درس‌هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق. آنتونی کردزمن، ترجمه حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ص ۷۹)

** یکی از کارشناسان نظامی در تجزیه و تحلیل عملکرد شاه در درون ارتش می‌گوید: «شاه اقدامات برخی

به گونه ای که در آن دوران بزرگترین نگرانی (شاه) همیشه این بود که مبادا یکی از افسران دست به عمل (کودتا) بزند (۱۵) و ی همچین از ظهور نظامیان باتدبیر و با تفکر در ارتش ممانعت کرده و در صورت احساس خطر به انزوا و یا حذف آنها مبادرت می و رزید. در این زمینه و یلیام اف هیکمن یکی از فرماندهان ارتش امریکا می نویسد:

شاه که همواره از احتمال بروز یک کودتای نظامی علیه خود آگاهی داشت، دائما افسران عالی رتبه خود را مانند دیگر اعضای با نفوذ عرصه سیاست ایران در حال تغییر و تحول نگاه می داشت. اگر یک افسر عالی رتبه در موقعیتی قرار می گرفت که ممکن بود بیش از اندازه قدرتمند و یا بانفوذ شود سریعاً بازنشسته، برکنار یا منتقل می شد.»

وی سپس در مورد نتایج این اقدام می نویسد:

نتیجه حاکمیت چنین سیستمی این بود که تنها افسرانی ارتقاء پیدا می کردند که تهدید ی علیه شاه به شمار نمی رفتند. این افسران افرادی مطیع و وفادار بوده و عادت داشتند در رابطه با مسائل عمده تابع دستورالعمل های مشخص باشند» (۱۷)

فریدون جم در مورد سیستم فرماندهی در ارتش می گوید:

سیستم فرماندهی خیلی کج کوله بود فرماندهی یعنی مسئولیت داشتن، همه فرماندهان دیگر راهم که مسلوب الاختیار و اخته بودند خب هیچ کس اختیاری نداشت، نیروی زمینی اختیاری نداشت، فرمانده نیروی هوایی اختیاری نداشت، دریایی اختیاری نداشت، هیچ کس اختیاری نداشت. یک سازمان که چشمهای همه باید بسته باشد به آن که آن یک نفر دستور بدهد و آن موقع سر بزنگاه همان دستور ندهد، خب همین می شود* که شاهد بودید» (۱۸) احسان نراقی یکی از

از افسران خود را که در سال ۱۹۵۳ قصد براندازی او را از تحت داشتند و همچنین کشف یک شبکه طرفدار حزب توده در نیروهای مسلح ایران را فراموش نکرده بود و تلاش فراوان نمود نیروهای سه گانه را از یکدیگر جدا نگه دارد تا اینکه آنها نتوانند علیه رژیم او کودتا نمایند» (افرایم کارش، ادلفی پی پر، بهار ۱۹۸۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی).

* ۱۰- وی به ناتوانی ارتش در حفظ رژیم شاه پس از فرار شاه از ایران اشاره دارد.

روشنفکران و ابسته به رژیم شاه در همین زمینه می گوید:

«همه افسران ارتش و فرماندهان ارتش مستقیماً با شاه ارتباط داشتند و کسی خودش را دیگر نفر ارتشی یا نظامی نمی دانست که صاحب داعیه ای باشد»
وی همچنین می افزاید:

«فرمانده ارتش را دائماً مثل اسباب بازی می تغییر می داد که هیچ فرماندهی در ارتش ریشه دواند، صاحب حیثیت و اعتبار نشود» (۱۹)

جم در جای دیگری مجدداً در همین زمینه می گوید:

«اختیارات تمام رده ها گرفته شده بود، یعنی هر چه مسائل مهم و بزرگ بود، آخرش موکول می شد به اینکه باید به ستاد بزرگ ارتشتاران و به شرف عرض برسد.» (۲۰)
در همین زمینه آخرین فرمانده نیروی دریایی رژیم شاه نیز می گوید:

«ماموریت ارتش به طور کلی حفظ تاج و تخت و دفاع از مرزهای کشور بود و سیستم فرماندهی آن مستقیم به شخص شاه ختم می شد البته با اصول جور در نمی آید. در کشورهایی که حکومت دموکراسی دارند فرماندهی پادشاه بر ارتش فقط تشریفاتی است ولی ایشان (شاه) آن ارتش را مثل یک ژنرال و به صورت نظامی اداره می کرد در حالی که چنین فرماندهی را لازمه اش در هر حال خدمت در کوهها و بیابانها یا دریا و هواست، نداشتند» (۲۱)

پیدایش همین وضعیت در ترفیع نظامیان نیز موثر بود. ترفیعات پیش از آنکه از ضوابط خاصی پیروی نماید تابع سلاطین منتخبین و ظن و گمان شاه بود. در واقع لیاقت افسران ملاک ارتقای آنها نبود، بلکه بیشتر درجه و فاداری و سرسپردگی چاپلوسانه آنها به رژیم، ملاک و معیار شده بود این وضعیت در نظام سلسله مراتب اخلال ایجاد می کرد، هر چند که در ظاهر مورد اعتراض قرار نمی گرفت لیکن این گونه تبعیضات به هیچ وجه از دیده ها پنهان باقی نمی ماند.

در واقع شاه در برخورد با ارتش دچار نوعی تناقض بود. یعنی در حالی که ثبات و موقعیت داخلی و نفوذ منطقه ای خود را با اتکا بر ارتش و نیروهای نظامی به دست می آورد. لیکن حضور هرگونه شخص لایق و قدرتمند را به منزله تهدید ارزیابی می کرد بنابراین از بین رفتن قوه

تفکر در ارتش و فرماندهی موجب گردید در حساسترین مقطع تاریخی، ارتش پس از خروج فرمانده اش قادر به اتخاذ هیچگونه تصمیمی نباشد*.

به عبارت دیگر با اوج گیری انقلاب اسلامی و تزلزل رژیم سلطنتی پس از فرار شاه فرماندهی و کنترل در ارتش فروپاشید* و فرماندهان و قات ارتش باز دست دادن فرمانده خود و فقدان جانشین برای وی همچین فقدان اراده سیاسی برای تصمیم گیری در به دست گیری قدرت، همانند موجودات مفلوک و بی اراده بیشتر نگاهشان به امریکا بود و نگران حفظ جان و اموالشان تا حفظ تاج و تخت شاهی بودند. به همین دلیل سرمایه گذاری سی ساله امریکا و شاه در ارتش برای حفظ ثبات داخلی و تحکیم پایه های رژیم استبدادی در برابر انقلاب اسلامی و رهبری امام نتوانست شاه و رژیم سلطنتی را حفظ نماید. حال آنکه «ارتش از سازمانهایی بود که شاه برای سرکوب حرکت انقلابی مردم به آن شدیداً دل بسته و امیدوار بود تا در لحظات حساس و با کمک ارتش به متوقف کردن روند انقلاب اسلامی بپردازد» (۲۲) ناتوانی و سقوط سریع ارتش بازتاب گسترده ای داشت و کلیه باورها و محاسبات کسانی را که تصور می کردند تداوم قدرت شاه با اتکا بر ارتش امکان پذیر است، تحت تأثیر قرار داد. چنانکه رئیس موسسه بروکینگز در این زمینه می نویسد:

«عجز و سقوط سریع ارتش ایران در جریان انقلاب اسلامی، کسانی را تصور می کردند این ارتش یک ارتش قوی، برخوردار از نیروی کافی جهت مهار هرگونه نا آرامی داخلی است، تکان داد» (۲۳)

* اسد همایون یکی از ضد انقلابیون خارج نشین طی تجزیه و تحلیل از اوضاع ارتش در آن زمان می گوید: «ارتش آن روز ایران نه رهبری داشت نه فرماندهی داشت نه ابتکار، نه جرات، نه می دانست باید چکار بکند برای این کارها اصلاً سازمان داده نشده بود. ارتش فرمانده می خواست، فرمانده نداشت، فرمانده درجه دومش، آنها هم از هم بیشتر بدشان می آمد احتمالاً تا از دشمنان خود به هر حال آماده همکاری با هم نبودند و هیچ کدام جرات این اظهار را نداشتند که باید قدرت را در دست بگیریم چون این خیانت به شاه محسوب می شد...» (تاریخ شفاهی انقلاب تنظیم، ع، باقی، ص ۳۸۵)

** کردزمن در این زمینه در کتاب خود می نویسد: «هیچ یک از دولتشگرایان و عراق ساختار فرماندهی عالی کارآمد نداشتند. شاه ایران دائماً فرماندهان عالی ارتش را تغییر می داد دیکتاتوری که فرماندهی را که با فرامین و طرحهای گسترش نیروی وی مخالف می کردند کنار می گذاشت... با سقوط شاه حتی این رکن شکننده فرماندهی و کنترل ارتش ایران نیز فروپاشید» (کتاب درس هایی از جنگ مدرن - جلد دوم، جنگ ایران و عراق - ترجمه حسین یکتا - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ - ص ۷۳)

سقوط شاه و ناتوانی ارتش در حفظ رژیم سبب گردید آمریکایی ها با توجه به نقش تعیین کننده در حمایت از شاه و ایجاد ساختار ارتش و آموزش و تجهیز آن، در معرض اتهام قرار گیرند، لذا به منظور رفع اتهام ناتوانی و ناکامی خود در برابر تحولات انقلابی در ارتش و تاثیرات عمیق انقلاب اسلامی، مساله اصلی را به ناتوانی شاه و بی توجهی به تهدیدات داخلی و ایجاد ساختار مناسب برای مقابله با تهدیدات نسبت می دهند.

«سازماندهی ارتش ایران در چارچوب استفاده احتمالی در خارج از مرزهای این کشور بدین معنا بود که به تامین تسلیحات و آموزش های لازم در جهت کنترل ناآرامی های داخلی توجه چندانی نشد* و در نتیجه و قتی به ارتش دستور داده شد تا صفوف گسترده تظاهرات انقلابی را درهم بشکند، عکس العمل آن به صورت ارائه یک نیروی غیرمنسجم ظاهر گردید.»

وی سپس با تجزیه و تحلیل عواقب اقدام شاه می نویسد:

«یکی از عواقب اقدام شاه به تغییر جهت در استفاده از ارتش این بود که باعث گردید ارتش آن مقدار قابلیتی که در اداره امنیت داخلی داشت را نیز از دست داد. اما شاه این مساله را درک نکرد و همچنان به ارتش به عنوان تنها تضمین کننده حکومت خود نگاه کرد. وی انتظار داشت ارتش نقش اساسی را در جهت مهار اوضاع بشدت روبه وخامت داخلی ایفا کند ولی ارتش قابلیت این کار را نداشت» (۲۴)

در اینجا نویسنده اقدامات شاه مبنی بر توجه بیش از اندازه به مسائل خارجی و منطقه ای و سازمان دهی ارتش متناسب این جهت گیریها و عدم توجه به مسائل داخلی را مورد اشاره قرار می دهد بدون اینکه به نقش امریکا، در تشویق و ترغیب و حمایت از شاه در اجرای تمایلات جاه طلبانه اش و تاثیر آن در منافع اشاره نماید. وی همچنین با تاکید بر معایب اصلی ارتش و برای تطهیر نقش و تاثیرات امریکا در برخورد با انقلاب و نحوه حمایت از شاه می نویسد:

* شاه بر اساس درک و باوری که نسبت به تهدیدات داخلی داشت، بر پایه قدرت ارتش و تیم امنیتی (ساواک) و حمایت همه جانبه امریکا، اوضاع داخلی را تثبیت شده می دانست و آمریکایی ها از ایران به عنوان جزیره ثبات نام می بردند. لذا این تحلیل چنانکه اشاره شد برای تطهیر ناتوانی امریکا در سازمان دهی مناسب ارتش و حفظ رژیم شاه می باشد.

«باید گفت ارتش شاهنشاهی به هنگام مواجهه با انقلاب به وسیله معایب اساسی خود از پای درآمد» (۲۵)

شاه نیز در باور و ذهنیات خود برای حمایت امریکا از خاندان پهلوی نقشی به مراتب بیشتر از سایر عوامل، حتی ارتش قائل بود به همین دلیل پس از آنکه تناقضات سیاست امریکا نسبت به شاه آشکار شد، در واقع ضربه روحی و روانی به پیکر شاه و رژیم او به ویژه ارتش* وارد شد و پس از آن شاه و سیستم در تصمیم گیری دچار تردید شد و امام با به دست گیری ابتکار عمل روند تحولات را به سمت پیروزی انقلاب فروپاشی رژیم شاه، کنترل و هدایت کرد و بدین ترتیب به حیات سیاسی رژیم شاه، پایان داده شد.

گرچه نویسنده به معایت اصلی ارتش اشاره نمی کند و توضیح لازم و مناسب ارائه نمی نماید، لیکن این مساله بخوبی قابل درک است که به دلیل فقدان مشخصه ها و ویژگی های لازم برای یک نیروی نظامی، ارتش نه تنها در صورت وقوع تهدید خارجی فاقد توانایی برای دفاع و مقابله موثر بود، بلکه حتی در مقابله با بحران فراگیر داخلی نیز از پای درآمد. این ملاحظه کلی نشان می دهد نظریه کارشناسان و تحلیل گران غربی و عناصر سلطنت طلب مبنی بر تاثیر انقلاب اسلامی بر کاهش توان دفاعی ایران، فاقد دلایل منطقی و مستحکم است زیرا ارتش به علت معایب اصلی که در درون و خمیرمایه آن قرار داشت اساساً ضعیف و ناتوان بود.

ماهیت ارتش شاه از دیدگاه امام خمینی*

امام خمینی در ارزیابی و تجزیه و تحلیل ماهیت ارتش شاهنشاهی نظریه مشخصه ها و فرهنگ

* ۱۴- در این زمینه و یلیام اف هیگمن می نویسد:

«تصویری که می توان از ارتش شاهنشاهی در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) ترسیم کرد، تصویر یک سازمان درهم ریخته است. تصویر یک ارتش که برای یک جنگ غلط سازماندهی شده، موجب تقسیم آن شده بود. این تصویر همچنین از یک ارتش است که تازمانی که دیگر خیلی دیر شده بود، قادر به سرکوب مخالفان و حتی قادر به تخمین قدرت خود نبود.»

* نقش برجسته و غیر قابل انکار امام در ایجاد تحول در درون ارتش و جداسازی بدنه ارتش از راس آن و سپس خشتی کردن ارتش در برابر انقلاب به عنوان یک حرکت استثنایی، سبب شده است دیدگاه امام نسبت به ماهیت ارتش از اهمیت نسبتاً زیادی برخوردار باشد که در این قسمت به آن اشاره شده است.

حاکم بر آن و عملکردش در برخورد با مردم و با بیگانگان، از ارتش به عنوان یک ارتش طاغوتی نام می بردند.

امام براساس آیه شریفه قرآن اشداء علی الکفار ورحماء بینهم میزان مومن و مسلم بودن را، شدت در برابر کفار و رحم و عذوفت در برخورد با ملت دانسته (۲۶) و لزامی فرمایند:

«این اساس حکومت طاغوت را تشکیل می داده که نسبت به ملت آن طور کوبنده و نسبت به خارجی آن طور فرار کنند» (۲۷).

امام با توجه به ماهیت رژیم طاغوتی در مورد مامویت ارتش و نحوه بکارگیری آن می فرماید:

«ارتش ایران هیچ وقت برای این نبوده است که برود دشمنان را سرکوب بکند، این ارتش برای سرکوب کردن شما است» (۲۸).

امام در توضیح رفتار و عملکرد ارتش در برابر تهاجم بیگانگان با اشاره به اشغال ایران در دوره رضا شاه و میزان مقاومت ارتش می فرمایند:

«رضاخان گفته بود آخرین چه ارتشی است و این بساط چطور سه ساعت طول کشید؟ گفته بودند سه ساعت طول نکشید آنها آمدند، ما رفتیم!» (۲۹).

از دیدگاه امام، ارتش در رژیم طاغوتی به همان میزان که برای مقابله با بیگانگان ناتوان است، در برابر ملت با وجود اینکه سرکوبگراست، لیکن در اجرای این امر نیز ناتوان است. امام می فرماید:

«چنین ارتشی نمی تواند مقابله کند در مقابل یک قدرتی، بلکه نتوانست مقاومت کند در مقابل شماها...» (۳۰).

در واقع ارتش در درون سیستم طاغوتی بیمار بود و این مسئله به عوامل متعدد از جمله رابطه رژیم و ارتش با مردم ارتباط داشت و سران رژیم طاغوتی به لحاظ خیانتی که در مورد منافع کشور و ملت انجام می دادند بیشترین نگرانی و تهدید را از سوی ملت احساس کردند و تشکیل ارتش نیز به منظور سرکوبی مردم بود. امام در این زمینه می فرماید:

«اینها (اولیای رژیم سابق) به جهت خیانتی که کرده اند از ملت خودشان می ترسند و برای صیانت و حفاظت خود، ارتش را طوری بارمی آوردند که در مقابل ملت بایستد و ملت و ارتش در آن نظامها همیشه در برابر هم بوده اند.» (۳۱).

پیدایش چنین و وضعیتی در واقع به منزله محروم شدن ارتش از منبع قدرت داخلی و به همان میزان توجه به کسب حمایت‌های خارجی خواهد بود این امر به علت نادیده گرفتن مردم است چنانکه امام می‌فرماید:

بزرگترین خطای آنان همین بود که نیروی مردم را چیزی نمی‌دانستند» (۳۲)

این گونه تلقی نسبت به مردم در میان فرماندهان و قوای نظامی علاوه بر اینکه اساساً متأثر از ماهیت رژیم طاغوتی بود، به نحوه تلقی و برداشت و درک سران قوای نظامی از قدرت نیز بستگی داشت. در واقع در وضعیت‌هایی که ملاک قدرت و میزان قدرتمندی تنها در چارچوب ابزار مادی و حمایت قدرتهای استکباری محاسبه شود، طبعاً جایی برای اعتقاد به نقش مردم باقی نمی‌ماند.

امام برای تشریح و توضیح قدرتمندی ارتش در نظام اسلامی، در جمع گروهی از فارغ التحصیلان دانشکده پلیس در مورد مبانی قدرت در ارتش می‌فرماید:

«خیال نکنید ما قدرتمندیم و مردم چه، و قتی قدرت دارید که ملت دنبال شما باشد» (۳۳)

امام خمینی درباره نتایج ناشی از حضور مستشاران آمریکا در ارتش مطالبی را بیان فرموده‌اند که در اینجا به آن اشاره می‌شود. ایشان در مورد تاثیر حضور مستشاران در شکستن غرور ارتش می‌فرمایند:

«با آمدن مستشارهای خارجی در بین ارتش و آن مسائلی که پیش آوردند، اینها در صدد بودند

اصل و غرور ارتش را بشکنند.» (۳۴)

در واقع از میان بردن غرور و شخصیت ارتش مهمترین نتیجه‌ای بود که متعاقب حضور مستشاران حاصل می‌شد. این امر خود نیز به نتایج دیگری منتهی می‌شد که در واقع حمیت ارتش برای دفاع از کشور را از بین می‌برد:

«ارتش و قتی می‌تواند استقلال و غرور خودش را حفظ کند که ببیند خودش هست نه اینکه

از خارج یک کسی بیاید، مستشاران بیایند بخواهند او را اداره کنند.» (۳۵)

در واقع امام پیدایش چنین وضعی را نشان دهنده شکل‌گیری و ازمشخصه‌های ارتش استعمار قلمداد می‌کند:

«معنای از خارج آمدن این است که ارتش، ارتش استعماری است و خودش حیثیتی ندارد...»

(۳۶).

امام ارتشی با مشخصه های فوق را ارتش انگلی ذکر می کنند زیرا با وجود اینکه شکل و ظاهر نظامی دارد و بودجه عظیمی را به خود اختصاص می دهد، لیکن در عمل نمی تواند مأموریت خود را انجام دهد در نتیجه جزارتش انگلی نام و مفهوم دیگری ندارد. امام در پاریس درباره وضع نظامی و ارتش در زمان شاه می فرماید:

«الان وضع نظامی ارتش ما یک وضع انگلی است. ارتشی که تحت نظام آمریکا و به نفع آمریکا دارد اداره می شود، چهل و پنج هزار، پنجاه هزار و بعضی ها می گویند شصت هزار مستشار آمریکا، مفتخوران آمریکایی ریخته اند به جان ما و در مملکت ما هستند، آن همه پایگاه برای خودشان درست کرده اند.» (۳۷)

امام حضور گسترده مستشاران آمریکایی در ایران و پایگاه هایی که آمریکا در ایران احداث کرده است و مجموعاً وضعیت ناشی از حضور آمریکا در ایران را به منزله اشغال نظامی کشور قلمداد می کنند:

«اشغال نظامی است مملکت ما، اشغال آمریکایی است مملکت ما.» (۳۸)

امام خمینی همچنین در مورد فرهنگ حاکم بر ارتش و تبلیغاتی که در زمان گذشته برای تهییج روح میهن پرستی انجام می گرفت، می فرماید:

«روح فداکاری و خدمت به میهن در سربازهای ما با این سخنان پوچ روزنامه ها و سرودهای میهنی پیدا نمی شود... می خواهند با چند سطر عبارت روزنامه و چند شعر خنک و بی معنی توأم بارقص و ساز، میهن دوست و خدمتگذار به کشور شوند و برای کشور فداکاری کنند؟» (۳۹)

ایدئولوژی حاکم بر ارتش و تلاش برای هویت بخشیدن به ارتش با تزریق نوعی فرهنگ مبتذل از جمله اقداماتی بود که صورت می گرفت. در واقع تلاش برای دین زدایی از کشور و ارتش جوهره اصلی این گونه اقدامات را تشکیل می داد. برابراسناد و مدارکی که وجود دارد حتی رژیم شاه با توجه به نگرانی از تاثیر پذیری بدنه ارتش از فرهنگ دینی، سرانجام نوعی تمایل به برخی فرقه های صوفی را که به انجمنهای فراماسونری وابسته بودند، تشدید و تقویت کرد بگونه ای که حتی برخی از نیروهای نظامی و سران ارتش به خانقاها تردد می کردند و صاحب خرقة و لباس نیز

بودند.*

البته در دهه ۱۳۵۰ و پس از تشکل جریانهای مذهبی در جامعه و بعضاً حضور در درون نیروهای نظامی، رژیم شاه برای مقابله با این پدیده علاوه بر اینکه امکان فعالیت به انجمن ضد بهائیت معروف به حجتیه را در جامعه آزاد گذاشت، عملاً امکان فعالیت جریانهای مذهبی وابسته به حجتیه را در ارتش نیز به صورت کنترل شده فراهم کرد که بحث و بررسی آن مقتضای موقعیت و زمان دیگری می باشد. در هر صورت امام اساساً به توجه به ماهیت رژیم طاغوتی و سیاست فرهنگی شاه در ارتش و نیز حضور مستشاران و نتایج ناشی از حضور آنها، برای این نظر بودند که:

«ارتش ما را یک ارتش غیرملی و متکی بر غیر، تربیت کردند.» (۴۰)

بنابراین دلایل و عوامل، ارتش در زمان شاه هیچ گاه ماموریتی را که نتایج آن به سود ملت و کشور باشد، انجام نداد لذا کارنامه سیاه و مبهمی از خود برجای نهاده است.

حفظ ارتش و ایجاد تحول در آن

پیوستن ارتش به ملت، تحت رهبری امام به منزله ختنی کردن پشتوانه رژیم شاهنشاهی و در نتیجه تسهیل در پیروزی انقلاب و پیدایش زمینه های شکل گیری جریانهای جدید در ارتش بود. اوضاع داخلی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و فشارهای سیاسی و نظامی داخلی و خارجی، ضرورت برخورداری از بازوی نظامی توانمند برای پاسداری از انقلاب و مقابله با تهدیدات خارجی و داخلی را ایجاب می کرد. بر همین پایه بسیاری از نهاد های انقلابی، به و یژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عرصه سیاسی، اجتماعی نظامی و فرهنگی کشور نمودار شدند. در همین چارچوب نظر به مجموعه عوامل و شرایطی که وجود داشت، تلاش برای تحول در ارتش و ایجاد هویت جدید در آن و تبدیل به ارتش طاغوتی به ارتش الهی با تکیه بر عناصر متدین و انقلابی، درون ارتش آغاز شد.

طبعاً این مهم، نظریه تلاشها و سرمایه گذاری سی ساله آمریکا در ارتش به یکباره امکان

* ۱۶- در این زمینه اسناد و مدارکی در ارتش وجود دارد که امیدواریم برای بهره برداری در اختیار محققین قرار گیرد.

پذیرنبودنیازبه تلاش گسترده و عمیق همراه با برنامه ریزی همه جانبه داشت. به ویژه اینکه اساسا تحولات حاصله در ارتش، در دو زمینه کاملا محسوس بود: ۱- حذف عناصر کلیدی اعم از مسئولین و فرماندهان رده بالای ارتش و متلاشی شدن سیستم فرماندهی و خروج مستشاران و خروج مستشاران امریکایی از ارتش که به منزله مغز ارتش عمل می کردند.

۲- تحول فرهنگی و اعتقادی در درون ارتش و در نتیجه حضور عناصر مومن و متدین و سازماندهی آنها.

در واقع وقتی بدنه ارتش شامل سرباز و درجه دار وارد جریان شد و به ملت پیوست، تحول ناشی از این گرایش منجر به سازمان دهی نیروهای انقلاب و متدین در درون ارتش و ظهور فرهنگ جدیدی شد. در نتیجه با پیروزی انقلاب اسلامی راس ارتش حذف و نیروهای متشکل انقلابی، با فرهنگ اعتقادی و انقلابی در ارتش ظهور کردند. تداوم و تثبیت و وضعیت جدید به اشکال مختلف محوربرخوردهای امام و نیروهای انقلابی با ارتش بود. در این روند و یژگیهای رهبری امام در برخورد با ارتش* و عملکرد مردم و نیروهای انقلابی در درون ارتش، نقش موثری در شکل گیری روندی جدید در ارتش شد که در تحولات انقلاب و حصول پیروزی نقش و تاثیر داشت. امام با توجه به مرحله جدید انقلاب و احتمال تشدید سرکوب توسط رژیم در پیام عید فطر خطاب به ارتش فرمودند:

«در این موقع حساس که کشور و وطنمان در لب پرتگاه و بر سر دو راه سقوط یا استقلال واقع شده است، دست خود را به سوی نیروهای سه گانه ارتش دراز می کنم و برای حفظ استقلال و بیرون آمدن از یوق اسارت و ذلت از آنان استمداد می کنم»

امام با دعوت ارتش به رهایی از ذلت و اسارت می فرماید: «بیا خیزید ذلت و اسارت بس است» سپس با توجه به نگرانی از احتمال تهاجم نیروهای ارتش به مردم می فرماید:

«پیوند خود را با ملت عزیز استوار تر کنید و فرزندان و برادران برومند خود را برای هوی نفس یک خاندان (پهلوی) چپاولگر به خاک و خون نکشید» (۴۱)

* میرشفیق یکی از تئوریسین های انقلابی فلسطین درباره روش برخورد امام با ارتش طی سفری که پس از پیروزی انقلاب به تهران کرد اظهار داشت: «برخورد امام و انقلابیون با ارتش موجب می شود از این پس ارتشهای جهان سوم در برابر انقلابها مقاومت نمایند و این الگو را از ایران اخذ نمایند.»

امام در این پیام به گویندگان و نویسندگان توصیه فرمودند که برای روشن شدن افکار برادران نظامی هرچه بیشتر کوشا باشند و ملت ایران باید به آنها احترام گذارد. در واقع امام در این پیام علاوه بر تلاش برای جذب بدنه ارتش و تحکیم پیوند ملت و ارتش، در مورد هرگونه برخورد ازسوی ارتش با ملت، به ارتش هشدار دادند. زیرا که روند تحولات به گونه ای بود که شاه به طور اجتناب ناپذیر ارتش را علیه ملت به کار می گرفت و بر همین اساس امام برآن بود که از این اقدام و برخورد ارتش ممانعت نماید.

پیام امام به ملت و ارتش در وضعیتی که رژیم در استفاده از ارتش برای سرکوب راه دیگری نداشت، اثرات خود را در حادثه ۱۷ شهریور ۵۷ در میدان ژاله (شهدا) آشکار ساخت. چنانکه سه تن از سربازان انقلابی با سرپیچی از دستور فرمانده خود مبنی بر تیراندازی و قتل عام، پس از گشودن آتش به سوی فرماندهان سرسپرده، با سلاح خود متواری شدند که سرانجام مزدوران رژیم شاه آنها را در یک بنای نیمه ساز محاصره کردند و با آنها درگیر شدند. در این حادثه یک نفر شهید و دو نفر دیگر مجروح و دستگیر شدند.*

در این روند امام جدا علی رغم حادثه تاسف انگیز کشتار مردم در ۱۷ شهریور توسط نیروهای ساواک و ارتش، با توجه به ضرورت و اهمیت آگاه نمودن ارتش، در پیامی که به مناسبت فرارسیدن سال تحصیلی صادر نمودند چنین تاکید کردند:

«شما و ما سایر قشرها مکلفیم به ارتش بفهمانیم که باید زنجیرهای تسلط اجانب را با قدرت نظامی پاره کند و به ملت ببیوندد.»

سپس با مخاطب قراردادن طبقه جوان ارتش فرمودند:

«شما طبقه جوان ارتش بپا خیزید و کشور خود را از زبونی و ذلت نجات دهید و دست غارتگران را کوتاه کنید شرق و غرب را برای خود به یادگار نگذارید و سعادت دو دنیا را بیمه کنید» (۴۲)

آگاه نمودن نیروهای جوان و بدنه ارتش از ماهیت سران ارتش و رژیم و ابسته شاه و تلاش

* محمد محمدی خلص در همان روز به شهادت رسید. حسین دهقان بعداً به درجه رفیع شهادت تائل شد و نفر سوم هم اکنون در کسوت پاسداری است.

برای آزاد کردن ارتش از یوغ اسارت و ذلت، از جمله امور مورد تاکید امام بود. در واقع امام در نظر داشتند ارتش را که پیش از این فاقد هویت ملی و مذهبی بود با آگاه نمودن آنها و پیوند ارتش و ملت و تحکیم آن و ایجاد تعلق خاطر به آرمانهای ملی و مذهبی و احیای اعتقاد دینی در لئدیشه و قلبشان، زمینه دگرگونی و تحول را در ارتش فراهم نماید. طبعاً پایبندی به این اعتقادات می توانست ارکان قدرت نظامی رژیم را از درون متحول و جذب انقلاب نماید. در همین روند امام درباره اهداف انقلاب و ارتش می فرمایند:

«ما آزادی و استقلال می خواهیم که وقتی سراغ لشگریان می رویم آمریکایی ها بیایند آنها را اداره کنند و یا تحت نظر مستشاران آمریکایی باشند، یک ارتش انگل درست کنند» (۴۳)

امام سپس طی تحلیلی از وابستگی ارتش و وظیفه آن در آینده فرمودند:

«قشون ایران زیر سلطه آمریکاست، ما این قشون را نمی خواهیم و به اون نقش و وظیفه واقعی که دفاع از کشور است، باز خواهیم داد.» (۴۴)

نظریه اینکه رژیم همواره به ارتش چنین القا می کرد که یکی از وظایف آنها حفظ شاه و خاندان پهلوی می باشد و بر همین اساس فرماندهی ارتش را نیز خود برعهده گرفته بود لذا امام برای خالی کردن پشتوانه نظامی شاه و جدا کردن سرنوشت شاه و ارتش در مصاحبه با رونامه گاردین می فرماید:

«شاه به هیچ وجه معرف واقعی ارتش نیست. رژیم در طی پنجاه سال گذشته از ارتش و نیروهای انتظامی برای سرکوبی ملت استفاده کرده است، امید است که ارتش به خود آید و به ملت بپیوندد» (۴۵)

امام در واقع این مساله را مورد تاکید قرار داده اند که سرنوشت ارتش از سرنوشت رژیم شاه و شاه جداست بنابراین، نباید ارتش به عنوان اهرم و ملعبه دست شاه با مقاومت در برابر خواسته های دینی و ملی مردم ایران، سرنوشت خود را با سرنوشت رژیم پیوند بزند.

تلقی غریبها از ماهیت ارتش و نقش آن در حفظ رژیم شاه و آینده آن نیز از جمله مسائلی بود که در تحلیل ها به و یژه در مصاحبه با امام در پاریس مطرح می شد. در آذر ۱۳۵۷ امام طی مصاحبه با رادیو کانادا با توجه به تلقی غربی از ماهیت ارتش و سوال مطروحه پاسخی ارائه نمودند که بعد ها در عمل تحقق یافت. خبرنگار در این مصاحبه از امام سوال می کند:

«ارتش ایران را آمریکایی ها تعلیم داده اند و نسبت به شاه و فادار هستند، چنانچه شاه سقوط کند چه کسی ارتش را کنترل می کند؟»

امام در پاسخ می فرمایند:

«بعضی از افراد طبقه اول ارتش به شاه و فادارند ولی رده های بعدی این طور نیست» (۴۶)

امام وفاداری ارتش نسبت به شاه را مورد تشکیک قرار داده و ضمن هشدار به صاحب منصبان* عمدتاً عمدتاً بر رده های بعدی ارتش و تفکیک آنها از سران خائن تاکید می نمایند.

امام از دی ماه ۱۳۵۷ تدریجاً با توجه به تحولات درون ارتش و فرار برخی از درجه داران و سربازان، اعتماد خود را به ارتش با بیان این مساله که بارها سیاستیون ایران مرا از ارتش بیم دادند ولی آنان اشتباه می کنند (۴۷) نشان دادند.

در این روند با از میان رفتن یکپارچگی ارتش و ناتوانی رژیم در کنترل اوضاع، تدریجاً احتمال کودتای ارتش شایع شده بود. امام با توجه به این وضعیت در مصاحبه با مجله افریقای جوان با تاکید بر این که در ایران کودتای نظامی مساله ای را حل نمی کند به ارتش و انقلابیون و مردم بشارتی دادند که در بطن آن فرا رسیدن زمان پیروزی انقلاب نیز نهفته بود.

امام فرمودند:

«شما باور نمی کنید که ارتش با ملت است و در آینده نزدیکی به شما پشت خواهد کرد

پیروزی ما حتمی و جمهوری اسلامی تحققش برای من خیلی روشن است» (۴۸)

امام با توجه به نگرانیهای موجود و احتمال فرار شاه از ایران برای رفع هرگونه ابهام چنین تاکید فرمودند:

«ارتش از ملت است و ملت از ارتش، با رفتن شاه خائن خللی به آن وارد نمی شود» (۴۹)

در عین حال امام وضعیت خائنین و کسانی را که دستشان به خون مردم آلوده بود از بقیه جدا کردند و فرمودند:

* ۱۹- امام در پیام به کارکنان شرکت نفت در تاریخ ۵۷/۹/۲۴ می فرمایند: «صاحب منصبانی که بر روی ملت آتش می گشایند باید بدانند که پیروزی ملت نزدیک است و انتقامش از خائنین سخت» (کتاب در جستجوی راه امام دفتر هجدهم: ارتش، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۰، ص ۱۰۹)

«ما با چند مسئول فاجر مخالفیم، اما ارتش را با آغوش بازمی پذیریم» (۵۰)

امام در مورد راس ارتش فرمودند:

«آن بزرگ ها نوکر رسمی امریکا یا شوروی هستند و برای اینها خدمت می کنند اینها ولی

نعمت خودشان را شاه و آمریکا می دانند ما از آنها مایوس هستیم» (۵۱)

پس از فرار شاه، بسیاری از اسناد معاملات خرید تجهیزات نظامی که در اختیار طوفانیان در لوزان بود با هماهنگی آمریکا و شاه از ایران خارج شد. * این گونه اقدامات در اواخر دوران رژیم شاه در سایر زمینه ها نیز انجام گرفت. بنابراین امام با توجه به وقوع چنین حوادثی و ضرورت حفظ ارتش با خطاب قرار دادن افسران و درجه داران فرمودند:

«برافسران و درجه داران ارتش و سایر نیروهای سه گانه است که از آن جلو گیری کنند و برملت است که با ارتش در این امر همکاری نمایند و نگذارند بیش از این مال ملت را نابود و

چپاول کنند» (۵۲)

پس از ورود حضرت امام قدس سره الشریف به کشور در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ و فرمان ایشان مبنی بر تشکیل دولت موقت، عملاً اوضاع از کنترل بختیار خارج شد و آمریکایی ها که با انتصاب بختیار امیدوار بودند تا اندازه ای اوضاع را بهبود بخشند، بیش از اندازه ناامید و مضطرب شدند و هائیزر را برای سازمان دهی کودتا به ایران فرستادند، اما ضعف روحی فرماندهان و رؤسای ارتش، امکان اجرای کودتا را ضعیف کرده بود بنا بر اظهارات سولیوان سفیر امریکا در ایران در این وضعیت آمریکایی ها (۵۳) عمیقاً نگران یکپارچگی و آینده ارتش بودند.

در چنین موقعیتی با افزایش تحرک همافران ارتش و رسیدن آنها به حضور رهبر کبیر انقلاب اسلامی و انعقاد عهد و پیمان با ایشان، روند جدیدی ایجاد شد که نشان می داد ارتش در اختیار و تحت فرمان است و عملاً امریکا قادر به هیچ گونه بهره برداری از ارتش برای کنترل اوضاع نمی باشد. امام متقابلاً ضمن حمایت از همافران و کسانی که به ملت می پیوستند، اعمال فرماندهی بر ارتش را اعلام کردند و فرمودند:

«اگر یک نفر از همافران با دست این جلادان از بین برود ما همه آنها را به کیفر اعمالشان

* برخی از برادران ارتشی نقل می کنند امام در مدرسه رفاه مرتباً "سوال می فرمودند طوفانیان چه شد؟ ما در آن زمان علت سوال امام رانمی دانستیم ولی بعدها برای ما مشخص شد اصل مساله چه بوده است.

خواهیم رساند... ما کسانی را که از ارتشیان توبه کنند و برگردند توبه آنان رابا جان و دل قبول می کنیم. (۵۴)

سپس در ۱۷ بهمن ۱۳۵۷ امام خطاب به ارتش از حمایت جدی و قاطعانه از همافران و بازداشتن راه توبه برای سایرین فرمودند:

«ارتش هم باید مثل سایر مسلمانان بیایند در صف مسلمین و ارتش امام زمان سلام الله علیه باشند، نه ارتش دشمنان امام زمان» (۵۵).

مجددا پس از برگزاری راهپیمایی مردم در نوزدهم بهمن ۱۳۵۷ امام در پیام تشکر از ملت شریف ایران به مناسبت راهپیمایی، خطاب به ارتش فرمودند:

«آنهايي که در ارتشند و پاکدامن اند، ارتش را بسازند. در جمع ارتش ما مردم محترم هستند، مردم صحیح هستند، پاکدامن هستند» (۵۶)

با اوجگیری درگیری در روز ۲۲ بهمن و اعلام حکومت نظامی و سپس حمله لشکرگارد به نیروی هوایی، امام طی پیامی ضمن اعلام لغو حکومت نظامی حمله لشکرگارد را محکوم نمودند: «در تهران لشکرگارد به طور ناگهانی به نیروی هوایی که به ملت پیوسته است، حمله نموده و نیروی هوایی به کمک مردم شجاعانه آنان را شکست داده است. من این تعرض غیرانسانی عمل گارد را محکوم می کنم. ایشان با این برادرکشی می خواهند دست اجانب را در کشور ما بازنگه دارند و چپاولگران را به موضع خود برگردانند.» (۵۷)

امام پس از این تحول انقلابی در درون ارتش ضمن موضعگیری نسبت به عمل لشکرگارد، به عنوان یک جریان انسانی و ضدانقلابی در درون ارتش، در جمع گروهی از پرسنل نیروی هوایی در روز ۲۲ بهمن فرمودند:

«درود بر شما سربازان امام عصر سلام الله علیه، همان طور که فریاد زدید تاکنون در خدمت طاغوت بوده اید و از امروز در خدمت امام عصر سلام الله و در خدمت قرآن کریم هستید... درود بر شما که ترک کردید حکومت طاغوت را و به حکومت الله پیوستید» (۵۸)

بدین ترتیب انقلاب به پیروزی رسید و بخش و سیعی از ارتش تحت رهبری و فرماندهی امام تدریجا از رژیم شاه فاصله گرفت و با تحول انقلابی در درون ارتش و حمایت امام و انقلابیون و مردم از آن، ارتش موقعیت مناسبی یافت. حضرت آیت الله خامنه ای فرماندهی کل نیروهای مسلح

نیز طی تحلیلی چنین می فرماید:

«بدنه ارتش که جزو آحاد مردم بودند، نه مشمول خیرات و برکات آن دستگاه بودند، نه قاعدتا آن دستگاه به آنها می توانست امیدی داشته باشد لذا وقتی که معرفت و آگاهی به مسائل جاری کشور برای بدنه ارتش پیدا شد، همه بساطی که آنها چیده بودند واژگون شد و همین به پیروزی سریع انقلاب کمک کرد. هنر یک انقلاب همین است که می تواند عناصر نیروهای مسلح دشمن را هم متوجه به خود کند و به حقانیت خود معتقد کند و جزیی از خود کند و کرد و همین موجب شد که پیروزی آسان شد و زود، بدون این هم شاید پیروزی بدست می آمد اما با زحمات زیاد و شاید فاصله طولانی تر» (۵۹)

همچنین در کتاب گزارش زمستان ۵۷ از انتشارات سازمان عقیدتی-سیاسی ارتش جمهوری اسلامی در این زمینه آمده است:

«اما از آنجایی که بدنه اصلی این ارتش به جامعه اسلامی تعلق داشت و از سوی دیگر انقلاب نیز در اقصی نقاط ایران نفوذ کرده بود، خیلی زود پیش از آنکه مقابله و رویایی ارتش با مردم به مرز حساس و خطرناکی برسد، پرسنل آن با پشت کردن به شاه و پیوستن به صفوف گسترده و فشرده تظاهرات انقلابی مردم، پشت رژیم پهلوی و حامیان خارجی آنرا لرزاند» (۶۰)

منابع و مآخذ

- ۱- گازیورسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون کاظمی (تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱) ص ۱۴۸
- ۲- عبدالله درویش. مناسبات نظامی امنیتی ایران و آمریکا کارشناسی ارشد (تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳)
- ۳- پیشین
- ۴- سپهبد رضوانی، تاریخ شفاهی انقلاب، تنظیم ع. باقی، ص ۲۴۲
- ۵- غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاست بیست و پنج ساله ایران، جلد اول (تهران: موسسه انتشاراتی رسا، چاپ سوم، ۱۳۷۱) ص ۵۹.
- ۶- جیمز بیل، عقاب و شیره ترجمه مهوش غلامی، چاپ اول (تهران: بهار ۱۳۷۱) ص ۶۶.
- ۷- ابراهیم شفق فر، مقاله تاریخچه تعلیمات و تحقیقات نظامی در ایران، فصلنامه بررسیهای نظامی، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۷۳.
- ۸- ماخذ شماره ۲.
- ۹- همان ۵۶ p ricks op cit .
- ۱۰- ماخذ شماره ۷.
- ۱۱- ماخذ شماره ۴.
- ۱۲- ماخذ شماره ۷.
- ۱۳- پیشین.
- ۱۴- ماخذ شماره ۴.
- ۱۵- رادیو آمریکا، به نقل از حبیب اللهی آخرین فرمانده نیروی دریایی رژیم شاه، ۷۳/۱۱/۲۵

- ساعت ۲۰:۳۰.
- ۱۶- ویلیام اف هیگمن، مقاله ارتش ازم پاشیده شده و از نو متولد شده ایران در سال ۱۹۸۲ (تهران خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰/۱۲/۶۳).
- ۱۷- پیشین.
- ۱۸- ماخذ شماره ۴، ص ۲۵ و ۲۵۱.
- ۱۹- پیشین.
- ۲۰- پیشین.
- ۲۱- ماخذ شماره ۱۵.
- ۲۲- ماخذ شماره ۱۶.
- ۲۳- جلیل جباری، گزارش زمستان سال ۵۷، (تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی، پاییز ۱۳۷۲) ص ۱۴
- ۲۴- ماخذ شماره ۱۶.
- ۲۵- پیشین.
- ۲۶- روزنامه اطلاعات ۵۸/۷/۸ سخنرانی در جمع پرسنل نظامی سازمان اتکا.
- ۲۷- امام خمینی، سخنرانی در جمع گروهی از فارغ التحصیلان دانشکده افسری، ۵۸/۴/۳۰
- ۲۸- امام خمینی، سخنرانی در جمع کارکنان بهداری آذربایجان شرقی ۵۸/۴/۱۳.
- ۲۹- پیشین.
- ۳۰- پیشین
- ۳۱- ماخذ شماره ۲۷.
- ۳۲- روزنامه کیهان ۵۹/۱۰/۹
- ۳۳- ماخذ شماره ۲۷.
- ۳۴- مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و وزارت ارشاد اسلامی، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره) جلد ۱۴ (تهران، و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱) ص ۲۸۳
- ۳۵- پیشین
- ۳۶- پیشین.
- ۳۷- ندای حق، سخنرانی امام در پاریس، ۸/۱۳/۸۱۳.
- ۵۷ ص ۲۳۸.
- ۳۸- پیشین.
- ۳۹- امام خمینی، کشف الاسرار، ص ۲۴۷.
- ۴۰- موسسه انتشارات امیرکبیر، در جستجوی راه از کلام امام، دفتر هیجدهم، ص ۴۴ (سخنرانی امام در جمع هیات کویتی ۵۷/۱۲/۷)
- ۴۱- مجموعه ای از مکتوبات امام، پیام به ملت ایران به مناسبت عید سعید فطر ۵۷/۶/۱۵ ص ۳۵۸.
- ۴۲- ماخذ شماره ۴۰، ص ۶۹.
- ۴۳- ماخذ شماره ۳۷، ص ۱۸۱.
- ۴۴- مصاحبه های امام خمینی، مصاحبه باخبرگزاری رویتر، ۵۷/۸/۴ ص ۸۴.
- ۴۵- ماخذ شماره ۳۷، ص ۲۸.
- ۴۶- ماخذ شماره ۴۴، ص ۱۲۸.
- ۴۷- ماخذ شماره ۳۴، ص ۱۶۶.
- ۴۸- پیشین، ص ۱۷۴.
- ۴۹- ماخذ شماره ۴۰، سخنرانی در پاریس، ۱۸/۱۰/۵۷ ص ۱۴۳.
- ۵۰- روزنامه کیهان ۷۵/۱۰/۲۵
- ۵۱- ماخذ شماره ۴.
- ۵۲- پیشین.
- ۵۳- پیشین.
- ۵۴- ماخذ شماره ۴۰، سخنرانی در جمع گروهی از پرسنل نیروی هوایی، ۵۷/۱۱/۱۴.
- ۵۵- سخنرانی در جمع گروهی از طلاب و سایر اقدشار مردم، ۵۷/۱۱/۱۷.
- ۵۶- ماخذ شماره ۴۰، ۵۷/۱۱/۱۹ ص ۸.
- ۵۷- پیشین ۲۳۷.
- ۵۸- پیشین ۸۲.
- ۵۹- ماخذ شماره ۴، ص ۳ و ۳۹۲.
- ۶۰- ماخذ شماره ۲۳، ص ۱۶.

جنگ ایران و عراق در اسناد سازمان ملل (۲)

ترجمه محمدعلی خرمی

اشاره

در شماره ۱۵ همین فصلنامه مکاتبات ایران و عراق با سازمان ملل متحد در زمان قبل از آغاز تجاوز درج گردید. آنچه در این شماره می آید اسنادی است مربوط به دوره سه ماهه اول جنگ که نشان می دهد عمدتاً در نقطه شروع تجاوز عراق، مجامع بین المللی و بخصوص سازمان ملل چگونه و تا چه اندازه دچار انفعال و سردرگمی گردیده اند.

مقدمه

آنچه درباره اختلاف دو کشور حائز اهمیت است، که بر اساس عهدنامه الجزایر می بایست هرگونه اختلاف میان دو کشور در قالب این قرارداد حل و فصل شود. ماده ۶ قرارداد الجزایر تصریح می نماید:

«در صورت بروز اختلاف، در مرحله نخست طی مهلتی دو ماهه از تاریخ درخواست یکی از طرفها، اختلافات مذکور از طریق مذاکرات مستقیم دو جانبه بین دو طرف حل و فصل خواهد شد. در صورت عدم توافق ظرف مدت ۳ ماه، به مساعی جمیله یک دولت ثالث متوسل خواهند شد.»

همانطور که در اسناد قبل از تجاوز عراق علیه ایران منعکس شده، در هیچیک از مکاتبات بغداد از قرارداد الجزایرذکری به میان نیامده است. اما با شروع تجاوز این کشور، وزیر خارجه عراق با ارسال دو نامه برای دبیرکل و رییس شورای امنیت به تجزیه و تحلیل قرارداد الجزایر و توجیه تجاوز خود در چارچوب آن پرداخته و نقض قرارداد فوق الذکر از سوی ایران را عاملی جهت استفاده از زور توسط عراق برای اعاده حقوق خود بیان کرده است.^۱

در حالی که این حکام عراق بودند که هیچ وقعی به تعهدات خود در قرارداد الجزایر ننهادند. آنتونی کردزمن در کتاب جنگ ایران و عراق و امنیت غرب می نویسد:^۲

«در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ صدام حسین قرارداد الجزایر را ملغی اعلام کرد و نسخه ای از آن را در برابر دوربین تلویزیون پاره کرد و چند روز بعد نیروهای نظامی این شور حملات همه جانبه و از پیش سازماندهی شده و سיעی را در سراسر مرز به خاک جمهوری اسلامی ایران آغاز کردند»

همانطور که در اسناد قبل از جنگ نیات واقعی عراق جهت زمینه سازی حمله به ایران مشهود است، این کشور به دنبال حل و فصل اختلافات خود با ایران نبوده تا آن را در قالب قرارداد الجزایر حل نماید، بلکه اهداف فراتری را دنبال می کرده است که همگان به آن معترفند.

از سوی دیگر علی رغم تبیین وضعیت میان ایران و عراق در مکاتبات قبل از جنگ، از سوی ایران با سازمان ملل هیچ و اکنش مثبتی ملاحظه نگردید. نخستین اقدام سازمان ملل متحد در ارتباط با جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، صدور بیانیه ای از سوی رییس شورای امنیت مورخه اول مهرماه ۱۳۵۹ بود.^۳ در این بیانیه شورا خواستار قطع مناقشه شده و استفاده از ابزارهای صلح جویانه را توصیه کرده است بدون اینکه مکانیسم خاصی پیشنهاد و پیش بینی گردد.

^۱ A/۴۸۳-s/۱۴۱۹۱ s/۱۴۱۹۲

^۲ ۲-Anthony H cordesman the iran-iraq war and western security

^۳ ۱۹۸۴-۱۹۸۷ london p xiv

در روز سوم مهرماه ۱۳۵۹ دبیرکل نامه هایی برای رؤسای جمهوری اسلامی ایران و عراق ارسال نمود.^۴ وی در این نامه ها ضمن دعوت به خویشتن داری، خواستار حل مشکلات طرفین مذاکره شده بود.

صدام در پاسخ آن بلافاصله نامه ای در مورخه چهارم مهرماه ۱۳۵۹ خطاب به دبیرکل ارسال داشت و از پیشنهادات وی استقبال نمود^۵ اما از سوی ایران پاسخی در پی نامه فوق الذکر ارسال نگردید.

از اقدامات بعدی سازمان ملل ارسال دو نامه مورخه ۳ مهرماه ۱۳۵۹ از سوی دبیرکل خطاب به رئیس شورای امنیت می باشد. وی در نامه خود گزارشی از اقدامات خود ارائه داده و نسبت به تشدید نبردهشدار داده است که حاصل اقدامات صورت گرفته به قطعنامه ۴۹۷ مورخه ۶ مهرماه ۱۳۵۹ منجر شد که صرفاً جنبه توصیه داشته و تصمیمی در آن اتخاذ نشده است.

در قطعنامه مذکور از تجاوز سخنی به میان نیامده است در حالی که تجاوز در قطعنامه ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ (بیست و نهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد)^۶ تعریف نسبتاً جامعی دارد و به صراحت تکلیف شورا را مشخص ساخته است. همچنین در این قطعنامه نسبت به نقض تمامیت ارضی یکی از طرفین، سخنی به میان نیامده و نیز هیچ پیشنهادی جهت آتش بس و عقب نشینی نیروهای متجاوز ارائه نشده است که حاکی از برخورد ضعیف شورا نسبت به تجاوز عراق می باشد.

صدام حسین یک روز پس از صدور قطعنامه طی نامه مورخه ۷ مهرماه ۱۳۵۹^۷ طی نامه ای خطاب به دبیر کل اعلام کرد که موضع ما دقیقاً بر اساس قطعنامه می باشد

^۴ سند ۳-S/۱۴۱۹۰

^۵ سند S/۱۴۱۹۳ -

^۶ سند ۵-S/۱۴۱۹۹

^۷ ۶-res ۳۳۱۴xxix

جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۹ مهرماه ۱۳۵۹ طی نامه ای خطاب به دبیرکل^۱ ضمن برشمردن اقدامات تحریک آمیز عراق در شروع نمودن جنگ و عدم باور ایران از جنگ تجاوزگرانه تمام عیارعلیه جمهوری اسلامی ایران متذکرگردید که هرگونه مذاکره مستقیم یا غیرمستقیم تا زمانیکه حاکمیت ایران نقض شده و عراق به عملیاتهای تجاوزگرانه در سرزمین ایران ادامه دهد را نمی پذیرد.

پس از صدور قطعنامه مزبورهم اقدام موثری ازسوی این سازمان در طی سال جاری میلادی مشاهده نشد که این بی تفاوتی سازمان ملل با پیشروی نیروهای عراقی در داخل خاک ایران و تحکیم مواضع تحت اشغال این رژیم همزمان بود. اسناد مربوط به این مقطع زمانی به شرح زیرمی باشد:

۱-۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰ (۱ مهرماه ۱۳۵۹) S/۱۴۱۹۰

بیانیه رییس شورای امنیت

امروز اعضای شورای امنیت درباره تشدیدآخرین وضعیت میان ایران و عراق، به طورغیررسمی مشورت و تبادل نظر نمودند. آنها وخیم ترشدن روابط میان ایران و عراق و تشدیدعملیاتهای نظامی که منجر به خسارت جانی و مالی سنگین شده است را مورد بررسی قرار دادند.

اعضای شورانگرانی عمیق خود را از این درگیری که بطورجدی تشدید شده ابراز نمودند و نسبت به تهدید خطرناک صلح و امنیت بین المللی هشداردادند.

اعضای شورا ضمن استقبال، پشتیبانی خود را از درخواست دبیر کل از طرفین درگیر در مورخه ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ مبنی بربرکارگیری مساعی جمیله خود جهت حل و فصل درگیری اعلام نمودند اعضای و شورا از من درخواست کرده اند که ازطرف آنها از دولتهای ایران و عراق بخواهم به عنوان نخستین گام جهت حل و فصل درگیری، از کلیه عملیاتهای نظامی و تمامی اقداماتی که می

تواند به وخیم تر شدن وضعیت خطرناک فعلی بینجامد دست بردارند و مناقشه میان خود را با استفاده از ابزارهای صلح جویانه حل و فصل نمایند.

۲-۲۴ سپتامبر ۱۹۸۰ (۲ مهر ماه ۱۳۵۹) A/۳۵/۴۸۳ و S/۱۴۱۹۱

نامه مورخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) کاردار موقت هیات نمایندگی دائمی عراق در سازمان ملل، خطاب به دبیر کل «بنا به اطلاع دولت متبوعم احتراماً به پیوست متن نامه آقای دکتر سعدون حمادی و زیرامور خارجه عراق رابرای جنابعالی ارسال می نمایم.»

شیب بافی

کاردار

پیوست

نامه امور خارجه عراق خطاب به دبیرکل:

«شما بدون شک اطلاع دارید که عراق و ایران با میانجیگری الجزایر و در پی مذاکرات طولانی در حضور آخرین رئیس جمهوری الجزایر، آقای هواری بومدین در تاریخ ۶ مارس ۱۹۷۵ در ارتباط با روابط میان دو کشور به توافق دست یافتند. در این توافق نامه، دو طرف تصمیم گرفتند بطور صافانه به منظور دست یابی به حل و فصل نهایی و دائمی کلیه مسائل موجود میان دو کشورشان راحل و فصل نمایند و با رعایت اصول تمامیت ارضی و مصونیت مرزها و عدم دخالت در امور داخلی جهت دستیابی به موارد ذیل اقدام نمایند:

- ۱- جهت علامت گذاری قطعی مرزهای سرزمین خود، براساس پروتکل ۱۹۱۳ قسطنطنیه و صورت جلسه کمیسیون ۱۹۱۴، در مورد تعیین حدود اقدام نمایند.
- ۲- حدود مرزهای آبی را براساس خط تالوگ مشخص سازند.

۳- امنیت، صلح و اعتماد دوجانبه را در امتداد مرزهای مشترکشان بازگردانده شود و همچنین خودشان جهت کنترل دقیق و موثر بر مرزهای مشترکشان به منظور خاتمه دادن کامل به کلیه اقدامات نفوذی و خرابکاری اقدام نموده و به مسائل حاشیه ای اهمیت ندهند.

۴- طرفین همچنین موافقت کردند که ترتیبات فوق را به عنوان عناصر لاینفک حل و فصل جامع مورد توجه قرار دهند. بنا بر این هرگونه سهل انگاری در اجرای آن طبیعتاً مغایر با روح توافقنامه الجزایر خواهد بود.

۵- به علاوه طرفین تصمیم گرفتند برای از سرگیری روابط سنتی دوستانه، حسن همجواری، حذف عوامل منفی در روابط و تبادل نظر مداوم برای گسترش همکاری و منافع دوجانبه، اقدامات لازم به عمل آوردند.

۶- طرفین رسماً اعلام کردند که وزرای خارجه دو کشور با یکدیگر ملاقات نموده و ترتیبات لازم را برای ایجاد کمیسیون مشترک ایران و عراق جهت اجرای تصمیمات اتخاذ شده در توافقنامه دوجانبه به عمل آورند. همچنین موافقت کردند که الجزایر باید به اجلاس مشترک مذکور دعوت شود. در نتیجه مذاکرات ایران و عراق در حضور و با شرکت هیات الجزایری تشکیل شد، پیمان بین المللی مرزی و حسن همجواری و نیز سه پروتکل و ضمیمه های آن را که در ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ در بغداد امضا شده بود به یکی از سه پاراگراف توافقنامه الجزایر که در بالا ذکر شد مربوط می شد، ضمیمه گردید. همچنین در دسامبر ۱۹۷۵ چهار توافقنامه دیگر نیز در بغداد در ارتباط با مرزها و ماموران عالیرتبه، قوانین دریانوردی در شط العرب، استفاده از آبراهها و چراگاه های مرزی، همراه با مبادله نامه ها و صورت جلسه مشترک در ارتباط با سایر موارد مهم فنی که به امضا رسید، مورد تاکید قرار گرفت.

شایان ذکر است که ماده ۴ پیمان نامه مرزی بین المللی و حسن همجواری که با صراحت در بالا ذکر شد، مربوط به مواد پاراگراف ۴ قرارداد فوق الذکر (الجزایر) بوده که به شرح ذیل می باشد:

طرفین عالیرتبه قرارداد تصریح کردند که موادمه پروتکل و ضمیمه های آنها به ماده های ۱، ۲، ۳ این پیمان و ضمیمه مربوطه، مرتبط بوده و شامل بخش های کاملی است که نهایی و دائمی می باشد و نمی تواند در هیچ زمینه ای و به هیچ وجه نقض گردد و شامل لاینفک حل و فصل مناقشات جهانی می باشد بنابراین نقض هر جزء تشکیل دهنده این حل و فصل بطور آشکار مغایر با روح توافقنامه الجزایر می باشد.

نخستین نکته که در این ارتباط مورد توجه می باشد اینکه در مرحله اولیه، توافقنامه الجزایر و پیمان مرزی ایران دارای مزیت بوده و از پروتکل تعیین حدود مرز آبی در شط العرب بهره می برد اما از سوی دیگر با شانه خالی کردن از تعهداتش که تحت این پروتکل در مورد روند اعلامت گذاری مرزهای زمینی متعهد بود دفع الوقت نمود و با تاخیر زیاد در اجرای اقدامات جهت بازگرداندن سرزمینهای عراق تخطی نموده و آنها را تحت کنترل خویش حفظ کرده است. در این مهم دولت عراق این حقیقت را مورد توجه قرارداد که رژیم جدید ایران به زمان نیاز دارد تا به تعهداتش تحت این توافقنامه احترام بگذارد به هر حال دیری نگذشت که این رژیم جدید قدرتمند تر شد و نقض این تعهدات خود را آغاز کرد و به همین صورت هنوز ادامه می دهد. از آنجایی که قرارداد الجزایر بر اساس اصل عدم دخالت در امور داخلی دیگر کشورها تهیه شده اما مقامات حاکم بر ایران سیاست مداخله مداوم در امور داخلی جمهوری عراق را دنبال کرده اند. قبلا نیز گزارش کاملی از این سیاست که مغایر با توافقنامه الجزایر می باشد را ارائه داده ام که طی نامه مورخ ۲۵ ژوئن ۱۹۸۰ و سند رسمی مجمع عمومی و شورای امنیت منتشر شد. (S/14020-30/305-A).

از سوی دیگر در حالی که ایران در قرارداد الجزایر جهت اعاده امنیت و پذیرش مرزهای مشترکش با عراق متعهد شده و می بایست کنترل شدیدی را به منظور پایان بخشیدن به کلیه اقدامات مخرب نفوذی به کار می گرفت اما از سوی رژیم جدید این مفاد اصلی تنها به جز مدت کوتاهی نقض شد و این رژیم در صدد نشان دادن اقتدار خویش برآمد و به رهبران شورشیان علیه عراق پیشنهاد پناهندگی داد یعنی پسران بارزانی جاسوس و حامیان آنها که از خاک ایران استفاده

می کردند و صریحا از سوی مقامات حاکم بر ایران حمایت شده و به عنوان پایگاهی جهت تهدید و دخالت در امنیت داخلی و همبستگی ملی قرار گرفتند.

دولت ایران هرگز خودش جهت توقف خدشه به روابط حسن همجواری میان دوکشور اقدام ننموده و با اقدامات نفوذی و خرابکاری به پاشیدن بذرنفاق پرداخته است همچنین به غارت و چپاول بویژه در مناطق مرزی که مغایر با روح توافقنامه الجزایر است اقدام نموده است. از سوی دیگر دولت ایران ماده دیگری از قرار داد مذکور را با تجاوز مکرر به مرزهای عراق بطوریکه در بلا ذکر شده نقض کرده و از بازگرداندن این اراضی به عراق علی رغم درخواست های مکرر عراق در این رابطه اجتناب نموده است و نیز ادعای جدیدی راحتی در مورد پایتخت عراق و در واقع در مورد تمامیت کشور عراق مطرح ساخته است. جای تعجب نیست که دولت عراق اکنون خود راملزم می بیند از حق قانونی اش جهت دفاع از حاکمیت خود و تمامیت ارضی و بازگرداندن اراضی اش با استفاده از زور اقدام نماید. ملاحظه می کنید که دولت ایران راه راجهت کلیه راههای قانونی شناخته شده جهت حل و فصل مسائل منبعث از تعهداتش مسدود نموده است. به علاوه دولت ایران در اعلامیه ها و اقدامات مقامات مسئول خود تصریح کرده و هرگز بطور تلویحی یا صریح تردید نداشته که بیش از این خودش را در قید و بند قرارداد الجزایر قرار دهد که کلیه این موارد نقض آشکار پاراگراف چهارم پیمان مرزی بین المللی و حسن همجواری قرارداد سال ۱۹۷۵ میان دوکشور می باشد

بنابراین ایران تعهدات بین المللی خویش تحت موافقتنامه و پیمان مذکور را نفی کرده است و از مواد قانونی حاکم بر مرزهای ایران و عراق بویژه شط العرب که می بایست به دولت عراق قبل از مارس ۱۹۷۵ بازگردانده می شد. سرپیچی می نماید و این رودخانه همان طور که همیشه در طی تاریخ یک رودخانه عراقی و تحت کنترل کامل و حاکمیت عراق بوده می بایست مجددا تحت کنترل عراق قرار گیرد.

در این ارتباط دولت عراق می خواهد اعلام نماید که روابطش با کلیه کشورهای جهان صادقانه

بوده و به کلیه تعهداتش پایبند می باشد. همچنین ثابت کرده است که نمی تواند هیچگونه تهدید، تجاوز و یا نقض حاکمیت و خدشه به مقام و شان خود را بپذیرد و ارده اش بر این است که به خاطر حفظ قانونی اش بیشترین قربانی ها را بدهد.

همچنین دولت جمهوری عراق می خواهد در این فرصت همانطور که در گذشته نیز عمل کرده تاکید نماید که در حفظ روابط حسنه با کلیه کشورهای همسایه بویژه ایران پیش قدم بوده هیچ چشم داشتی به سرزمینهای ایران ندارد. به علاوه عراق قصد ندارد جنگی را علیه ایران آغاز نماید و یا حوزه مناقشه اش را با این کشور بیش از محدوده دفاع از حاکمیت و حقوق قانونی اش گسترش دهد.

دولت عراق صادقانه امیدوار است که دولت ایران وضعیت جدید را بپذیرد و با بصیرت عقل و منطق با توجه به احترام عراق در حق قانونی اش در تمامیت ارضی خود و نیز خطوط آبی شط العرب عمل نماید.

دکتر سعدون حمادی

وزیر امور خارجه

۳-۲۴ سپتامبر ۱۹۸۰ (۲ مهر ماه ۱۳۵۹) S/۱۴۱۹۲

نامه مورخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۰ کاردار هیات نمایندگی دائمی عراق در سازمان ملل خطاب به رییس شورای امنیت:

بنا به اطلاع متبوعم احتراماً به پیوست نامه آقای دکتر سعدون حمادی و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی عراق خطاب به جنابعالی را ارسال می نمایم.

شیب بافی

کارداد

پیوست:

نامه مورخه ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۰ و زیرامور خارجه عراق خطاب به رییس شواری امنیت:
 پیرو بیانیه جنابعالی مورخه ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰ مایلم توجه شما و اعضای عالی مقام شورا را به موارد
 ذیل جلب نمایم:

۱- دولت جمهوری عراق در مورخه ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ تصمیم گرفت توافقنامه ۶ مارس ۱۹۷۵ الجزایر
 را جهت فسخ آن پس از اینکه ایران عملاً آن را فسخ کرده مورد بررسی قرار دهد.

در پاراگراف ۴ آن به وضوح مطرح شده که ترتیبات قرارداد مذکور به عنوان یک عنصر لاینجزایی
 حل و فصل جامع مورد توجه بوده و هیچ یک از عناصر مذکور نباید نقض شود که به عنوان
 مغایرت با روح قرارداد محسوب خواهد شد و به صورتی که گواه روشنی بر حمایت از عراق می
 باشد، مایلم توجه جنابعالی و اعضای عالی مقام شورا را به نامه مورخه ۲۱ سپتامبر ۱۹۸۰ دبیرکل
 خطاب به من جلب نمایم. این نامه طی سند (S/۱۴۱۹۱) مجمع عمومی و شورای امنیت منتشر شد.

۲- دولت جمهوری عراق با استفاده از ابزارهای صلح جویانه در طی یک دوره که بیش از سه
 سال به طول انجامید به ایران اتمام حجت کرد که به تعهداتش در مورد قرارداد فوق الذکر عمل
 نماید. اما تلاش های مستمر ما بی حاصل بود. بنابراین برای دولت متبوعم راه دیگری باقی نماند
 جز آنکه حقوق خود را از ایران که بطور غیر منصفانه نفی می شد، طبق حقوق بین المللی باز پس
 گیرد. در این رابطه دولت متبوعم راهی جز این نداشت و آن را روشن ساخت و به آن پناه برد و هیچ
 طرح ارضی توسعه طلبی علیه ایران ندارد و این سیاست در اظهارات مقامات عالی رتبه کشور متبوعم
 پر واضح است.

۳- دولت جمهوری عراق علناً موضعش را ابراز نمود که علاقمند به تشدید درگیری با ایران
 نمی باشد. اما متأسفانه ایران درگیری را با اقدامات ناجوانمردانه علیه منافع عراق، منطقه و جامعه
 بین المللی تشدید نمود که نهایتاً برای دولت متبوعم جزیک انتخاب باقی نگذاشت و آن اینکه در
 دفاع از خویش اقدام نماید.

۴- عراق اعلام آمادگی می نماید که نقطه نظراتش را در نزد شورا مطرح سازد و هیچ چیزی را پنهان نخواهیم کرد.

دکتر سعدون حمادی

وزیر امور خارجه دولت

جمهوری عراق

۴-۲۵ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳مهرماه ۱۳۵۹) S/۱۴۱۹۳

نامه مورخه ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۰ دبیرکل خطاب به روسای جمهوری ایران و عراق در پی مشورت‌های شواری امنیت در تاریخ ۲۳ سپتامبر درخواست پیوست را برای روسای جمهور ایران و عراق ارسال می نماید و توجه شما را به متن درخواست اعضای شورای امنیت جلب می نمایم:

پیوست:

نامه مورخه ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰ دبیرکل، خطاب به روسای جمهوری ایران و عراق: «شما از سوی نمایندگان در سازمان ملل از این درخواست مطلع شده اید که دولت‌های ایران و عراق را در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ مورد خطاب قرار داده ام که حداکثر خویشتن داری را به عمل آورند و در مورد آنچه بتوانند جهت حل مشکلاتشان مذاکره نمایند، انجام دهند. در حال حاضر رییس شورای امنیت نیز از سوی اعضای شورای امنیت از دولت‌های ایران و عراق درخواست کرده است که گام نخستین را جهت حل و فصل مناقشه برداشته و از کلیه عملیاتی‌های نظامی و نیز اقداماتی که می تواند به وخیم شدن وضعیت خطرناک فعلی منجر شود اجتناب نموده و مناقشه خود را از راه‌های صلح جویان حل و فصل نمایند. در این نامه شخصا نگرانی شدید خود را ادامه درگیری میان ایران و عراق ابراز می نمایم. جدای از تحمل خسارات وارده به دو کشور، جامعه بین المللی عمیقاً نگران تاثیر احتمالی این درگیری بر صلح و امنیت بین المللی و نیز پیامدهای اقتصادی اجتناب ناپذیر آن

در منطقه و سایر نقاط جهان می باشد. بدون پیش داوری در مورد حقوق، ادعاها و مواضع طرفین در وضعیت فعلی صمیمانه از شما درخواست می نمایم یکباردیگر به درخواست هایی که از شما جهت پایان بخشیدن سریع خونریزی و تخریب می شود توجه نموده و خودتان از مساعی جمیله مختلف به منظور کمک به طرفین جهت حل و فصل اختلافاتتان با ابزارهای صلح جویانه بهره برداری نمایید. همان طور که مطلعید شخصا مساعی جمیله ام را پیشنهاد کردم و این را با آگاهی کامل از مشکلات و خطرات و وضعیت فعلی و نیز مسئولیتهای خویش تحت منشور سازمان ملل انجام داده ام.

در انتظار پاسخ سریع و مثبت شما در این موضوع مهم و حیاتی می باشم.»

کورت والادهایم

دبیرکل سازمان ملل

۵-۲۵ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳مهر ماه ۱۳۵۹) S/۱۴۱۹۵

نامه مورخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۰ نمایندگی دائمی تونس در سازمان ملل خطاب به دبیرکل: احتراماً به پیوست متن بیانیه دولت تونس مورخه ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰ در ارتباط با درگیری ایران و عراق را ارسال می نمایم.

طیب سلیم

نماینده دائمی تونس

پیوست:

بیانیه دولت تونس

سخنگوی دولت تونس بیانیه ذیل را مورخه ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰ در ارتباط با درگیری ایران و عراق

قرائت کرد:

«دولت تونس نگرانی عمیق خود را از جنگ میان ایران و عراق که به یک جنگ آشکار و همه جانبه خطرناک منجر شده است، ابراز می نماید. تونس به عنوان یک کشور مسلمان تاسف عمیق خود را اعلام نموده و از دو کشور همسایه می خواهد که تمامی موارد قابل پیش بینی را با تفاهم و همکاری حل و فصل نمایند. در غیر این صورت برای تمامی ملل مسلمان بسیار زیانبار خواهد بود. دولت تونس از دو کشور درخواست می کند که فوراً نبرد را متوقف کنند، به خاطر اینکه ممکن است تسری یابد، همچنین از طرفین می خواهد جهت حل و فصل کلیه مناقشات میان خود به ابزارهای صلح جویانه در قالب همبستگی اسلامی و اصول منشور سازمان ملل متوسل شوند.»

۶-۲۵ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳ مهر ماه ۱۳۵۹) S/۱۴۱۹۶

نامه مورخه ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰ دبیرکل خطاب به رئیس شورای امنیت:

«عمیقاً نگران تشدید درگیری میان ایران و عراق می باشم. نظراین جانب تهدید بالقوه خطرناکی برای صلح و امنیت بین المللی محسوب می شود.

همان طور که می دانید دیروز از طرفین درخواست کردم که به نبرد خاتمه دهند و از هر تلاش ممکن استفاده نموده و اختلافاتشان از نظر خطراتی که بطور اجتناب ناپذیر از تشدید فزاینده این مناقشه ناشی خواهد شد، (راهگشا و چاره گر باشد) احساس می کنم فوراً لازم است که به عنوان گام نخست اعضای شورای امنیت جلسه مشورتی تشکیل دهند. متشکر خواهم بود که اگر شما ترتیب چنین جلسات مشورتی را در حداقل زمان ممکن بدهید»

کورت و الدهایم

۷-۲۵ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳ مهر ماه ۱۳۵۹) S/۱۴۱۹۷

نامه مورخه ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۰ دبیرکل خطاب به دبیر کل خطاب به رئیس شورای امنیت:
احتراماً عطف به نامه مورخه ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰ (سند S/۱۴۱۹۶) که در آن از شما درخواست جلسه

مشورتی شورای امنیت را درباره و وضعیت بحرانی ایران و عراق نمودم، عمیقاً درک می کردم که شما و اعضای شورای امنیت بلافاصله به این درخواست پاسخ مثبت می دهید، لذا این درخواست را نیز دارم که بیانیه ای از سوی اعضای شورا منتشر شود.

پیروبیانیه شما در ۲۳ سپتامبر (سند S/۱۴۱۹۰) در تاریخ ۲۴ سپتامبر درخواست های دیگری از روسای جمهوری ایران و عراق نمودم. همچنین به تلاشهای مداوم خود جهت ارتباط مستقیم با آنها ادامه دادم و این وضعیت را با نماینده و یژه دولت عراق که اواخر روز ۲۴ سپتامبر به نیویورک وارد شد مورد بحث قرار دادم همچنین با کاردار ایران نیز گفتگو کردم.

متأسفانه علی رغم این تلاشها نبرد تشدید شده و در زمین و دریا ادامه دارد به غیر از تلفات تاسف انگیز جانی، خسارات مادی بسیاری نیز برجای گذاشته است. همان طور که در درخواست مورخه ۲۲ سپتامبر خود بیان کردم و وضعیت فعلی بدون شک تهدیدی برای صلح و امنیت بین المللی می باشد.

بنابراین بر خود لازم می دانم که در انجام مسئولیت خود به عنوان دبیرکل سازمان ملل پیشنهاد نمایم که شورای امنیت این مهم را با نهایت اظطرار مورد بررسی قرار دهد.

کورت و الدهایم

۸-۲۶ سپتامبر ۱۹۸۰ (۴مهرماه ۱۳۵۹) S/۱۴۱۹۸

نامه مورخه ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۰ نمایندگی دائمی مکزیک و نروژ در سازمان ملل خطاب به رییس شورای امنیت:

«احتراماً از طرف دولت های مکزیک و نروژ از جنابعالی درخواست می نمایم جلسه اضطراری شورای امنیت را جهت بررسی درگیری روبه رشد میان ایران و عراق تشکیل دهید.»

نمایندگی دائمی مکزیک و نروژ در سازمان ملل

۹-۲۶ سپتامبر ۱۹۸۰ (۴مهرماه ۱۳۵۹) S/۱۴۱۹۹

نامه مورخه ۲۴ سپتامبر خود (سند S/۱۴۱۹۳) که برای رؤسای جمهوری ایران و عراق ارسال

نموده بودم از سوی رییس جمهوری عراق آقای صدام حسین پاسخی دریافت نمودم که نسخه‌ای از آن را برای شما ارسال می‌نمایم. همچنین متن پیام دیگر خود خطاب به وی رابه پیوست ارسال می‌دارم.

کورت و الدهایم

نامه مورخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۰ رییس جمهوری عراق خطاب به دبیرکل:

پیرو درخواست جنابعالی از مامورخه ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ و همچنین مورخه ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۰ جنابعالی که در آن نیز از ما خواسته بودید که حداکثر خویشتن داری را به عمل آوریم و به اطلاع می‌رسانیم که ما کلیه موارد را انجام دادیم و آماده مذاکره با ایران جهت حل و فصل مسئله موجود می‌باشیم درحالی که نهایت سپاس را از ابتکارات جنابعالی که ناشی از اعتقادات شخصی شما و نیز مسئولیت‌هایتان می‌باشد ابراز می‌نمایم اما مایلیم تاکید نمایم که عراق شدیداً به دنبال صلح و امنیت بین‌المللی است که نایستی مورد تهدید و آقع شود و منابع اقتصادی و نفتی کشورها نباید در معرض خطر واقع شود، قبلاً نیز موضع دولت جمهوری عراق را در نامه ای خطاب به شما که توسط وزیر خارجه کشورمان در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ ارسال شده بود بیان کرده ام.

مایلم از فرصت استفاده نمایم و متذکر شوم که عراق در اقداماتی که نسبت به صلح، امنیت و اقتصاد جهان تاثیر منفی داشته باشد دخالت نمی‌نماید و آنچه تاکنون انجام داده ایم متاثر از حقوق قانونی خود و اعاده آن می‌باشد و علی‌رغم اینکه بطور منطقی جهت دستیابی به حقوق خود پلسخ داده ایم اما دولت ایران با حملات ناجوانمردانه علیه منافع حیاتی ما و منطقه و نیز کل جهان در جهت تشدید و ضعیف برآمده بطوریکه راهی برای ما باقی نگذاشته و مجبوریم بخاطر حفظ منافع خود از خوددفاع نمایم. به هر حال مایلیم به جنابعالی تاکید کنم که هدف عراق تنها شناسایی غیر قابل فسخ حقوق اراضی و حاکمیت بر آبهای ملی عراق از سوی ایران می‌باشد. آیا ایران آماده است به آن پاسخ مثبت دهد؟ هر نوع دریافت پاسخ مثبتی در این مهم از سوی جنابعالی مارا خوشحال خواهد ساخت، در چنین حالتی است که ما از چنین حرکتی تمجید می‌نماییم و تلاش

خواهیم کرد که با اتخاذ اقدامات لازم این موضوع را درهرحالتی اعم از بین المللی، منطقه ای یا دوجانبه مورد ملاحظه قرار دهم.

همچنین عراق دراینجا سوال می کند که آیا ایران آماده است آتش بس را بپذیردوآیا توسط جنابعالی چنین درخواستی از این کشورشده است یا اینکه ایران بر نظریاتش بدون هیچ تغییری اصرار می و رزد؟ بدیهی است این اطلاعات در موضع ما حائزاهمیت است.

صدام حسین

رئیس جمهوری عراق

ضمیمه ۱

نامه مورخه ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۰ نمایندگی دائمی عراق در سازمان ملل خطاب به دبیرکل: احتراماً به پیوست نامه آقای صدام حسین رییس جمهوری عراق خطاب به جنابعالی را ارسال می نمایم .

صالح عمر العلی

نمایندگی دائمی

ضمیمه ۲

پیام ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۰ دبیرکل خطاب به رئیس جمهوری عراق: دراینجا از جنابعالی بخاطر پاسخ سریع به پیامهای ۲۲ و ۲۴ سپتامبر (سند S/۱۴۱۹۳) تشکر می نمایم اعضای شورای امنیت را از محتوای پیام شما مطلع ساخته ام با توجه به درخواست شما در ارتباط با موضع ایران در مورد آتش بس دقیقاً با همان عبارت برای ایران ارسال شد همان طور که جنابعالی خواسته بودید

من منتظر پاسخ دولت ایران به این درخواست می باشم، طبیعتاً پاسخ شما به درخواست جهت

آتش بس نیز بسیار حائز اهمیت است بنا بر این امید و ارم که هر دو پاسخ را در اسرع وقت دریافت نمایم

کورت و الدهایم
دبیر کل سازمان ملل

۱۰-۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ (۶ مهر ماه ۱۳۵۹) S/RES/۴۷۹

قطعه نامه (۱۹۸۰) ۴۷۹

مصوبه شورای امنیت در اجلاس ۲۲۴۸ خود مورخه ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ شورای امنیت با آغاز بررسی موضوع تحت عنوان وضعیت میان ایران و عراق با توجه به اینکه بر اساس منشور سازمان ملل متحد همه دولت‌ها عضو به حل اختلافات بین المللی خود از راه‌های مسالمت آمیز متعهد شده اند به نحوی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به خطر نیفتد. همچنین با عنایت به اینکه همه دولت‌های عضو متعهدند در دروابط سیاسی بین المللی خود از تهدید یا کاربرد زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور خودداری کنند. به خاطر نشان ساختن اینکه طبق مفاد ۲۴ منشور شورای امنیت مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را به عهده دارد. با اظهار نگرانی عمیق درباره وضعیت روبه گسترش میان ایران و عراق:

- ۱- از ایران و عراق می خواهد از هرگونه کاربرد زور بفرویت خودداری کنند و مناقشه خود را از راه‌های مسالمت آمیز و طبق اصول عدالت و حقوق بین المللی حل نمایند.
- ۲- از آنها مصرانه می خواهدند هر پیشنهاد مناسب در مورد میانجیگری، سازش یا توسل به نهادهای منطقه ای یا دیگر راه‌های مسالمت آمیز بنابه انتخاب خود را که اجرای تعهداتشان بر اساس منشور سازمان ملل متحد را تسهیل کند بپذیرند.
- ۳- از کلیه کشورهای دیگری خواهد حد اکثر خویشتن داری را مبذول دارند و از هر اقدامی که

ممکن است به افزایش و گسترش بیشتر بر خورد منجر شود خود داری کنند.

۴- از کوششهای دبیرکل و پیشنهاد وی در مورد مساعی جمیله برای حل این و وضعیت پشتیبانی می کند.

۵- از دبیرکل درخواست می کند که ظرف چهل و هشت ساعت به شورای امنیت و وضعیت را گزارش دهد.

۱۱-۲۹ سپتامبر ۱۹۸۰ (۷ مهر ماه ۱۳۵۹) S/۱۴۲۰۳

نامه مورخ ۲۹ سپتامبر ۱۹۸۰ نمایندگی دائمی عراق در سازمان ملل خطاب به دبیرکل احتراماً به پیوست متن پیام صدام حسین رییس جمهوری عراق را خطاب به جنابعالی ارسال می نمایم.

صالح عمرالعلی

نماینده دائمی

پیوست

نامه مورخه ۲۹ سپتامبر ۱۹۸۰ رییس جمهوری عراق خطاب به دبیرکل
 نامه جنابعالی مورخه ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ و قطعنامه (۱۹۸۰) ۴۷ که در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ تصویب شده بود دریافت کردم، در هر حال مایلم تشکر خود را از ابتکار تان که ناشی از اعتقادات شخصی شما و مسئولیت هایتان می باشد ابراز نمایم همچنین می خواهم موضوع جمهوری اسلامی ایران را در ارتباط با مناقشه فعلی با جمهوری عراق روشن سازم. قبل از آغاز پیروزی انقلاب مردم کشور ما مورخه ۱۱ فوریه ۱۹۸۷

جمهوری عراق قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را فسخ کرده و با اعزام عناصر و واحدهای نظامی عراق به سرتا سرمرزهای غرب و جنوب غربی استانهای خوزستان و کردستان به منظور انجام عملیاتهای

خرابکارانه و کمک به گروه‌های ضدانقلاب مبادرت نمود. عراق در طی ۲۰ ماه گذشته بابکارگیری بقایای رژیم گذشته و دیگر عوامل ارتجاع و جنایتکار اعمال تبلیغاتی و تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران را تشدید نمود.

عراق بیش از ۴۰ هزار نفر از مردم شیعه و ایرانی الاصل ساکن عراق را بالاجبار تبعید نمود و اواخر آوریل و مارس بود که آنها را در مرزهایمان رها ساخت که این خود نشان دیگری از خصومت عراق نسبت به جمهوری اسلامی ایران می باشد. این نقض حقوق انسانی به دفتر شما گزارش شد اما متأسفانه هیچ محکومیتی در ارتباط با این اقدام و سبب ضد انسانی از سوی هیچ ارگانی در سازمان ملل صورت نگرفت. در ماه‌های قبل از حمله ۲۲ سپتامبر نشانه‌هایی مبنی بر آمادگی عراق جهت تشدید اقدامات خصومت آمیز علیه ایران مشاهده می شد. این تحرکات غیر معمول نیروهای عراقی در طول مرزهای مشترک ما در طی ماه گذشته دلیلی بر طرح مشخص و از پیش تعیین شده عراق می باشد. در ارتباط با تحرکات فوق هیچ حرکتی که تحریک آمیز باشد انجام ندادیم و عدم تمایل خویش را در رویارویی نظامی با این کشور نشان دادیم. ما باور نمی توانستیم بکنیم که مقامات عراق قصد دارند جنگ تجاوزگرانه ای را با کلیه توان ممکن آغاز کنند موضع عدم تجاوز ما را در این حقیقت می توان مشاهده کرد که آماده نبودیم که در برابر حملات عراق علیه پایگاه‌ها و فرودگاه‌های کشورمان در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ و اکنشی نشان دهیم. اما یکبارہ نیت و طرح عراق به و اقعیت پیوست و ما با نیروی لازم به مقابله برخاستیم.

با شروع جنگ تجاوزگرانه در داخل سرزمین ما و حملات علیه منافع حیاتی کشورمان دولت عراق برای ما راه دیگری باقی نگذاشت جز اینکه به خاطر تامین حاکمیت خود و حفظ منافع کشورمان از خود دفاع کنیم.

قطعنامه شورای امنیت در زمانی تصویب شده است که دولت عراق جنگ تجاوزکارانه‌ای را که با منشور سازمان ملل و سایر اصول رفتار بین المللی مغایرت صریح دارد آغاز کرده است.

بدیهی است که ادعاهای عراق چیزی جز تبلیغات بی اساس جهت منحرف ساختن

افکار عمومی بین المللی نمی باشد.

صورت و سیرت تجاوز نظامی عراق بویژه حملات هوایی علیه تاسیسات صنعتی و مناطق مسکونی مثال زنده ای از سرنوشت واقعی و جاه طلبی های مقامات عراق می باشد که پس از نقض فاحش کلیه استانداردها و معیارهای قانونی و اخلاقی اکنون بطور فریب آمیزی به دنبال استفاده از ابتکار صلح سازمان ملل افتاده است در حالی که جنگ تجاوز کارانه عراق علیه جمهوری اسلامی ایران ادامه دارد و براساس حقایق و مواردی که در اینجا ذکر شد پیشنهادات ارائه شده در نامه شما و نیز قطعنامه شورای امنیت را دولت ما نمی تواند مورد توجه قرار دهد و مادامی که عراق حاکمیت سرزمین ما را نقض می نماید و همچنین عناصر عراق به عملیتهای تجاوز کارانه مشغول بوده و در مرزهای ما خرابکاری می کنند و هرگونه مذاکره یا غیر مستقیم در ارتباط با درگیری دوکشوری فایده می باشد.

ابوالحسن بنی صدر

رییس جمهوری اسلامی ایران

نبرد با دریا و دشمنان دریایی

محمود دیزدانفام

مقدمه

جنگ ایران و عراق یک جنگ تمام عیار منطقه ای بود. عراق با تمام توان و با هر سه نیروی زمینی، هوایی و دریایی، قلمرو خاکی، هوایی و آبی جمهوری اسلامی ایران را مورد حمله قرارداد با حمله گسترده عراق به قلمرو جمهوری اسلامی ایران تردد شناورها به سواحل عراق قطع شد دهها کشتی تجاری درآروند رود در محاصره قرار گرفتند. دوماه بعد از آغاز تجاوز رسمی عراق نخستین جنگ دریایی میان ایران و عراق به وقوع پیوست و ناوچه های دوکشور بزرگترین جنگ دریایی ایران و عراق را به معرض نمایش گذاشتند.

جنگ دریایی ایران و عراق با حمله به کشتی ها، سواحل و جزایر، مین ریزی در دریا. مین رویی، تهدیدات موشکی، اجرای عملیات های منظم علیه اسکله ها ادامه یافت و با ورود ناوگان قدرت های بزرگ به منطقه، استفاده از سلاح های پیشرفته و حضور مقتدرانه نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ابعاد وسیع تر و پیچیده تری به خود گرفت در سال های پایانی، جنگ دریایی میان طرفین وسعت بیشتری یافته و به درگیری میان ایران و کشورهای آمریکا، عربستان، کویت، شوروی و قدرت های بزرگ اروپا تبدیل شد. در این جنگ گسترده و پیچیده دریایی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران مسئولیت صیانت از قلمرو آبی جمهوری اسلامی ایران را برعهده داشتند و هرکدام در طول هشت سال جنگ متناسب با شرایط زمانی، مشکلات و

مقدورات خود دست به فعالیت هایی زدند. در مقاله حاضر ضمن در نظر گرفتن و احد زمان، نوع ماموریت یگان عمل کننده نوع تجهیزات، تعداد حملات، میزان خسارت ها و هزینه های اقدام و نیز با استفاده از آمار اطلاعات کمی، ماموریت و عملکرد نیروی دریایی سپاه مورد بررسی قرار گرفته است.

ماموریت های نیروی دریایی

مسئولیت حفظ امنیت قلمرو آبی، جزایر و سواحل کشور به عهده نیروی دریایی است که در قالب ماموریت های مختلف تدافعی و تهاجمی اجرامی شود با توجه به تجربه هشت سال جنگ در خلیج فارس می توان این ماموریت ها را به شکل زیر طبقه بندی کرد: ۱) پدافند جزایر و دفاع از قلمرو آبی (کشور ۲) اسکورت کشتی ها (۳) بازرسی کشتی ها (۴) اعمال سیاست مقابله به مثل با حمله به کشتی ها (۵) اجرای عملیات تعرضی علیه جزایر و سواحل دشمن.

۱- پدافند جزایر و دفاع از قلمرو آبی کشور:

سازمان رزم نیروی دریایی سپاه در طول جنگ متاثر از حملات عراق، عملکرد نیروی دریایی ارتش، نیاز جبهه ها و استعداد سپاه، تکوین و گسترش یافت دفاع از سواحل و جزایر کشور در سال های نخست جنگ با توجه به توان نظامی عراق به قسمت های شمالی خلیج فارس محدود بود. در اوایل جنگ، فعالیت های دریایی عراق بیشتر در دهانه اروند، خور موسی و غرب بوشهر و عمده تلاشش بر بستن بندر امام از طریق نا امن کردن خور موسی معطوف بود ولی سازمان سلاح و تجهیزات کافی برای این کار را نداشت. عراق بیشتر از ساحل فاوا اقدام به پرتاب موشکهای کرم ابریشم می نمود. هواپیما های عراقی از موشک ضد سطح و توان چندانی برخوردار نبودند در این مدت نیروی دریایی ارتش، مسئولیت پدافند از این منطقه را بر عهده داشت و در این راستا حدود دو ماه پس از هجوم گسترده رژیم عراق به قلمرو جمهوری اسلامی ایران، نیروی دریایی، جنگ نسبتاً شدیدی را با نیروی دریایی ارتش عراق آغاز کرد اسکله البکرکه یکی از پایگاههای جمهوری اسلامی ایران به آتش کشیده شده، سه فروند میگ عراقی سرنگون گردید. ۲۰ نفر از پرسنل نیروی

دریایی عراق به اسارت درآمدند و سازمان نیروی دریایی عراق به شدت آسیب دید در این درگیری ناوچه پیکان یکی از شناورهای نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران غرق شد و یک ناوچه دیگر به نام سهند آسیب دید (۱)

عراق پس از عملیات بیت المقدس در فعالیت های دریایی خود تحول قابل توجهی صورت داد نخست یک سری تجهیزات خاص عملیات دریایی مثل هواپیمای سوپراتا ندارد را کرایه کرد سپس آنها را وارد سازمان رزمی خود نمود. این هواپیما به موشک های اگزوسه مجهز بود و قدرت و دقت بیشتری در پرواز و هدف گیری داشت عملیات دریایی عراق به منظور جلوگیری از صادرات نفت ایران تا جزیره خارک گسترش یافت و مخازن نفت، اسکله و کشتی های اطراف جزیره خارک جزو اهداف این حملات قرار گرفتند که تا سال ۱۳۶۵ پیوسته بردامنه این حملات افزوده می شد (۲) برای جلوگیری از خسارت های بیشتر، مسئولین عالی جنگ تصمیم گرفتند از نیرو، ابتکارات و طرح های جدید سپاه در عرصه جنگ دریایی استفاده بیشتری نمایند. علی رغم مخالفت های اولیه برادران ارتش مسئولیت قسمتی از پدافند جزیره خارک به سپاه محول شد و مقادیری از امکانات ارتش نیز به سپاه واگذار گردید* از آنجایی که از سال ۶۲ مسئولیت پدافند از سطحه دریایی و برخی سکوها و حوزه های نفتی به سپاه داده شده بود، زمینه های پذیرش این مأموریت در سازمان رزم سپاه وجود داشت. در آن زمان برادران سپاه و قتی گزارش عملکرد یکساله خود و چگونگی اجرای گشت های پیرامون خارک و سواحل حساس را به آقای هاشمی رفسنجانی ارائه کردند، ایشان خطاب به فرماندهان سپاه گفتند: «وجود عناصر سپاه در دریا پدیده ای بس و حشتناک برای استکبار جهانی است.» (۴) حضور و فعالیت دریایی سپاه با این تجربه موفق مراحل گسترش و

* برادر علایی فرمانده سابق نیروی دریایی سپاه در مورد اینکه چرا در این وضعیت بحرانی پدافند جزیره به سپاه واگذار شد می گوید: «ما در آنجا در دو حوزه فعال بودیم، یکی اینکه افرادی که در جزیره خارک عملیات انجام می دادند خوب کار می کردند هر چند تعدادشان کم بود و نفرات زیادی نداشتند، دوم اینکه از نظر ستادی افرادی که در مرکزیت یگان دریایی سپاه حضور داشتند و قتی در جلسات بحث می شد می توانستند حرف بزنند، طرح هدف و ایده های جدید مطرح کنند» (ماخذ: نوار شماره ۳۱۷۴۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چگونگی توسعه سازمان رزم نیروی دریایی سپاه ۳/۱۰/۷۴)

تکوین خود را در سال های ۶۳ و ۶۴ پشت سر گذاشت و در سال ۶۵ هنگامی که رژیم عراق تصمیم گرفت راههای درآمد ارزی ایران را قطع کند، سپاه مسئولیت بزرگتری را در پدافند از جزایر سکوه های نفتی برعهده گرفت. حملات هوایی عراق در سایه حمایت تسلیحاتی شرق و غرب و ورود تجهیزات جدید روزه به روز دقیق تر، و وسیع تر و مخربتر شد و این حملات با همکاری کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و حمایت آمریکا از آنها در جلوگیری از اقدامات تلافی جویانه ایران همراه بود. میراژهای F-۱۴ وارد سازمان ارتش عراق شدند آنها ضمن بهره گیری از هواپیماهای سوخت رسانی، با استفاده از فضای کشورهای جنوبی خلیج فارس و کریدورهای بین المللی بردشان را به تنگه هرگز رساندند. عراق در اقدامی دیگر علاوه بر استفاده از موشک های اگزوسه این هواپیما ها را به بمبهای لیزری مجهز ساخت. که در مقایسه با موشک هم دقتش بیشتر بود و هم از قدرت تخریب فوق العاده ای برخوردار بود. کشتی هایی که به این طریق مورد حمله قرار می گرفتند دیگر نه قابل نجات بودند و نه قابل بازسازی. (۵)

در این شرایط حساس و سخت که مسئولین را مستاصل کرده بود ضرورت تقویت پدافند از جزیره مطرح و نیروی دریایی سپاه به طور گسترده وارد عمل شد. اقدامات سپاه در دفاع از جزایر در طول جنگ همزمان با ورود ناوگان قدرت های بزرگ به منطقه و احتمال حمله آمریکا به جزایر و بنادر ایران افزایش یافت و سپاه نقش فعالی را در پدافند جزایر ایفا نمود.

۲) اسکورت کشتی ها

دومین ماموریتی که نیروی دریایی سپاه در دفاع از قلمرو آبی کشور برعهده داشت برقراری امنیت کشتی های خودی به طرق گوناگون از جمله اسکورت آنهاست. در آغاز جنگ، اسکورت نفتکشهای ایران در منطقه ممنوعه عراق (۶) برعهده نیروی دریایی ارتش بود. به دلیل آماده نبودن دیگر بنادر برای تخلیه کالاها و بارگیری، جمهوری اسلامی ایران ناگزیر به استفاده از بندر امام خمینی بود. نیروی دریایی ارتش کشتی ها را در بندر بوشهر جمع و در یک کاروان به صورت ده تایی از طریق خور موسی تا بندر امام خمینی اسکورت می کرد منطقه خورسی خطرناک ترین نقطه مسیر کاروان بود که از سوی موشکهای مستقر در ساحل فاو و هواپیماهای عراقی تهدید می شد و با

وجود پوشش هوایی نیروی هوایی ارتش به دلیل تعداد زیاد کشتی ها در یک نقطه و زمان شیوه هدف یابی موشک های کرم ابریشم، کاروان ها همیشه مورد حمله قرار می گرفتند و کشتی ها آسیب می دیدند. نیروی دریایی سپاه که در این موقع به صورت گارد ساحلی در سپاه استانه های جنوبی مستقر بود. در زمینه اسکورت کشتی ها از بندر بوشهر تا بندر امام خمینی فعال شده و با سه اقدام ابتکاری، اسکورت تک تک کشتی ها، استقرار پدافند در مسیر موشک های برای زدن آنها و سکانداری پاسداران در کنار برادران ارتشی، ضمن کاهش خسارت های وارده به شناورها مانع از بی سکانداری شدن شناورها گردید.

۳) بازرسی کشتی ها

سومین ماموریت نیروی دریایی، بازرسی کشتی های بی طرف و توقیف قاچاق جنگی در دریاست. نخستین بار جمهوری اسلامی در ۲۱ مرداد ۱۳۶۰ در تنگه هرمز یک فروند کشتی دانمارکی را که تجهیزات نظامی به مقصد عراق حمل می کرد توقیف نمود. از سال ۱۳۶۴ به بعد، نیروی دریایی سپاه و ارتش به طور منظم کشتی های بی طرف مشکوک به حمل قاچاق جنگی به مقصد عراق را مورد بازرسی قرار دادند. نحوه بازرسی کشتی ها از سوی این دو نیرو با یکدیگر متفاوت بود شیوه بازرسی و کنترل نیروی دریایی بود. بدین ترتیب که با بی سیم مبداء و مقصد محموله کشتی را می پرسید و وقتی از سوی کشتی اعلام می شد باری برای عراق نداریم کشتی به راه خود ادامه می داد. سپاه بازرسی کشتی ها را به تنگه هرمز محدود نکرده بود و دژبانی، کشتی های مشکوک را نگه داشته، همه انبارهای کشتی را مورد بازرسی قرار می داد که در مواقعی این بازرسی بیش از دو ساعت طول می کشید این بازرسی ها در دوره ای از جنگ نفتکشها بود که امریکا حضور گسترده در خلیج فارس داشت و ضمن مخالفت با این نوع بازرسی ها اعلام کرده بود که همه کشتی های در حال تردد در خلیج فارس را تحت اسکورت دارد ولی کشتی ها جرات نمی کردند که به بی سیم ناوهای آمریکا مبنی بر کمک به آنها پاسخ مثبت دهند.*

* برادر قدوسی در این مورد می گوید: «من خود بارها شاهد بودم که ناو آمریکایی بارها می گفت من فلان ناو آمریکایی هستم، کشتی فلان از من کمک بخواه ولی کشتی جرات نمی کرد جواب بدهد. از فرماندهان کی

۴) اجرای سیاست مقابله به مثل

اعمال سیاست مقابله به مثل مهمترین و موثرترین ماموریت نیروی دریایی در هشت سال دفاع مقدس بود و هرچه به پایان جنگ نزدیک می شد اجرای آن به لحاظ تعداد طرف های درگیر، یگانهای عمل کننده، تجهیزات و تسلیحات مورد استفاده، حوزه جغرافیایی و شدت حملات، مشکل ترویجیچیده ترمی شد. آمار موجود از حمله به کشتی ها نشانگر میزان افزایش حملات در طی هشت سال جنگ است. تعداد کشتی های تجاری که در سال ۱۳۶۰ مورد حمله قرار گرفتند ۶ فروند بود. این رقم در سال ۱۳۶۱ به ۱۷ فروند و در سال ۱۳۶۲ به ۳۴ فروند رسید نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۳ در پاسخ به حملات عراق تعدادی از کشتی های متحدین عراق را مورد حمله قرار داد که در مجموع حملات دو کشور به کشتی ها در سال فوق به ۶۶ مورد رسید در سال ۱۳۶۴ حملات طرفین کاهش اندکی داشت ولی در سال ۱۳۶۵ تعداد حملات در حدود دو برابر شد در سال ۱۳۶۶ با ۹۱۱ مورد حمله به کشتی ها جنگ نفتکشها به اوج خود رسید و این روند تا پایان جنگ ادامه یافت.

جدول شماره ۱ - حملات به کشتی ها در خلیج فارس

سال	کشور	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	چهارماه اول ۶۷
ایران	-	-	-	۱۶	۱۹	۳۴	۸۸	۲۹
آمریکا	-	-	-	-	-	-	۱	۴
نامعلوم	-	-	-	۴	۱	۵	۶	۶
مجموع حملات	۶	۱۷	۳۴	۶۶	۵۷	۱۱۰	۱۹۱	۵۷

ماخوذ از سندش ۹۱۵۴۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ستاد نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

از این کشتی ها پرسیدم چرا به آن جواب نمی دادید؟ وی گفت: دو حالت ممکن است برای کشتی ما اتفاق بیفتد یا شما بازرسی می کنید تشخیص می دهید که مثلاً کالایی برای عراق ندارم رها می کنید بروم یا اینکه اگر رفتیم کشتی را هدف قرار می دهید درحالیکه جواب آمریکا را بدهم حتماً می خورم»

(ماخذ: نوار شماره ۳۱۷۳۸ «سیر تکوین و گسترش سازمان نیروی دریایی سپاه» تاریخ ۶/۹/۷۴)

جنگ نفتکش ها

مرحله اول (از آغاز جنگ تا آغاز سال ۱۳۶۳)

جنگ نفتکش ها از آغاز تا پایان جنگ با توجه به کشور حمله کننده و یگان اعمال کننده سیلست مقابله به مثل از سوی جمهوری اسلامی ایران به سه مرحله تقسیم می شود در مرحله نخست از آغاز جنگ تحمیلی تا شروع اقدامات تلافی جویانه ایران در سال ۱۳۶۳ را دربردارد در این مرحله حمله به کشتی ها به صورت یک جانبه و از سوی عراق انجام می شد عراق در واکنش به بسته شدن بنادر خود در خلیج فارس قسمتی از منطقه شمال شرقی خلیج فارس را منطقه ممنوعه اعلام کرد که در آنجا تمام کشتی ها بدون توجه به پرچمشان مورد حمله قرار می گرفتند این حملات عمدتاً بوسیله موشک های کرم ابریشم و از ساحل شبه جزیره فلوانجام می شد نیروی هوایی عراق نیز در حمله به کشتی ها در این منطقه فعال بود، ولی به دلیل حضور نیروی هوایی ایران و نوع موشک های مورد استفاده علیه کشتی ها از کارایی چندانی برخوردار نبود ایران در این مرحله هیچگونه عملیات مقابله به مثل نداشت و کلیه ۵۷ فروند کشتی سانحه دیده از سوی عراق مورد حمله قرار گرفته بودند نیروی دریایی سپاه در این مرحله حضور موثری در دریا نداشت و به لحاظ سازمانی یگان دریایی بود که به کارهای فکری و ستادی مشغول بود

مرحله دوم (از سال ۱۳۶۳ تا پایان ۱۳۶۵)

در مرحله دوم جنگ نفتکشها که از سال ۱۳۶۳ شروع شد و تا پایان ۱۳۶۵ ادامه داشت، عراق و ایران شیوه متفاوتی در پیش گرفتند. تعداد حملات بشدت افزایش یافت. عراق با تجهیز هواپیما های خود به سلاح های جدید، محدوده جغرافیایی حملات خود را گسترش داد و جمهوری اسلامی ایران نیز با اتکا به نیروی هوایی و دریایی ارتش به مقابله آن برخاست.

جدول شماره - حملات ایران و عراق در مراحل سه گانه جنگ نفتکش ها

مجموع	مرحله سوم ۱/۵ سال (مرداد ۶۷- ۱۳۶۶)	مرحله دوم ۳ سال ۶۵ (۱۳۶۳-)	مرحله اول ۳ سال ۶۲ (۱۳۶۰-)	مراحل	
				کشور	
۳۲۵	۱۱۴	۱۵۴	۵۷	عراق	
۱۸۶	۱۱۷	۶۹	-	ایران	
۵۱۱	۲۳۱	۲۲۳	۵۷	مجموع	

ماخوذ از سندش ۰۹۱۵۴۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

درمقابل ۱۵۴ مورد حمله عراق به کشتی های نیروی دریایی، ایران ۶۹ کشتی حامیان عراق را مورد حمله قرار داد. یعنی بطور متوسط درمقابل هر ۵ حمله عراق، به دوفروند کشتی عراقی حمله شد. دراین مرحله نیروی هوایی ابتدا با هواپیماهای f-۱۴ یک پوشش هوایی ایجاد می کرد و سپس با هواپیماهای f-۴ و موشک ماوریک که یک موشک ضد تانک است و اثر جنگی کمی دارد، به کشتی مورد نظر حمله می کرد. پس از مدتی نیروی هوایی عربستان با هواپیمای f-۱۵ به مقابله با آن پرداخت و دوفروند هواپیمای f-۴ ایران را مورد اصابت قرار داد. به این صورت هزینه اعمال سیاست مقابله به مثل با هواپیما خیلی زیاد شد و درمقابل میزان خساراتی که به کشتی ها وارد می شد قابل مقایسه نبود.* پس از این واقعه استفاده از هواپیما برای اجرای سیاست مقابله به مثل مستفی شد و نیروی دریایی ارتش هلی کوپترهای sh-۲۱۲ را جایگزین هواپیما کرد. این هلی کوپترها در سکوی سلمان استقرار یافته و با پرواز از روی آن با موشک های ماوریک و یک موشک کوچکتر به نام as-۱۲ به کشتی ها حمله می کردند. به کارگیری هلی کوپتر به جای هواپیما اگرچه از دقت بیشتری برخوردار بود لیکن به جهت قدرت تخریبی کم تراکت های هلی کوپتر میزان خسارت وارده به هدف کاهش یافت. استفاده از سکوها از یکسوتبلیغات منفی در جهان علیه جمهوری اسلامی ایران برپا کرد و از سوی دیگر عراق به تلافی آن سکوی سلمان را مورد حمله قرار داد و بیش از چند صد میلیون دلار خسارت وارد کرد. پس از مدتی اعلام شد که این شیوه نیز ضرر و زیان بیشتری دارد و عملاً متوقف شد. به این ترتیب استفاده از ناوچه های آرش تنها شیوه اعمال سیاست مقابله به مثل بود که با استفاده از موشک های ایتالیایی سیکلروتوپهای ۷۶ میلی متری مستقر در ناوها انجام شد دقت هدف گیری موشک های فوق بسیار ضعیف و اثرات تخریبی توپها بسیار پایین بود. در اواخر این دوره در حالیکه برد پروازهای هوایی عراق به حوالی تنگه هرمز رسیده بود و دقت هدف گیری آنها به خاطر بکارگیری هواپیماهای پیشرفته و موشک های لیزری زیاد و خسارت آن افزایش یافته بود، شیوه ها و تاکتیک های مقابله به مثل نیروی دریایی ارتش در بن

* در مورد میزان خسارت های وارده به کشتی ها همین بس که هیچگاه کشتی هایی که با موشک ماوریک مورد حمله قرار می گرفتند در دریا متوقف نشده و همچنان به حرکت خود ادامه می داد. در حالیکه هزینه حمله بسیار زیاد بود. به عنوان مثال یک فروند هواپیمای f۴ حدود ۲۰ میلیون دلار هزینه داشت.

بست قرارگرفت و کویت با دعوت از قدرت های بزرگ برای اسکورت نفتکشهای این کشور و جلوگیری از اعمال سیاست مقابله به مثل بحران منطقه را بیش از پیش پیچیده تر کرد. در این شرایط ناتوانی در اعمال سیاست مقابله به مثل در قبال حملات هوایی عراق به معنای قطع واردات و صادرات ایران از بنادر خلیج فارس بود بدون اینکه آسیبی به صادرات نفتی متحدین عراق در منطقه وارد آید. در چنین شرایطی که روند امور در خلیج فارس به ضرر ما بود نیروی دریایی سپاه وارد عرصه اجرای سیاست مقابله به مثل شد و با شیوه ها و تاکتیکهایی که به کارگرفت نه تنها حمله به کشتی های متحدین عراق را به سطح تعداد حملات آن کشور رساند بلکه در اواخر دوره سوم از آن نیز فراتر رفت.

مرحله سوم (از آغاز سال ۶۶ تا پایان جنگ)

مرحله سوم که تا پایان جنگ ادامه یافت، هر چند به لحاظ زمانی کمتر از دو دوره قبل است ولی در مقایسه با حملات انجام شده به کشتی ها بیشتر از آنهاست.

(ر. ک. به: جدول شماره ۲) بطور کلی مشخصه های اصلی این مرحله از جنگ نفتکشها حضور قدرت مند سپاه در جنگ دریایی، ورود ناوگان قدرت های بزرگ به منطقه، دخالت مستقیم آمریکا و شدت گرفتن جنگ نفتکشهاست. در این مرحله که از آغاز سال ۱۳۶۶ شروع شد و تا پایان جنگ ادامه یافت قایقهای تندرو و سپاه وارد عرصه جنگ دریایی شد و با تاکتیکهای ساده، تسلیحات ارزان قیمت و قابل دسترس و نیروهای شهادت طلب به مقابله با تهاجمات عراق و تجاوزات آمریکا برخاستند. هزینه اعمال سیاست مقابله به مثل کاهش یافت و ابتکار عمل به دست نیروهای خودی افتاد. آنها هر جا اراده نمودند کشتی مورد نظرا با حملات مداوم غرق کردند بدون اینکه محدودیت تهیه موشک را چه به لحاظ مالی و چه به لحاظ بازار فروش داشته باشند. تاکتیک استفاده از قایقهای تندرو نه تنها در کاهش هزینه مقابله به مثل و افزایش خسارت به کشتی های طرف مقابل بود بلکه برخلاف تجهیزات نیروی دریایی ارتش، آمریکا هیچگونه بینشی نسبت به نوع بکارگیری اعمال فرماندهان و عملکرد نیروهای سپاه نداشت و رزمندگان سپاه از آزادی عمل

بیشتری برخوردار بودند. تجهیزات سپاه کارایی فزونتری داشت و استفاده از تجهیزات آمریکا را محدود کرده بود چیزی که در ساختار ذهنی فرماندهان نیروی دریایی ارتش و سازمان آن جایی نداشت این اقدامات باعث شد که آمریکا نتواند از تجهیزات پیشرفته خود استفاده کند بلکه برای دفاع از آنها شیوه ساده تری را انتخاب نمود و روی پیشرفته ترین ناو خود کیسه شن گذاشت تا با استقرار نقربر پشت آنها عملاً اعتراف کند که رادار هواپیما، هلی کوپتر توپ و موشک های تاو در این جنگ دریایی تعیین کننده نیست. قایقهای تندرو در مشکل ترین زمان جنگ نفتکشها سیاست مقابله به مثل را اعمال کرده، چندین بار با ناوها و هلی کوپترهای آمریکایی درگیر شدند. در شانزده مهرماه ۱۳۶۶ چهار فروند از قایقهای تند رو سپاه با سه فروند هلی کوپتر پیشرفته آمریکا درگیر شده، یکی از آنها را هدف موشک استیونگر قرار داده و سرنگون کردند. (۷)

درگیری ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ با اینکه نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران تنها توانست ۳ دقیقه در صحنه نبرد (نه در خود نبرد) حضور داشته باشد، و در حدود ۸ دقیقه توانست مقاومت کند، در مقابل نیروی دریایی سپاه با پنج فروند قایق عاشورا و با اتکا به ایمن نیروهای شهادت طلب خود نزدیک به ۶ ساعت در مواجهه مستقیم با هواپیما ها، هلی کوپترها و ناوهای آمریکایی ایستادگی کرد. در این درگیری که ساعت ۲۰:۰۰ شروع شد و تا ساعت ۴ بعد از ظهر ادامه داشت، یک نفر از نیروهای خودی شهید، یک نفر مفقود و به یکی از قایقها خساراتی وارد شد* جالب توجه آنکه در این نبرد نابرابری از هلی کوپترهای غول پیکر آمریکا مورد هدف قرار گرفت و سرنگون شد و یک یدک کش آمریکایی نیز آسیب دید. طی این حملات آمریکایی ها چنان مستاصل شدند که مجبور شدند ایران را تهدید به حمله نظامی کنند. (۸) از نیروی دریایی ارتش نیز دو فروند ناو چند

* «در این روز پنج فروند هواپیمای نیروی هوایی از پایگاه بندرعباس به پرواز درآمدند و یکی از آنها که فرماندهی مأموریت را به عهده داشت، مورد حمله یک هواپیمای اف ۱۴ آمریکایی قرار گرفت که با توجه به نزدیک بودن فرودگاه این هواپیما سالم به زمین نشست و چهار فروند دیگر نیز بدون اینکه بتوانند کاری بکنند به محل خود برگشتند آنها اعلام کردند: «که مانده فرمانده داشتیم و نه رادار، نه ارتباط نه بی سیم، هیچ چیز نداشتیم» آنها عین یک آدم کور دور زدند و نشستند»

صد میلیون دلاری به نامهای سه‌نند و جوشن بلافاصله مورد حمله قرار گرفته و غرق شدند. نیروی دریایی سپاه علاوه بر بکارگیری موفقیت آمیز قایقهای تندرو در مقابله با نلوگان آمریکا و اجرای سیاست مقابله به مثل در حمله به کشتی های متحدین عراق، از آنها در عملیات مین ریزی با کرایبی بسیار بالا استفاده کرد. اولین مین ریزی در ۲۶ فروردین ۶۶ در رودی بندر الاحمدی کویت انجام گرفت و در روزهای بعد با توجه به شرایط زمانی از این وسیله به خوبی استفاده شد. در سومین روز از حرکت نخستین کاروان نفتکش های کویت که محتمل بود با عبور تحت اسکورت، با تبلیغات گسترده آمریکا اقدام موفق پاسداران انقلاب را تخطئه کند، مین ها ریخته شده در دریاسینه نفتکش بریجتون را شکافت بدون اینکه آمریکا بتواند دست به اقدامات تلافی جویانه بزند و از حیثیت خود دفاع کند (۹)

در این اثنا کشتی ایران اجرم‌تعلق به نیروی دریایی ارتش نه تنها موفقیتی کسب نکرد بلکه عاملی شد برای تبلیغات منفی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران که در بدترین شرایط، آمریکا از آن استفاده کرد* سومین سلاح نیروی دریایی سپاه در اجرای سیاست مقابله به مثل موشک های کرم ابریشم بود که در مقایسه با موشک های مورد استفاده نیروی دریایی ارتش مثل اورلیکن و ماوریک از کارایی بسیار بالایی برخوردار بودند. این موشک ها جود در ساحل مستقر می شدند، تا حدود زیادی از حملات دشمن مصون بودند. و در صورت اصابت به هدف خسارت های و تلفات سنگینی به بار می آوردند. علاوه بر اثرات بازدارنده استقرار موشک های کرم ابریشم در سواحل خلیج فارس و تنگه هرمز که در عملکرد و اظهارات نیروهای آمریکایی آشکار بود (۱۰) نیروی دریایی سپاه در موارد متعددی از آنها استفاده کرد و نفتکشهای کوبیتی و آمریکایی را در سواحل کویت مورد حمله قرار داد که نفتکش؛ سانگاری؛ سی ایل سیتی؛ در ۲۳ و ۲۴ مهر ماه ۱۳۶۶ در ساحل بندر الاحمدی مورد اصابت قرار گرفتند و بشدت آسیب دیدند. درست بعد از اینکه آمریکا سکوهای رسالت و رشادت ایران را مورد حمله قرارداد باردیگر نیروی دریایی سپاه وارد صحنه شد و در حالیکه امکان مقابله به مثل و راهپای آن بسیار محدود و مخاطره آمیز بود با موشک کرم ابریشم اسکله الاحمدی را هدف قرار داد و یکی از پایانه

* در چهل و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد که رییس جمهور ایران در آن سخنرانی داشت آمریکا از این موضوع برای تحت الشعاع قرار دادن اثرات آن استفاده کرد.

های آنرا از کار انداخت. در طول چند سال آخر جنگ بطور مکرر اتفاق افتاد که عراق پس از پرتاب موشک کرم ابریشم مجبور شد حملات هوایی خود را علیه کشتی ها در خلیج فارس متوقف سازد.

انجام عملیات تعرضی علیه جزایر و سواحل دشمن

نیروی دریایی سپاه در طول مدت حضور خود در خلیج فارس علاوه بر ماموریت هایی که ذکر شد و عملیات در دریا تدارک دید که یکی از آنها عملیات کربلای ۳ و دیگری عملیات خفجی بود. عملیات کربلای ۳ در تاریخ ۱۳۶۵/۶/۱۱ یعنی قبل از اجرای سیاست مقابله به مثل از سوی سپاه به منظور انهدام سکوهای البکرو العمیه عراق انجام شد که نیروهای عمل کننده توانستند اسکله العمیه را در یک عملیات منحصر به فرد به تصرف در آورده و آنرا منهدم نمایند.

همچنین نیروی دریایی سپاه در راستای برقراری امنیت دریایی و حفاظت از قلمرو آبی جمهوری اسلامی ایران و پاسخ به اقدامات عربستان در حمایت از عراق و بخصوص کشتار زائران خانه خدا عملیات خفجی را طراحی و تدارکات لازم را برای اجرای آن فراهم آورد. قایقهای تندرو در سطح گسترده ای در شمال خلیج فارس تجمع کرده و درصد حمله که منطقه بیطرف خفجی برآمدن از آنجا که این جزیره، از اهمیت بسزایی برخوردار بود و عربستان و کویت پس از استخراج نفت این منطقه و فروش آن مقدار قابل توجهی از درآمد آنرا به حساب رژیم عراق واریز می کردند. کشتی فرماندهی؛ لاسان؛ در خلیج فارس به مقابله با قایقهای تندرو برخاست و با انصراف از ادامه اسکورت نفتکشهای کویتی، به خاطر یک ماموریت مرموز و ناگهانی به شمال خلیج فارس اعزام شد. عربستان سعودی مجبور به اعلام آماده باش بالای نظامی شد، هواپیماهای این کشور در ارتفاع کم به پرواز درآمدند؛ کردزمن: از عملیات خفجی به عنوان روزی که ایران و آمریکا بطور گسترده در مقابل هم قرار گرفتند نام برده و نوشته است که «عربستان سعودی پس از مشورت با آمریکا هواپیماهای ۱۵-F-۱۵؛ ترادو؛ را برای مراقبت هوایی و کشتی ها به گشتزنی در منطقه مامور کرد و به ایران اعلام کرد که از طرح آن کشور مطلع هستند» قایقهای تندرو و پس از اینکه با دیواری از ناوهای آمریکا در سواحل عربستان روبرو شدند، از ادامه حرکت خودداری کرده و بدون درگیری به پایگاههای خود بازگشتند.

نتیجه گیری

بطورکلی نیروی دریایی سپاه و نیروی دریایی ارتش دوسازمان جداگانه ای هستند که دارای اصول آموزش متفاوت بوده، از نیروها، سلاح ها و تجهیزات مختلفی استفاده کرده، درعمل تاکتیک های متفاوتی را بکارگرفتند. نیروی دریایی به استثنای مقطع ابتدای جنگ که نیروی دریایی ارتش حدود سه سال مسئولیت اجرای سیاست مقابله به مثل را برعهده داشت و عراق فاقد توان رزمی کافی در دریا بود، درمشکل ترین و حساسترین برهه های جنگ دریایی وارد صحنه کارزارشدو با فرماندهان مبتکروسازمان انعطاف پذیرمرکب ازنیروهای مومن، برمحدودیت های تکنولوژیکی و تاکتیکی فائق آمدو با انجام ماموریت های کم هزینه و تحمیل خسارت های سنگین به دشمن، بن بست ایجاد شده را شکست و ابتکارعمل را درعرصه دریا به دست گرفت. این حضورقدرتمتلهانه تنها سیاست عراق و آمریکا را در مسدود کردن صادرات نفت ایران با شکست روبرو ساخت بلکه درموقعی موجب شد حملات عراق و حضورآمریکا نتیجه معکوس به بار آورد و نفت ایران در سایه آرامش به وجودآمده به راحتی صادر شود

منابع و ماخذ

- ۱) مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ. هویزه آخرین گامهای اشغالگر، از مجموعۀ روزشمار جنگ. جلد چهارم (تهران مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۳) ص ۳۲۸
- ۲) سند شماره ۳۱۷۳۸ ن- پ. م. ت. ج. سیرتکونین و گسترش سازمان دریایی سپاه ۷۴/۹/۶ ص ۲۰. ۸
- ۳) سند شماره ۳۱۷۳۸ ن- پ. م. ت. ج. سیرتکونین و گسترش سازمان دریایی سپاه ۷۴/۱۰/۳ ص ۱۱
- ۴) همان ص ۱۰
- ۵) سند شماره ۳۱۷۳۸ پیشین، ص ۱۹-۱۸
- ۶) در مورد مناطق جنگی ایران و عراق و ابعاد حقوقی جنگ دریایی ر. ک به جمشید ممتاز حقوق جنگ دریایی و عملکرد عملکرد جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ ایران و عراق ترجمه حسین شریفی طرازکوهی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ش ۳۲ (تیر ۱۳۷۳) ص ۲۶-۳
- ۷) برای مطالعه بیشتر ر. ک. به: همان
- ۸) سند شماره ۳۱۳۷۹ پ ن. م. ت. ج. سیرتکونین و گسترش سازمان دریایی سپاه ۷۴/۹/۱۳ ص ۱۸-۱۶
- ۹) برای مطالعه بیشتر ر. ک. به: سند شماره ۳۱۸۴۱ م. ت. ج. اگر من بودم میزدم. نیروی دریایی سپاه (۱۰) به تهدیدات پنجگانه ایران علیه کاروان کشتی های آمریکا در خلیج فارس توجه شود. ر. ک. به همان

عملیات نصر (هویزه) ۱۳۵۹/۱۰/۱۵

خواهر ف. آهنگرزاده*

مقدمه

در جریان تجاوز به میهن اسلامی و تهاجم اولیه رژیم بعثی عراق، دشمن دوبار قصد تصرف سوسنگرد را کرد. در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۶ عراق موفق شد سوسنگرد را به اشغال خود در آورد و سپس دو روز بعد با عبور از کرخه کور، به جنوب جاده حمیدیه- و سنگرد را به اشغال خود در آورد و سپس دو روز بعد با عبور از کرخه کور، به جنوب جاده حمیدیه- سوسنگرد دست یافت. جاده حمیدیه- سوسنگرد دارای موقعیت خاصی است که تسلط بر آن در هر قسمت تهدیدی برای اهواز محسوب می شد. ضمن آنکه با بسته شدن جاده حمیدیه - سوسنگرد، مسلما سوسنگرد در محاصره قرار می گرفت. در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۲۴ بار دیگر یگانهای دشمن از جوانب مختلف، شهر را در محاصره و مورد هجوم قرار دادند. سپاه سوسنگرد و گروهی از ستاد جنگ های نامنظم شهید چمران با عناصری از ارتش و ژاندارمری در شهر مقاومت می کردند. در ۱۳۵۹/۸/۲۶ پس از ۴۸ ساعت مقاومت، نیروهای محاصره شده با عملیاتی که نیروهای خودی از منطقه گلپهار و میشداغ صورت دادند، ابوحمیظه و سجانیه آزاد شد و شهر سوسنگرد از محاصره بیرون آمد. شکست محاصره سوسنگرد، در وضعیت این جبهه تاثیر بسیار زیادی داشت، زیرا موفقیت دشمن در این منطقه، تهدید حمیدیه و سپس اهواز، به شمار می رفت.

* در شماره ۱۶ این فصلنامه، مقاله ای تحت عنوان: بررسی اجمالی دو جنبه از علل آغاز جنگ تحمیلی؛ به چاپ رسید که به اشتباه نام ویسنده آن خواهر آهنگرزاده ذکر شده بود. لذا ضمن پوزش فراوان از برادران ارجمند آقای محمد درودیان (نویسنده آن مقاله) به اطلاع می رساند نام نویسنده آن مقاله با مقاله حاضر سهوا جابجا شده بود.

پس از این حادثه، ارتش عراق حالت دفاعی به خود گرفت و به ایجاد مواضع پرداخت، اما از خط پدافندی مستحکمی برخوردار نبود. زمین منطقه، دشمن را تجزیه کرده بود. دشمن با وعقبه دور از یکدیگر در این منطقه حضور داشت. تیپ ۳۵ زرهی از لشکر ۹ با استفاده از عقبه چزابه، در منطقه تپه های الله اکبر و کرخه کور مستقر گردیده بود. بین دویگان دشمن الحاقی وجود نداشت. عملیات ۱۳۵۹/۸/۲۶ که به شکست محاصره سوسنگرد انجامیده بود، تلاش دشمن برای الحاق دویگان ۳۵ و ۴۳ زرهی را در کنار رودخانه مالکیه ناکام گذارده بود. لذا جنوب سوسنگرد و شهر هویزه و پاسگاههای ظبر، شط علی و در هور در اختیار نیروهای خودی بود. سپاه هویزه به فرماندهی شهید علم الهدی در شهر حضور داشت و پاسگاههای هور توسط ژاندارمری و گشت سپاه حفاظت می شد (۱) موفقیت های رزمندگان که فاقد تجهیزات لازم بودند، این توقع را بوجود آورده بود که ارتش می بایست از امکانات خود بهره گیرد و علیه دشمن عملیات کند.

سکون و رکود در جبهه ها برای مسئولین نظام و مردم قابل توجیه نبود. در پی فشارهایی که از سوی مردم، علما و مقامات کشوری بر مسئولین نظامی و فرماندهان ارتش برای شروع تهاجم وارد می آمد آنها برنامه ای را بدین منظور تدارک دیدند. (۲)

بنی صدر طی جلسه ای در ۲۶ آذرماه ۱۳۵۹ در قرارگاه عملیاتی جنوب، از فرمانده نیروی زمینی ارتش خواست به هر نحو ممکن طرحی آفندی تهیه و اجرا کند و تاکید کرد که:

«من دیگر در مقابل نظرات و خواسته های مردم و رهبران مذهبی مقاومت ندارم، یا باید طرحی تهیه و اجرا کنید، یا اینکه بروید و در رسانه های گروهی صریحا علت عدم امکان اجرای عملیات آفندی را برای مردم توضیح دهید» (۳).

وضعیت جبهه ها هنوز حالت رکود داشت و بجز تک های محدود که اکثرا توسط سپاه انجام می شد اقدامات ارتش به اجرای آتش دور برد محدود شده بود. عراق نیز به اجرای آتش توپخانه بسنده می کرد. عدم تحرک نیروهای دشمن، فرصت مناسبی برای طرح ریزی و انجام حملات انهدامی جهت رفع تجاوز دشمن به دست می داد. از آنجا که مدیران آن روز جنگ فاقد درک شرایط و برنامه ریزی مناسب بودند از این فرصت بهره برداری مطلوبی به عمل نیامد. در تاریخ ۱۰/۴/۱۰

۱۳۵۹ طی یک شبیخون در غرب سوسنگرد، نیروهای سپاه حدود ۱۱ تانک عراقی را منهدم کردند. بدنبال این حمله، توپخانه عراق به طور بی سابقه، مدت ۲ ساعت، ۹۰ گلوله توپ روی شهر اهواز ریخت که تلفات زیادی به بار آورد (۴).

خسارات ناشی از گلوله باران دشمن، سبب افزایش موج اعتراضات مردم و ائمه جمعه و مسئولین شهر شد. بنی صدر بارها و عده عملیات داده بود و مردم از وی و ارتش متوقع بودند. لذا جلسه ای در ستاد لشکر ۹۲ زرهی تحت فرماندهی بنی صدر با حضور رئیس ستاد مشترک ارتش، فرمانده و معاون لشکر ۱۶ زرهی، فرمانده نیروی هوایی و فرمانده هوانیروز منطقه، عناصر اصلی قرارگاه مقدم سپاه در جنوب تشکیل شد و کلیات طرح عملیات مورد بحث قرار گرفت. متعاقب تصویب طرح به لشکر ۱۶ زرهی قزوین ابلاغ شد که از دزفول به سمت غرب اهوز تغییر مکان دهد. (۵).

اهداف عملیات

بر اساس طرح تهیه شده، در مراحل مختلف عملیات قرار بود، ابتدا شمال و جنوب کرخه کور پاکسازی شود و پادگان حمید و منطقه جفیر نیز آزاد شده، سپس طلائی و کوشک در جنوب منطقه عملیاتی و بعد از آن خرمشهر آزاد گردد و نیروها پس از آزاد سازی کل منطقه خوزستان بنا به دستور، دشمن را در حد فاصل کوشک- شلمچه در خاک عراق، تا ارون رود تعقیب کرده، با پاکسازی منطقه عمومی شرق بصره در کنار این رود استقرار یابند. (۶)

وضعیت عمومی منطقه عملیات

منطقه جغرافیایی که در مرحله اول عملیات مورد نظر بود غرب اهواز و جنوب سوسنگرد را شامل می شد. این منطقه از طرف شمال به شاخه شرقی- غربی رودخانه کرخه، از شرق به رودخانه کارون بین کوت بدالله تا آبادی فارسیات و از مغرب جاده هویزه به یزدنو و از جنوب به پادگان حمید و جفیر محدود می شود. (۷)

در جنوب غربی حمیدیه. رودخانه کرخه نور از کرخه منشعب می گردد. ابتدا به سمت جنوب

و سپس در نزدیکی روستای بنی تمیم به سمت غرب تغییرمسیر داد. به موازات کرخه پس از عبور از هویزه به هورالعظیم می ریزد. به علت لایروبی های سالیانه و ریختن گل و لای این رودخانه در دو طرف آن عارضه مرتفعی از هویزه تا آبادی اژدک پدید آمد که در زمینهای هموار و مسطح جنوب دارای ارزش نظامی است.

انشعابات کرخه و کرخه کور در مواضع بارندگیهای شدید، سبب آب گرفتگی زمینهای اطراف می شود که می تواند برای حرکت نیروها محدودیت ایجاد کند.

زمین منطقه به گونه ای است که در مواقع خشکی بسیار نرم و در هنگام بارندگیهای شدید و طغیان رودخانه ها با باتلاقی و یا به صورت گل چسبیده ای درمی آید که حرکت افراد و یا خودروها راتنها به جاده محدود می سازد.

بعلت فقدان عوارض طبیعی و همواربودن زمین، ایجاد عوارض مصنوعی در هنگام عملیات پدافندی یا آفندی و استفاده از وسایل سنگین مهندسی جهت ایجاد خاکریز یا حفرکانال ضرورت می یافت. (۸)

موقعیت نظامی منطقه عملیات

درمرحله اول عملیات، رودخانه کرخه کور در قلب منطقه عملیاتی واقع شده بود و نیروهای دشمن قسمتی از کرانه شمالی و جنوبی را در اشغال داشتند. پادگان حمید که هدف نهایی مرحله اول محسوب می شد در جنوب شرقی این منطقه قرار داشت. برای رسیدن به این اهداف و تامین آن، انجام عملیات در امتداد جاده اهواز- خرمشهر به دلیل وجود مواضع مستحکم دشمن، امکان پذیر نبود. یگانهایی از لشکر ۵ و ۹ عراق در این مواضع مستقر بودند.

دشمن به دوطرف آرایش داشت. در منطقه کرخه کور آرایش دشمن به سمت شمال و در غرب کارون آرایش به سمت شرق بود در منطقه شمال غربی هویزه و جنوب غربی آن بین نیروهای دشمن الحاق و جود نداشت. به طوری که هویزه و بخشهایی از هورالعظیم همچنان در اختیار نیروهای خودی بود عقبه یگانهایی که در شمال کرخه نور مستقر بودند، جنوب آن رودخانه بود و این نقطه آسیب پذیری دشمن به حساب می آمد.

طرح مانور و سازمان رزم

در طرح ریزی عملیات و مرحله بندی آن، چند مرحله پیش بینی شده بود. در مرحله اول باید جفیروپادگان حمید آزاد می گشت و سپس در مراحل بعدی، عملیات تا آزاد سازی خرمشهر و تنومه عراق ادامه می یافت.

در طرح ریزی مرحله اول عملیات، پیش بینی شده بود که با دو تلاش و در دو جبهه شمال و شرقی به دشمن تک شود. در شمال منطقه دو فلش در نظر گرفته شده بود. یک فلش از منطقه سایت واقع در جنوب جاده حمیدیه - سوسنگرد، از شمال به جنوب به سمت کرخه کور و فلش دیگر از هویزه به جنوب کرخه کور در نظر گرفته شده بود. در شرق کارون نیز، عملیات عبور از کارون و تک از شرق به غرب طرح بود. این فلش در شروع حمله نقش پشتیبانی منطقه شمالی را داشت ولی در ادامه عملیات و تصرف پادگان حمید نقش مهمی برای آن منظور شده بود.

در جبهه شمالی نیروهای تک کننده در جنوب کرخه کور با یکدیگر الحاق می کردند و سپس تک را از منطقه جفیرا ادامه می دادند، در جبهه شرقی، نیروهای تک کننده از فارسیت به عبویه تک کرده و سپس تک را به سمت پادگان حمید ادامه می دادند. در مرحله بعدی بین پادگان حمید و منطقه جفیرا الحاق صورت می گرفت و با تثبیت مواضع خود برد پادگان حمید، مرحله اول عملیات پایان می یافت. با توجه به میزان هوشیاری دشمن در خط که هر روز از اوایل صبح تا ساعت ۸ در آماده باش کامل به سر می بردند و سپس به استراحت می پرداختند، لذا ساعت ۱۰ صبح به عنوان ساعت (س) مشخص گردید و ۱۵ دی ماه مطابق با ۲۸ صفر روز رحلت پیغمبر اکرم (ص) به عنوان روز (ر) تعیین شد.

در این عملیات که فرماندهی آن را شهید فلاحی ریاست ستاد مشترک ارتش به عهده داشت، از ارتش تیپ ۱ و ۳ از لشکر ۶ از رهی قزوین و تیپ ۲ از لشکر ۹۲ از رهی اهواز شرکت داشتند. از سپاه نیز نیروهایی از هویزه، حمیدیه و سوسنگرد به استعداد ۳ گردان ۱۵۰ نفری شرکت داشتند. نیروهای ارتش زرهی و نیروهای سپاه پیاده بودند، سپاههای سوسنگرد و هویزه (که در سازمان خود نیروهایی از دانشجویان پیرو خط امام را جای داده بودند) به فرماندهی شهید علم الهدی (فرمانده سپاه هویزه) به همراه تیپ ۱ لشکر ۱۶ (که فرماندهی محور را نیز بعهده داشت) از هویزه به جنوب کرخه کور تک می کردند. سپاه حمیدیه به فرماندهی برادر مفقود

الثرعلی هاشمی (فرماندهی محور را نیزبعده داشت) از منطقه سایت و سعلون حمودی به سمت کرخه کور تک می کردند. در محورفارسیات نیزگروهان هایی از سپاه، فی الجمله سپاه شیراز و نیروهای ستاد جنگ های نامنظم (شهید چمران) تحت فرماندهی تیپ ۲ لشکر ۹۲ وارد عمل می شدند.

شرح عملیات

دوشنبه ۱۳۵۹/۱۰/۱۵

عملیات بعد از ۱۵ دقیقه آتش تهیه راس ساعت ۱۰ صبح طی یک تک هماهنگ شده از آغازشد (۹) نیروهای پیاده سپاه پیشاپیش عملیات و نیروهای زرهی به پشتیبانی آنان حرکت می کردند. سپاه حمیدیه حرکت خود را از منطقه ابوحمیظه آغاز کرد و سپاه سوسنگرد از هویزه به سمت جنوب کرخه کور پیشروی می کرد (۱۰)

یک ساعت پس از شروع تک نیروهای دشمن که در جنوب غربی سوسنگرد مستقر بودند، عقبه نیروهای خودی در محور هویزه - جنوب کرخه کور را زیر آتش قرار دادند. ولی از سوی نیروهایی که در جنوب کرخه کور مستقر بودند، عکس العمل قابل توجهی دیده نشد.

زیرا نیروهایی که از سمت هویزه حرکت می کردند از خلل موجود در مواضع دشمن سود برده و به عقبه دشمن دست یافته بودند. با حضور نیروهای مزبور در جنوب کرخه کور، توپخانه و زرهی دشمن که در ۲ کیلومتری جنوب کرخه مستقر بودند سقوط کرد و تیپ ۳ از لشکر ۹۲ کاملاً محاصره شد. با سقوط عقبه دشمن، سازمان تیپ ۴۳ از هم پاشید و پل های روی کرخه کور سقوط کرد لذا مواضع دشمن در شمال کرخه کور به سرعت فروپاشید و نیروهای تک کننده در محور سپاه حمیدیه به سرعت به کرخه کور رسیدند و از پلها عبور کردند تا به جنوب آن دست یافتند متعاقب موفقیت بزرگ نیروهای پیاده، نیروهای زرهی نیز بدون کمترین درگیری پیشروی کردند و در پشت نیروهای پیاده مستقر شدند (۱۱) نیروی خودی با ۲۰ کیلومتر پیشروی در عمق، در مدت ۶ ساعت، ۳۰ کیلومتر مربع از مناطق تحت اشغال را آزاد کرده بود. (۱۲) در این لحظه نیروهای دشمن غافلگیر شده و بالغ بر ۳۰۰۰ نفر از آنها برای خروج از محاصره تلاش می کردند، تا اینکه سرانجام با بر جای گذاشتن تسلیحات خود و به

اسارت در آمدن ۸۰۰ نفر مجبوره عقب نشینی شدند.

از سوی دیگر در فارسیات آتش تهیه اجرا و عملیات با ۲۰ دقیقه تاخیر یعنی ۱۰:۲۰ آغاز شد دو گردان از لشکر ۹۲ زرهی که قرار بود در ساعت ۱۰ از روی پل نصب شده روی کارون عبور کنند با سه ساعت تاخیر در حدود ساعت یک بعد از ظهر از کارون گذشتند (۱۳) ولی پس از برخورد با میدان مین و از کار افتادن سه تانک بر اثر برخورد با مین متوقف شدند. گروه رزمی دیگر از لشکر که از کرانه غربی کارون با محور ملیحان، عباویه به سمت غرب پیشروی خود را آغاز نموده بودند، حداکثر تا ۳۰۰ متری غرب رودخانه جلو رفتند که مورد هدف موشک های ضد تانک قرار گرفته، در غرب رودخانه متوقف شدند (۱۴).

بدین ترتیب مرحله اول عملیات در ساعت ۱۶ روز ۱۵ / ۱۰ / ۱۳۵۹ با پیروزی به پایان رسید و عراق با از دست دادن نفراتی به میزان یک تیپ زرهی و ۲ گردان پیاده هنوز خود را نیافته بود، لذا نیروهای خودی می توانستند از این فرصت بدست آمده استفاده کنند و ضمن تخلیه غنایم، مواضع خود را مستحکم سازند. که متأسفانه بدلیل عدم پیش بینی و ایجاد تمهیدات لازم برای تحقق امر فوق، گام موثری در این مسیر برداشته نشد.

سه شنبه ۱۳۵۹/۱۰/۶

مانوری که برای عبور کاروان، در روز اول عملیات در نظر گرفته شده بود، تأثیر مهمی در عملیات داشت که عدم موفقیت در آن محور، سبب نقص مانور خودی گردید ولی عقبه های دور دشمن دست نخورده باقی ماند (۱۵) عدم تعرض خودی به دو نقطه مزبور، فرماندهی لشکرهای دشمن را آسوده گذارده بود.

ادامه تک به سوی جفیر و پادگان حمید در روز دوم جزء طرح بود لیکن عدم موفقیت نیروهای خودی در گرفتن سرپل غرب کارون در روز اول، عملاً پیشروی از آن جناح به سوی پادگان حمید منتفی شد. لذا دشمن از آن جبهه با تهدیدی روبه رو نبود بلکه تنها پیشروی از کرخه کوربه سوی جفیر در دستور بود. بدین ترتیب عملیات در ساعت ۸ بامداد روز دوم آغاز شد. (۱۲)

در آغاز روز با احداث سنگر تانک، چهار دستگاه تانک به پشتیبانی عملیات مستقر بودند. برادر حسین علم الهدی که فرماندهی نیروهای پیاده را در این محور برعهده داشت، معتقد بود، نیروهای تحت امرش، باید پیشاپیش حرکت کنند، تانیروهای ارتش انگیزه بیشتری برای پیشروی پیداکنند. جاده جفیر محور عملیات بود. نیروهای سپاه دزفول از سمت راست جاده و نیروهای سپاه هویزه و اهواز از سمت چپ جاده حرکت می کردند. (۱۷)

دشمن شبانه نیروهای خود را وارد منطقه کرده و درمقابل خودی درام الغفاری و ام الفصیح مستقرشده، همچنین دو گردان تانک غزه و طارق دشمن در غرب جاده جفیر مستقر شده بودند حرکت نیروهای پیاده آغازشد و ۴ تانک مستقر در خط اول، به خوبی از حرکت نیروهای پیاده حمایت می کردند (۱۸) در ساعت ۸:۳۰ بامداد درحالیکه نیروهای خودی تنها ۵۰۰ متری پیشروی کرده بودند، درگیری با آتش دور دشمن و کالیبر ۵۰ آغازشد و متقابلاً رزمندگان خودی به اقدام دشمن پاسخ می دادند (۱۹) آتش دشمن که با حملات هوایی پشتیبانی می شد تا پیش از ظهر، پیشروی نیروهای خود را متوقف کرد (۲۰) ولی علیرغم توقف حرکت خودی، برتری آتش تا ظهر با ما بود (۲۱) حدود ساعت ۱۲ که پشتیبانی تانکهای خودی در خط به جهت کمبود مهمات متوقف شد تانکها به عقب برگشتند. بین نیروهای پیاده و زرهی ۱۵۰۰ متر فاصله بود. نیروهای پیاده در سمت جاده و در پشت آن سنگر گرفته بودند و بعضاً به دنبال فرمانده شان خود را به مواضع دشمن نزدیک می کردند. حدود ساعت ۱۳ برادر برادر علم الهدی طی اندک زمانی، یک قبضه آرمیجی ۷ از عقب به خط منتقل کرد. با حضور مجدد علم الهدی در خط تعدادی از نیروهای سپاه به پیشروی خود ادامه دادند و در پشت دو تپه از خاک به ارتفاع ۸۰ سانتی متر، مستقر شدند تعدادی از نیروها پشت تپه مزبور بقیه به همراه ۲ دیده بان توپخانه ارتش (که آنان نیز از عقب نشینی بیخبر بودند) در پشت جاده سنگر گرفته بودند و نیروهای دشمن به استعداد ۶۰ تانک در برابر آنان آرایش گرفته بودند. این درحالی بود که یگانهای زرهی خودی مهماتشان تمام شده بود. برای ادامه عملیات مهمات کافی برآورد و تامین نشده بود. لذا در ساعت ۱۳ از سوی تیمسار فلاحی دستور داده شد تا از اهواز مهمات آورده شود. ولی در طول مسافت امکان تامین سریع مهمات را غیر ممکن می ساخت. (۲۲) در ساعت ۱۴ هواپیماهای دشمن عقبه لشکر ۱۶ را بمباران کردند. یک ساعت بعد هواپیماهای خودی

وارد منطقه شدند، لیکن به جهت عدم اطلاعات کافی مواضع خودی را بمباران کردند (۲۳) از سوی دیگر نیروهای زرهی دشمن از سمت راست به مواضع خودی نزدیک شده بودند و تعدادی از تانکهای خودی هدف گلوله تانک دشمن قرار گرفته بود در ساعت ۱۶ از فرماندهی تیپ ۱، دستور را دریافت کرده و یک خبر عقب نشینی را آغاز کرد. بقیه یگانهای زرهی با مشاهده عقب نشینی یگانهای جلوبه تصور آنکه دستور عقب نشینی کامل صادر شده است، شروع به عقب نشینی کردند (۲۴) در صورتی که عملاً یک خیز عقب نشینی بیش از ۳ کیلومتر نخواهد بود، آنان ۳۰ کیلومتر عقب نشستند این وضعیت که حاکی راشکسته شدن روحیه مقاومت بود، سبب از هم پاشیدن سازمان تیپ ۱ شد به طوری که عده زیادی به جای عقب نشینی، قصد فرار کردند، گرد و خاک وسیعی منطقه را فراگرفت و تعدادی از خدمه های تانک، تانک ها را روشن رها کرده متواری شدند (۲۵)

گرد و غبار حاصل از عقب نشینی تانک های خودی، سبب حساسیت بی سیم چی نیروهای در خط شد. بی سیم چی که از عقب نشینی خبر نداشت، طی تماس با عقبه، مساله را جویا شد، لیکن باز مساله عقب نشینی با آنان منتقل نشد، بلکه به و ی ابلاغ شد، نیروها در حال تغییر مواضع می باشند دقایقی پس از این ارتباط تماس نیروهای در خط با عقبه قطع شد. (۲۶) این در شرایطی بود که ۱۵۰ نفر از نیروهای سپاه بدون ارتباط با عقب در حال نبرد بودند و دشمن با اتکا به زرهی از سمت راست رویه رو حمله می کرد ساعت ۱۶ تانکهای دشمن به سمت تپه های مزبور حرکت کردند. جمع گلوله های آریجی در پشت تپه از ۳۰ گلوله تجاوز نمی کرد. (۲۷) برادر علم الهدی افرادی که مجهز به آریجی ۷ نبودند را یک گام به عقب فرستاد و آنها به پشت جاده بازگشتند (۲۸). یک تانک پیشاپیش تانکهای دیگر در حرکت بود و به ۳۰ متری تپه مزبور رسیده بود که با شلیک دو گلوله آریجی ۷ (که گلوله دوم به دست علم الهدی شلیک شده بود) منهدم شد. سپس دو تانک دیگر دشمن هدف قرار گرفته و منهدم شدند، لذا بقیه تانکها از پیشروی باز ایستادند (۲۹) حرکت تانکها به منظور قطع جاده و محاصره کامل نیروها ادامه یافت. نیروهای پیاده که در پشت جاده سنگر گرفته بودند ناامیدانه به سمت تانکها شلیک می کردند. در حالی که گلوله های آریجی جی آنها تمام شده بود با تفنگ ژ-۳ به سمت تانکها تیراندازی می کردند. (۳۰) در کنار کانال کوچکی که حاشیه جاده بود

۵۳ شهید افتاده بود (۳۱) در حد فاصل جاده تا تپه ها نیز چند شهید افتاده بود. نیروهای پشت جاده اکثراً مجروح بودند و کمتر کسی می توانست منطقه را ترک کند، بجز مقداری علفزار، زمین منطقه فاقد پوشش بود و فاصله جاده تا خط دوم خودی حدود ۴۰۰ متر بود لذا تعدادی از نیروهایی که سالم مانده بودند و بعضی از مجروحان که پایشان سالم بود و رمقی برای عقب رفتن به طور نیم خیز و سینه خیز داشتند با دشواری از محاصره خارج شدند تعدادی از آنها در بین راه شهید شدند و تنها ۱۰ نفر از آنان به پشت جبهه رسیدند. (۳۲).

به عبارت دیگر از ۱۵۰ رزمنده سپاه ۴۰ نفر شهید گردیدند (۳۳) از تعداد شهدای ارتش نیز آماری در دست نیست ولی تیپ ۱ لشکر ۱۶ به طور اساسی صدمه دید و نزدیک به ۱۰۰ تانک خودی منهدم شد و یا در منطقه جاماند. به هنگام شب، فرماندهی عملیات برای بررسی اوضاع و انتقال امکانات بجا مانده، به عقب، کوشش کرد. لیکن از هم پاشیدگی سازمان یگانهای مزبور و عدم اطلاع از چگونگی استقرار آنها، قدرت تصمیم گیری را از تیمسار فلاحی سلب کرده بود (۳۴)

چهارشنبه ۱۳۵۹/۱۰/۱۷

در این روز قبل از ساعت ۹ صبح میدان نبرد نسبتاً آرام بود (۳۵) و نیروهای خودی که تا ۵۰۰ متری جنوب کرخه کور پیشروی کرده بودند، با در اختیار داشتن پلهای حمودی فروس و حیانیه در منطقه متصرفه استقرار داشتند. (۳۶) با این وجود جبهه و وضعیت آشفته ای داشت. بطوریکه علاوه بر تانکها و نفربرهای خودی بجای مانده، کلیه غنائم بدست آمده از دشمن در روز گذشته توسط نیروهای خودی تخلیه شده بود بدون سنگر زیر آتش توپخانه دشمن قرار داشت. (۳۷)

تا اینکه در ساعت ۹ صبح نیروهای دشمن از اوضاع نامساعد این جبهه استفاده نموده و با پشتیبانی توپخانه به سمت مواضع خودی به حرکت درآمدند (۳۸) نیروهای خودی و بیش از همه تیپ ۳ در منطقه جنوب شرقی کرخه کور زیر آتش شدید توپخانه های دشمن قرار گرفته (۳۹) مرتب تقاضای کمک می کرد (۴۰) همچنین غنائم و تجهیزات بجای مانده در منطقه بدنبال اجرای آتش وسیع دشمن به تدریج منهدم گردید (۴۱)

فشار دشمن از ساعت ۱۴ تشدید شد و نیروهای عراقی تلاش کردند تا به هر قیمتی شده مواضع

از دست داده قبل را باز پس بگیرند. این فشار بیشتر متوجه نیروهای خودی در جنوب کرخه کور بود، که توپخانه دشمن مواضع این نیروها را بشدت زیر آتش گرفته بود.

با وجود تلفات و خسارات وارده، نیروهای خودی به مقاومت خود ادامه دادند. قرارگاه مقدم نیروی زمینی به لشکر ۱۶ زرهی دستور داد تا به شمال کرخه کور تغییر موضع دهد و یگانها را در پشت تل‌های خاکی که در اثر لایروبی نهر ریختن گل و لای در کرانه رود خانه ایجاد شده بود مستقر نماید. این وضعیت تا حوالی شب ادامه داشت تا اینکه با آغاز تاریکی شب آرامش نسبی میان نیروهای درگیر برقرار شد (۴۲).

در پی انهدام اولین تیپ زرهی ایران که در روز گذشته طی درگیری شدیدی صورت گرفت، در روز هفتم ژانویه (۱۳۵۹/۱۰/۱۷) دومین تیپ زرهی ایران نیز گرفتار شد و بشدت صدمه دید. زمین منطقه بر اثر گل و لای و تردد تانکها بسیار ناهموار شده بود. همزمان با جنگ تانک‌ها، هواپیماها و هلی‌کوپترهای دو طرف بر آسمان صحنه نبرد ظاهر شدند، اما به قدری صحنه نبرد درهم شده بود که هیچیک از طرفین قادر نبودند بطور مؤثر دخالت کنند و تعدادی از هلی‌کوپترها نیز ساقط شدند (۴۳).

پنج‌شنبه ۱۳۵۹/۱۰/۱۸

در جنوب کرخه کور، نیروهای خودی همچنان در وضعیت نابسامانی و در معرض آسیب هستند (۴۴) با وجود یگانهایی از تیپ ۳ لشکر ۱۶ زرهی هنوز به شمال کرخه کور تغییر موضع نداده بودند، در نتیجه در این روز هنوز در جنوب کرخه کور با دشمن درگیر بودند. (۴۵)

اجاری آتش سنگین توپخانه دشمن بر این منطقه، به نیروهای عمل‌کننده مستقر در جنوب کرخه کور ضایعات و تلفاتی وارد آورد. فاصله خط تماس رزمندگان اسلام با دشمن حدود چند کیلومتر بود با این حال آتش شدید توپخانه دشمن روی نیروهای خودی پخش شایعه احتمال افتادن در تله محاصره دشمن سبب شد آنها حوالی ساعت ۷-۶:۳۰ بعد از ظهر اقدام به عقب‌نشینی تانکها و نفربرهای زرهی تیپ ۳ که در تاریکی شب با چراغهای روشن صورت می‌گرفت، بسیار چشمگیر بود. نیروهای تیپ ۳ به سرعت در حال ترک منطقه جنوب کرخه کور و عبور از رودخانه بودند که خود را به مواضع شمالی کرخه کور برسانند.

علیرغم این وضعیت، نیروهای سپاه مستقر در جنوب کرخه کور که تا حدود ۳ ساعت بعد از عقب نشینی ارتش هنوز در منطقه مستقر بودند هیچ اثری از حرکت دشمن، که حاکی از محاصره نیروهای خودی باشد، مشاهده نکردند، در نتیجه این شتابزدگی نیروهای زرهی ارتش جنوب رودخانه کرخه کور از نیروهای خودی خالی شد. (۴۶)

با عقب نشینی لشکر ۱۶ زرهی به شمال کرخه کور، تلاش دشمن برای رسیدن به کرانه جنوبی تشدید و دشمن مصمم تر شد تا نیروهای باقی مانده در جنوب کرخه کور را عقب رانده یا منهدم کند. (۴۷) از این رو با تشدید آتش سنگینی، نیروهای خودی را تحت فشار قرار داد. نیروهای سپاه که اوضاع را چنین دیدند تصمیم گرفتند بمنظور کند کردن حرکت دشمن و مقابله نهایی با آنها پل دشمن که در حمودی فردوس روی کرخه کور زده شده بود را منهدم کنند و در شمال کرخه کور مستقر شوند. (۴۸) با شروع تاریکی شب، نیروهای دشمن که تا کرانه شمالی کرخه کور پیشروی کرده بودند، عملیات خود را متوقف کردند و در همان مواضعی که قبل از عملیات نصر در اطراف آبادی سعلون حمادی اشغال کرده بودند مستقر شدند و از حدود حوالی نیمه شب آرامش نسبی در میدان نبرد برقرار شد بدین ترتیب در پایان روز ۱۸/۱۰/۱۳۵۹ بعد از ۴ روز نبرد، منطقه نبرد حمیدیه - سوسنگرد به وضعیت قبل از آغاز آن برگشت. (۴۹)

نتایج عملیات

روز اول

- ۱- پیشروی در حدود ۳۰ کیلومتر در محور کرخه کور - شرق هویزه: (۵۰)
- ۲- عقب راندن دشمن از کرانه های شمال کرخه کور
- ۳- به اسارت در آوردن حدود ۸۰۰ نفر از قوای دشمن
- ۴- کشته و زخمی شدن نزدیک به ۱۰۰۰ نفر از قوای دشمن (۵۱)

روز دوم

- ۱- عقب نشینی کامل نیروهای خودی در محورتیپ ۱ لشکر ۱۶ به شمال کرخه کور (۵۲)
- ۲- به شهادت رسیدن بیش از ۱۴۰ تن از نیروهای سپاه (۵۳) و تعدادی از نیروهای ارتش

۳- از دست دادن نزدیک به ۱۰۰ دستگاه تانک خودی

۴- کشته و زخمی شدن تعدادی از نیروهای دشمن.

روز سوم و چهارم:

ادامه درگیری و اجرای آتش، همراه با عقب نشینی تیپ ۳ لشکر حمیدیه به شمال کرخه کور.

تلفات و ضایعات کلی دشمن:

۱- انهدام: چندین دستگاه تانک و نفربر، چندین دستگاه خودرو و سرنگونی ۳ فروند هلی

کوپتر دشمن.

۲- کشته و زخمی: بیش از ۱۰۰۰ نفر

۳- اسیر: ۸۰۰ نفر (۵۴).

منابع و ماخذ

- ۱- سرهنگ یعقوب حسینی و سرتیپ دوم مسعود بختیاری و سرهنگ محمد حسن لطفی، ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳، جلد ۲، صص ۱۰۱ و ۱۰۹.
- ۲- سند شماره ۲۵۱۸۰۰ واحد اطلاعات- عملیات سپاه ۱۳۵۹/۱۰/۱۸.
- ۳- ماخذ ۱. صص ۱۱۱.
- ۴- ماخذ ۲
- ۵- ماخذ ۱، صص ۱۱۲-۱۱۰- سرتیپ دوم نصرت الله معین وزیری و سرتیپ دوم بختیاری، ارتش جمهوری اسلامی ایران در ۸ سال جنگ تحمیلی، معاونت طرح و برنامه تزااج- مدیریت پژوهش و تحقیقات، اسفند ۱۳۷۱، صص ۴۴ و کتاب چهارم ارتش، صص ۵۳.
- ۶- سند مجموعه ای شماره ۴۴۸۲۹، لشکر ۹۲ زرهی، شرح عملیات نصر.
- ۷- ارتش جمهوری اسلامی در ۸ سال دفاع مقدس، جلد ۴ صص ۵۳ و پیشین.
- ۸- ماخذ ۱، صص ۶۷ الی ۶۹.
- ۹- سند شماره ۴۹۷۱۹ مورخه ۱۳۵۹/۱۰/۱۶
- ۱۰- ماخذ ۲
- ۱۱- ماخذ ۱، صص ۱۲۰ و اسناد شماره ۰۰۲۵۱۸ و ۰۰۲۵۵۷ بولتن خبری ۲۴ ساعته اطلاعات سپاه، ۱۳۵۹/۱۰/۱۸ و اظهارات سردار غلامپور در حاشیه گزارش عملیات نصر.
- ۱۲- سند شماره ۴۹۷۱۹ و نوار پیاده شده شماره ۳۳۰ علیرضا عندلیب.
- ۱۳- اسناد شماره ۰۰۲۵۱۸ و ۰۴۹۷۱۹
- ۱۴- سند شماره ۰۰۲۵۱۸ و ماخذ ۱ صص ۱۱۹
- ۱۵- کتاب پنجم روز شمار جنگ/ صص ۵۶۵/ ماخذ ۱/ اسناد شماره ۰۰۲۵۳۰ و ۰۳۲۶۵۹
- ۱۶- کتاب پنجم روز شمار جنگ/ صص ۵۶۵/ ماخذ ۲/ اسناد شماره ۰۰۲۵۹۳
- ۱۷- کتاب پنجم روز شمار جنگ/ صص ۵۶۵/ ماخذ ۳/ پیاده شده نوار.

- ۱۸- کتاب پنجم روزشمار جنگ/ قسمت ضمیمه/ص ۵۸۴/سند شماره ۰۸۳۰۹۷.
- ۱۹- کتاب پنجم روزشمار جنگ/ قسمت ضمیمه/ص / ۵۸۵/سند شماره ۰۸۳۰۹۷.
- ۲۰- کتاب پنجم روزشمار جنگ/ص/۵۶۶/ماخذ ۴/سند شماره ۰۰۲۵۱۸.
- ۲۱- کتاب پنجم روزشمار جنگ/ قسمت ضمیمه/ص / ۵۸۶/سند شماره ۰۸۳۰۹۷.
- ۲۲- کتاب پنجم روزشمار جنگ/ص/۵۶۹/ماخذ ۱۵/سند شماره ۰۸۳۰۹۷.
- ۲۳- کتاب پنجم روزشمار جنگ/ص/۵۶۹/ماخذ ۱۵/سند شماره ۰۸۳۰۹۷.
- ۲۴- کتاب پنجم روزشمار جنگ/ص/۵۶۷/ماخذ ۸/سند شماره ۰۰۲۵۱۸.
- ۲۵- کتاب پنجم روزشمار جنگ/ص/۵۶۹/ماخذ ۱۵/سند شماره ۰۰۲۵۱۸.
- ۲۶- کتاب پنجم روزشمار جنگ/ص/۵۶۸/ماخذ ۱۱/سند شماره ۰۰۲۵۲۹.
- ۲۷- کتاب پنجم روزشمار جنگ/ص/۵۶۸/ماخذ ۱۲/سند شماره ۳۳۱ پیاده شده نوار و ضمیمه/ص ۵۸۸/سند شماره ۳۳۱ پیاده شده نوار ضمیمه/ص ۵۸۸/سند شماره ۰۸۳۰۹۷.
- ۲۸- کتاب پنجم روزشمار جنگ/ قسمت ضمیمه/ص / ۵۸۶/سند شماره ۰۸۳۰۹۷.
- ۲۹- کتاب پنجم روزشمار جنگ/ص/۵۶۷/ماخذ ۱/سند شماره ۰۰۲۵۲۹.
- ۳۰- کتاب پنجم روزشمار جنگ/ قسمت ضمیمه/ص / ۵۸۸/سند شماره ۰۸۳۰۹۷.
- ۳۱- کتاب پنجم روزشمار جنگ/ص/۵۶۹/ماخذ ۱۱/سند شماره ۰۰۲۵۲۹.
- ۳۲- کتاب پنجم روزشمار جنگ/ص/۵۶۸/ماخذ ۱۲/سند شماره ۳۳۱ پیاده شده نوار ضمیمه/ص ۵۸۸/سند شماره ۰۸۳۰۹۷.
- ۳۳- کتاب پنجم روزشمار جنگ/ص/۵۶۹/ماخذ ۱۴
- روزنامه انقلاب اسلامی ۱۳/۱۱/۱۳۵۹/
- ۳۴- کتاب پنجم روزشمار جنگ/ص/۵۶۹/ماخذ ۱۵/سند شماره ۰۰۲۵۱۸.
- ۳۵- ماخذ، ص ۱۲۷
- ۳۶- سند شماره ۰۰۲۵۱۸، ۱۷/۱۰/۱۳۵۹
- ۳۷- سند شماره ۰۰۲۵۴۵، واحد اطلاعات عملیات سپاه ۱۸/۱۰/۱۳۵۹
- ۳۸- ماخذ ۱، ص ۱۲۷
- ۳۹- ماخذ ۳۷
- ۴۰- ماخذ ۳۶
- ۴۱- ماخذ ۳۷
- ۴۲- ماخذ ۱، ص ۱۱۲۸ الی ۱۲۹
- ۴۳- کتاب پنجم/ص/۶۰۰/ماخذ ۴/ ekgar balance the gulf war (crat britian brassags defence) ه jane ۱۹۸۱
- ۴۴- سند شماره ۰۰۲۵۱۰، گزارش برادر کریم پور فرمانده گردان عملیات سپاه.
- ۴۵- ماخذ ص ۱۳۰
- ۴۶- سند شماره ۰۰۲۵۱۰ و ماخذ شماره ۱ ص ۱۱۳۱ الی ۱۳۳.
- ۴۷- ماخذ شماره ۱ ص ۱۳۰.
- ۴۸- سند شماره ۰۰۲۵۵۷، بولتن خبری ۲۴ ساعته اطلاعات سپاه ۱۸/۱۰/۱۳۵۹
- ۴۹- ماخذ ۱، ص ۱۱۳۲ الی ۱۳۳
- ۵۰- سند شماره ۰۱۶۹۱ پیاده شده نوار.
- ۵۱- سند شماره ۰۰۴۹۷۱۹، ۱۶/۱۰/۱۳۵۹
- ۵۲- سند شماره ۰۰۲۵۱۶، ۱۸/۱۰/۱۳۵۹
- ۵۳- روزنامه انقلاب اسلامی ۱۳/۱۱/۱۳۵۹/ص ۱۳۵۹/ص ۱۲۰
- تیمسار فلاحی مورخه ۱۲/۱۱/۵۹/ص ۱۲۰
- ۵۴- سرتیپ دوم سیدعلی اشکان فر و سرتیپ دوم عبدالله هادیان، دفاع مقدس (نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال جنگ تحمیلی) معاونت طرح و برنامه نجا، مدیریت پژوهش و ۵۵- تحقیقات اسفند ۱۳۷۱، ص ۴۵

